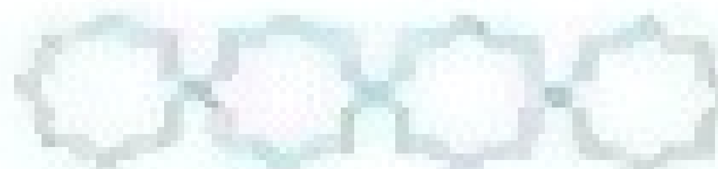


حجاب

و نقش آن در سلامت روان




مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

حجاب و نقش آن در سلامت روان

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران
سرشناسه : رجبی، عباس
عنوان و نام پدیدآور : حجاب و نقش آن در سلامت روان/عباس رجبی
منشا مقاله : پیام زن ،ش ۲۱۵ ، بهمن ۱۳۸۸ : ص ۶ - ۹
،ش ۲۱۷،فروردین ۱۳۸۹:ص ۶ - ۹
، ش ۲۱۹،خرداد ۱۳۸۹: ص ۶ - ۹
یادداشت : قسمت دوم، قسمت سوم، قسمت آخر
توصیفگر : زنان توصیفگر : حجاب توصیفگر : نجابت توصیفگر : آرامش روانی
توصیفگر : بهداشت روانی توصیفگر : امنیت توصیفگر : شخصیت توصیفگر : آسیب‌های اجتماعی توصیفگر : خانواده

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمّد و اله الطّاهرین

حمد و سپاس بیکران بر خدای عالمیان، که انسان را شریف ترین آفریده ها بر گزید، راه رشد وکمال را به او نشان داد، و تقوا و پاک دامنی را زینت بخش او نمود.

اکنون که به لطف خداوند متعال و در سایه عنایات حضرت بقیة الله الاعظم (عج) تهیه و تدوین این اثر به پایان رسید، بر خود لازم می دانم از تمامی دست اندرکاران مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره ، به ویژه سرپرست بزرگوار این مؤسسه، استاد علامّه و حکیم فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی که زمینه پژوهش در حوزه علوم انسانی و دین را برای محققان فراهم آورد، صمیمانه تقدیر و تشکر کنم.

همچنین از حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدمهدی صفورایی که زحمت نظارت بر این کتاب را بر عهده گرفتند، کمال تشکر را دارم. همچنین از سرور معظم و استاد معزّز، حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای غروی مدیر محترم گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره که با تدبیر و هدایت خویش، زمینه تحقیق را برایم فراهم نمودند، تقدیر و تشکر می نمایم. همین طور جا دارد از دست اندرکاران مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره که بستر چاپ و نشر این کتاب را فراهم آوردند، قدردانی نمایم. از خداوند بزرگ برای همه این عزیزان آرزوی توفیق دارم. امیدرارم کتاب حاضر مرضی ذات اقدس اله و حضرت ولی عصر (عج) باشد و مورد استفاده و بهره کافی خوانندگان قرارگیرد.)

عباس رجبی

مقدمه

حکم وجوب حجاب، یکی از پیشرفته ترین احکام آیین رهایی بخش اسلام، و نشان دهنده این واقعیت تردیدناپذیر است که اسلام به عنوان آیینی الاهی، در تعالیم خود توجه همه جانبه ای به تمام جهات زندگی بشر داشته و در هر حکمش، به همه جنبه ها توجه کرده است. برای مثال در قانون پوشش، هم به حقوق عمومی زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه، و هم به حقوق عمومی خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، و هم به نسل آینده به عنوان گروهی که پایه های سعادت مادی و معنوی آنان در گرو نوع روابط اجتماعی امروز است، توجه شده است.
لزوم پوشش زن در برابر مرد نامحرم، یکی از مسائل مهم اسلامی است که در قرآن کریم به آن تصریح شده و همه فقهای اسلامی، در واجب بودن آن اتفاق نظر دارند. بنابراین در اصل مطلب از جنبه اسلامی تردیدی نیست. حجاب زن از آن نظر اهمیت دارد که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در سطح جامعه است، بلکه وجود چنین حکمی در اسلام، نوعی بزرگداشت زن مسلمان و محفوظ نگهداشتن وی از نگاه های مردان است. پس از نظر اسلام، حجاب و حفظ حریم زن، یکی از حقوق زنان مسلمان است که هم خود باید آن را رعایت کنند و هم مردان باید به آن احترام بگذارند و اگر زنان غیر مسلمان این احترام را برای خود حفظ نکنند، مردان در مورد حفظ احترام آنان وظیفه ای ندارند؛ چنان که در روایتی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمودند: "لَیْسَ لِنِساءِ اَهْلِ الذِّمَّةِ حُرْمَةً لا بَأسَ بِالنَّظَرِ اِلیهِنَّ ما لَمْ یَتَعَمَّدْ ذلِکَ ". 1
یعنی زنان غیرمسلمان چون در حریم دین داری و ایمان نیستند، نگاه کردن به آن ها تا وقتی به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.
بنابراین، اسلام با طرح پوشش زن، در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راه گشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یکسو به ارزش و حرمت زن توجه نموده و این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه ای بی هدف ماندن نجات داده، و از سوی دیگر جلو فسادانگیزی و ناهنجاری هس ی ناشی از اختلاط نامطلوب مرد و زن را گرفته است و در این میان، اگر همه افراد جامعه در مقابل سلامت نفسانی خویش مسوول اند، مسوولیت مهم تر در این باره بر دوش زنان قرار دارد. پس یکی از مهم ترین دلایل پوشش زن در اسلام، جلوگیری از شیوع فحشا و فساد در جامعه وکنترل غریزه شهوت آدمی است. قرآن کریم وقتی در مورد کنترل این غریزه به عنوان یکی از وظایف اصلی مؤمنان سخن می گوید، به آنان دستور می دهد در خصوص شهوات

و غرایز جنسی، راه اعتدال پیش گیرند و از آن عدول نکنند. 2 قدم اول در کنترل شهوت این است که حریم بین زن و مرد رعایت شود. زیرا از آیات
1. میر زا حسین نوری، مستد رک ا لوسا ئل، ج 14، ص 277.
2. ر. ک: مومنون (23)، 5- 7.

حجاب استفاده می شود که علت وجوب پوشش، تحریک آمیزبودن ظاهر زن برای مرد است. از این روی، قرآن در مواردی که زن برای مرد حالت تحریک آمیزی ندارد، حجاب را لازم نمی داند. در سوره نور، به مواردی از آن اشاره شده است مانند:
1. خجاب برای پیرزنانی که مردان هیچ رغبتی به ازدواج با آنان ندارند، واجب نیست. 1
2. حجاب برای زن در مقابل مردانی که به واسطه پیری و ضعف یا علل دیگر، رغبتی به ازدواج ندارند، واجب نیست. 2
3. حجاب برای زن در برابر پسرانی که غریزه جنسی در آنان به وجود نیامده، واجب نیست. 3
بنابراین، فلسفه اصلی حجاب، از یک طرف انحصار کامیابی های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، و از طرف دیگر، جلوگیری از طغیان غریزه جنسی و گسترش فساد و تباهی اخلاق در سطح جامعه و در نتیجه حفظ سلامت روانی زن و مرد می باشد.
شهید مطهری (1379) در این مورد می نویسد: حقیقت امر این است که در مسأله پوشش، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشدکه از هر زنی در هر محفلی، حداکثر تمتّعات را به استثنای زنا ببرد یا نه؟ نظر
1. نور (24)، 60.
2. نور (24)، 31.
2. نور (24)، 31. اسلام این است که مردان فقط در محیط خانوادگی و درکادر قانون ازدواج و همراه یک سلسله تعهّدات می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجوبی کنند؛ اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از این که مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند، به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند.
آزادی روابط زن و مرد و قانونمند نبودن آن به همان شکلی که اسلام گفته، ضربه های سهمگینی بر پیکره جامعه و به ویژه بر روح و روان زن وارد می کند. در جوامع امروزی، به ویژه جوا مع غر بی، شا هد بز رگ تر ین خیانت ها و اهانت ها به شخضیت و مقام زن هستیم. همان ظلمی که در طول تاریخ به زن شده، امروز در شکل دیگری شدیدتر و در عین حال

در لباس آزادی و دفاع از حقوق زن، به این هدیه بزرگ خداوندی می شود که قرآن آن را از آیات رحمت الاهی می شمارد. 1 این کار نه تنها سبب محرومیت جامعه از برکات این نعمت بزرگ می گردد، بلکه سبب به وجود آمدن بی بند و باری، هرزگی و فراموش شدن ارزش های والای انسانی است که خود عامل مهمی در ایجاد اضطراب ها 2 و فشارهای روانی 3 بر جامعه بشری به شمار می آید.
امروزه بسیاری از نابسامانی های اخلاقی و انحراف ها و بزهکاری های بشر، در آزادی روابط زن و مرد ریشه دارد. بی حجابی، برهنگی و افتادن در دام شهوت ها، سبب تنزّل انسان به حیوانیت و متضف شدن به صفاتی
1. ر. ک: روم (30)، 21.
Anxiety.2
Stress.3 چون بی وفایی، دروغگویی، حیله گری، تشتّت افکار و... می شود و باعث می گردد انسان دست به هر جنایتی آلوده سازد.
بر اثر بی حجابی و برهنگی، فساد چنان گسترش می یابدکه دختران و پسران در خانواده خود هم در امان نباشند و زن که مظهر عاطفه و اخلاق است، عامل قساوت، بی رحمی، فساد، قتل، آدم ربایی و تجاوز به عنف می شود؟ چنا نکه مونتسکیو 1 می نویسد:
از بین رفتن 2 به قدری تأثیرات بد دارد، به اندازه ای نواقص و عیوب تولید میکند، طوری ر، ح مردم را فاسد میکند که اگر کشوری دچار آن گردد، بدبختی های بسیار پدید می آید.3
نیچه، فیلسوف آلمانی (0 190-1844) نیز در این مورد نوشته است:
آیا بهتر نیست که انسان گرفتار یک قاتل، جانی شود، تا در رؤیاهای یک زن شهوت پرست، ورود کند.4
تأثیر بی حجابی در فساد اخلاقی به حدی است که مستکبران و غارتگران، با فاسد کردن اخلاق جوامع و شیوع فحشا، همیشه از آن برای تسلط بر فرهنگ ها و ملت ها سود برده اند، تا جایی که در پروتکل سیاستمداران یهودی آمده است:
مابايد کاری کنیم که اخلاق درهمه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید. فروید از ماست، به زودی روابط جنسی زن، مرد چنان آشکارا ، برملا انجام می شود که در نظر جوان، هیچ چیز مقدسی، جود نداشته
.Montesquieu,C.L.D.S.1
Virtue.2
3. مونتسکیو، روح القوانین، علی اکبر مهتدی، ص. 226. 04 احمد زرا زوندی، افکار جاویدان، ص. 73. باشد، پیوسته همت او صرف اشباع غرایز شهوی اش گردد؛ در این صورت است که اخلاق فرو می ریزد. 1
آری، به اسم آزادی و دفاع از حقوق زنان، چه جنایت هایی که در حق

انسانیت کرده اند و چه اهانت ها و تحقیرها که به زن روا داشته اند. آن ها با نقشه های شیطانی خود، به از بین بردن ارزش زن سرعت بیشتری بخشیده اند و او را که فرشته ای انسان ساز و تربیت کننده ای معجزه گر است، به راهی افکنده اند که در آن، فرصت ها و امکانات او صرف طنّازی ها، دلبری ها، تحر یک هوس ها، ارضای شهوت پر ستان، پر کر دن چشم هوسمندان و درکل، اقناع آلودگان شود.
اگر در گذشته زن را حیوانی مو بلند و کوتاه فکر می دانستند،2 که مظهر شیطان است (کتاب مقدس، سفر پیدایش) و وجودش زاید و صرف خدمت به مردان است (جمهوری افلاطون)، امروز بدتر از گذشته، با عریان کردن او و به حراج گذاشتن تمام سرمایه روانی و جسمانی اش، بزرگ ترین و عمیق ترین پرتگاه سقوط انسانی را به وجود آورده اند. حقیقت این است که بدبختی ها و سیه روزی های قدیم زن، بیشتر معلول این بود که انسان بودن او به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی های جدید او، از آن جهت است که عمداً یا سهواً زن بودن او و موقعیت طبیعی و فطری اش، رسالتش، تقاضای غریزی اش و استعدادهای ویژه اش به فراموشی سپرده شده است. 3
.Britanica Encyclopedia.1.
Schopenhauer .2
3. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (نظام حقوقی زن در اسلام)، ج 19، ص. 33. امروز که به برکت انقلاب اسلامی و خون مقدس شهیدان، کشور اسلامی ما حیاتی تازه یافته و توجه مردم به اسلام و احکام نورانی آن جلب شده، بر همه دست اندرکاران امور فرهنگی کشور، به ویژه حوزویان و دانشگاهیان است از این هدیه بزرگ الاهی پاسداری کنند و نگذارند تبلیغات مسموم دشمنان، در ذهن های پاک جوانان مان تأثیر بگذارد، غفلت نکنیم که آنان با تمام توان خود بسیج شده اند که بار دیگر ملت ما، به ویژه جوانان را تحت سلطه فرهنگی خود قرار دهند و با کشاندن زنان و دختران به بد حجابی و بی بندو باری، زمینه سقوط اخلاقی جوانان را فراهم کنند.
از این روی، گسترش فرهنگ حجاب در میان بانو ان، یکی از ضروری تر ین کارهاست؛ زیرا:
پوشش اسلامی زن، علاوه براینکه نشانه ای از حیا، نجابت عمومی اوست، تأکیدی مجدد بر هویت اسلامی وی، پایبندی به اصول اخلاقی است،
ارزش های مادی گرایی، روحیه سودجویی غربی را طرد میکند. 1
به همین دلیل مسأله حجاب زن مسلمان، نه تنها یک مسأله ای اخلاقی و فردی است، بلکه به عنوان بارزترین نکته برای تبلیغ دین شمرده می شود؛ به ویژه در جوامع غربی، آنخصلت شهوت طلبی و لذت گرایانه را که خاص آن جوامع است، به چالش می کشاند. از این روی آن ها به مبارزه با آن بر

می خیزند و در فرانسه، قانون منع حجاب تصویب می شود. بنابراین، عدم پوشش و ستر زن، عامل بسیاری از فسادها و تباهی هاست. بزرگی این خطر از آن جاست که در ابتدا نزد اذهان

Esposito,John, L.The Oxford Encyclopedia of the Modern.1 Islamic World,Oxford,New York, oxford University .Press,1995,vol.12,p.110

ساده لوح نه تنها خود را نشان نمی دهد، بلکه با شکل های دلفریب و زیبا، نمایان می شود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) پرده از چهره واقعی آن بر می دارد و می فرماید: "الْمَرْاة عَقْرَبٌ حلْوَةُ الْلَسْبَةِ؛ 1 زن چون عقربی است که نیش او شیرین است "؛ یعنی ارتباط با نامحرم، گرچه ظاهری لذت بخش و شیرین دارد، در واقع خطرناک و مرگ آفرین است.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

موضوع حجاب از ابعاد مختلفی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و کتاب ها و مقاله های فراوانی در این زمینه تدوین شده است، ولی به بُعد روان شناختی 2 حجاب و تأثیر آن از نظر روانی بر خود زن، کمتر توجه شده است. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی نقش پوشش در سلامت روانی،3 گامی کوچک در راه بر طرف ساختن این نیاز بردارد و به مربیان و مسوولان فرهنگی جامعه، بینش تازه ای درباره تأثیر روانی حجاب بر زنان و دختران ارائه دهد.
زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و گسترش عفّت، پاک دامنی و اخلاق در بین جوامع بشری دارند. عفّت و حیای 4 زن که یکی از مهم ترین عوامل حفظ و بقای عفّت عمومی است، نه تنها در تمام ادیان و مذاهب الاهی تأکید شده، بلکه عقل و فکر بشری نیز آن را تأیید می کند.

1. محمد بن الحسن شریف رضی، نهج البلاغه، محمدمهدی فولادوند، ص 428.
2. Psychological
3. Mental Health.
4. Modesty

از نظر اسلام، اهمیت این موضوع به حدی است که برخی روایات آن را تمام دین می دانند. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)آمده که فرمودند: "الحَیاءُ هوَ الدَینُ کلُّهُ؛ 1 حیا تمام دین است ". امام علی (علیه السلام)نیز در مورد عفّت و پاک دامنی می فرماید: "اَلعِفَّة رَأسُ کُلِّ خَیْر؛ 2 عفّت و پاک دامنی، منشا هر خیری است". به همین منظور، در تمام ادیان و مذاهب آسمانی، قوانین گوناگونی برای حفظ و بقای عفّت و حیای عمومی وضع شده است که حجاب و پوشش زن از جمله آن هاست.
حجاب که به معنای پوشیدن تمام بدن و زیبایی های ظاهری زن در برابر مردان بیگانه است، برای پیشگیری و کنترل برخی گرایش ها و رفتارهای خودنمایانه 3 و وسوسه انگیز است. این در حالی است که زنان به طور طبیعی مایل اند در برابر جنس مخالف خودآرایی کنند و زیبایی زنانگی شان را به نمایش بگذارند.
حال این سؤال پیش می آید که این قانون اسلامی تا چه اندازه با طبیعت زن سازگار است؟ آیا همان طور که عده ای از مخالفان حجاب می گویند، این محدودیت مانعی برای رشد عاطفی و روانی زن به شمار می آید یا به

عکس، در راستای آن است و راهی به سوی سلامت روانی آنان می باشد؟ به عبارت دیگر، آیا آزادی زن از قید حجاب و مجاز بودن او در خودنمایی برای جنس مخالف، در وی ایجاد اضطراب می کند و سلامت روانی او را به خطر می اندازد یا به عکس، حجاب و ممانعت از

1. علی بن حسام الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج 3، ص 121.
2. عبد ا لوا حد ا لآمدی، غر را لحکم و دررا لکلم، ج 1، ص 40.
3. Exhibitionism زن برای برقراری روابط آزاد با نامحرم چنین نتیجه ای می دهد، چنان که امروزه، غربی ها طرفدار این تفکّرند؟

اهمیّت بررسی این موضوع روشن است؛ زیرا اولاً به یقین حجاب و پوشش زن، یکی از محکم ترین سنگرهایی است که مسلمانان، به ویژه جوانان را از فساد و فحشا حفظ می کند و سدی آهنین در برابر نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام است. به همین دلیل، همان طورکه رهبر فرزانه انقلاب بارها فرموده اند، بر همه ما تکلیف است در مقابل این تهاجم همه جانبه هشیار باشیم و با آن مقابله کنیم.

ثانیاً، ارتباطی که حجاب با سلامت روانی زن دارد، صرف نظر از ارتباط مثبت یا منفی، به موضوع اهمیّت بیشتری می دهد؛ زیرا بدون تردید به لحاظ نقش مهم و حساسی که زن در حیات جسمی و روانی انسان ها دارد، بحث و بررسی در مورد مؤلفه های سلامت روانی او لازم و ضروری به نظر می رسد.

اما از آنجا که دین اسلام به بهداشت و سلامت روانی افراد اهمیّت زیادی داده و حتی نتیجه نهایی بندگی خدا را رسیدن به "نفس مطمئنه " می داند 1 و فقط کسانی را که دارای قلب و روانی سالم اند، اهل نجات و خوش عاقبت می داند2 مطمئناً در تمام احکام و قوانین خود و از جمله حجاب، به نقش آن ها در روح و روان افراد توجه کرده و بهترین نسخه را برای سلامت و سعادت جوامع بشری ارائه داده است.

بنابراین، زنان به مسوولیت های بسیار خطیری که در خانواده دارند مانند

1. یا أَیتُهَا النَفْسُ ﭐلْمُطْمَئِنَهَ اِرْجِعی اِلی رَبّکَ راضِیهً مَرْضِیهً توای روح آرام یافته ! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او ازتو خشنود است، (فجر (89)، 28 و 27).
2. یَومَ لاینفع مال و لابنون الا من اتی اللّه بقلب سلیم، شعرا (26)، 88 و 89.

همسرداری، بچه داری وخانه داری، بیش از دیگران نیاز مند آرامش وسلامت روان هستند. اضطراب و افسردگی در زنان باعث می شود نتوانند در انجام وظایف اصلی خود موفق باشند و به جای این که برای

همسر و فرزندان و جامعه خود آرامشگر باشند، برهم زننده آرامش و سلامت روانی آنان گردند. نقش زن در آفرینش انسان از نظر قرآن در حدی است که از او به "قَرارٍ مَکینٍ ؛ 1 قرار گاه مطمئن "، تعبیر شده است. همچنین قرآن وجود زن را برای مرد به مثابه لباس روح 2 و آرامشگر روان 3 می داند. به همین دلیل، دین اسلام برای محافظت از زن و استعدادهای ارزشمند او، دستو راتی چون حجاب و رعایت حریم بین زن و مرد را واجب کرده است.
امروزه جوامع بشری با وجود پیشرفت های بسیار زیاد و همه جانبه علمی و فرهنگی، خیلی بیش ازگذشته ازکمبود آرامش و سلامت روانی رنج می برند؛ در حالی که توقع و انتظار از پیشرفت علم و صنعت این است که زندگی بشر شیرین تر شود و اضطراب و افسردگی 4 از بین آنان رخت بربندد. شاید دلیل همه این مشکلات، دور شدن انسان از معنویت، دین و بندگی خداست؛ چنان که ادیان آسمانی از جمله اسلام به چنین حقیقتی اذعان دارند. قرآن در این باره می فرماید: "وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِکری فَاِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنْکاً؛5 و هر کس از یاد من روی گردانشود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت " به همین دلیل، اسلام تنها راه
1. ر. ک. مر سلات (77)، 21.
2. ر. ک !. بقر ه، (2)، 187.
3. ر. ک. روم (30)، 21.
4. Depression
5. طه (20)،124، رسیدن به سلامت روانی را عمل به تک تک احکام و قوانین خود می داند 1 که یکی از آن ها پوشش و حجاب است. از نظر اسلام، زن با رعایت حجاب و حفظ حریم خود از دستبرد نامحرم، قدم مؤثری در راه سلامت روانی خود برمی دارد و به عکس، با بی بندوباری و نداشتن حجاب و پوشش مناسب، لحظه به لحظه سلامت روانی خود را از دست می دهد و در عوض به اضطراب و افسردگی خود می افزاید. این مطلب افزون بر این که از آموزه های دینی ما به دست می آید، با کمی تأمل و دقت نظر نیز قابل فهم است. به همین دلیل بسیاری از مصلحان جامعه به آن اعتراض دارند که در فصل بعد به پاره ای از دیدگاه های آن ها اشاره خواهیم کرد. بنابراین، به نظر می رسد این احتمال بسیار قوی باشد که میزان سلامت روانی زنان و دختران با حجاب در برابر کسانی که حجاب را کمتر رعایت می کنند، در سطح بالاتری باشد. به همین دلیل به نظر ما، تحقیقی میدانی وگسترده در این زمینه می تواند مسائل زیادی را روشن کند و سؤال های بسیاری را پاسخ دهد تا با روشن شدن آن ها، بتوان الگوهای بهتری برای رسیدن به آرامش و سلامت روانی زنان و دختران ارائه کرد.

در این جا تذکر دو نکته لازم است: 1. گرچه در این پژوهش از کار میدانی استفاده شده، ولی جنبه نظری 2 و توصیفی 3 پژوهش از اهمیت
1.قرآن در آیات زیادی، از جمله (یونس، 62) می فرماید: "اَلا اِن اَولیاءَ الله لا خَوْف عَلَیهم وَلا هُم یَحْزنونَ؛ دوستان و اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند". اگر بخواهیم این آیه را به زبان علمی بیان کنیم، می توان گفت: منظور از خوف و حزن در آیه، ترس و اضطراب و افسردگی است که به طورکلی از دوستان و اولیای الاهی به دور است. بنابراین، انسان به واسطه ایمان به خدا و انجام کارهای شایسته، به سلامت روانی می رسد.
Theoretical.2 بیشتری برخوردار است و بر جنبه میدانی و عملی آن می چربد. به عبارت دیگر در این پژوهش، ارتباط بین حجاب و سلامت روانی بیشتر جنبه نظری و توصیفی دارد؛ با این حال از تحقیق میدانی نیز کمک گرفته شده تا نتایج علمی وتجربی نیز ضمیمه شود.
2. با توجه به این که اولاً اضطراب زیربنای بیشتر بیماری های روانی است 4 (ناتان و همکاران، 1980) و نبود آن تا حد زیادی نشانه سلامت روانی محسوب می شود؛ و ثانیاً بررسی تجربی سطح سلامت روانی، کاری دشوار و نیازمند بررسی و تحقیق گسترده ای در مورد مؤلفه های زیادی است، از این رو در کار میدانی، از پرسشنامه اضطراب برای سنجش بخش زیربنایی سلامت روانی آزمودنی ها استفاده شده است.

تعریف های عملیاتی

حجاب: منظور از حجاب این است که زن تمام بدن خود، جز صورت و دست ها را تا مچ بپوشاند و از خودنمایی و هر رفتاری که باعث جلب توجه نامحرم به ویژگی های زنانگی او شود، پرهیز کند.5
بدحجابی: هر گونه رفتار و عملی است که در مقابل نامحرم انجام شود و سبب جلب توجه او به ویژگی های زنانگی زن شود؛ مانند: آرایش کردن، استفاده از صدای نازک و سخنان تحریک کننده، به کار بردن بوی خوش، نشان دادن زینت های بدن، استفاده از رنگی های جذاب در لباس
Descriptive.3
.Nathan,P.E.4
5. علی ا کبر دهخدا، لغت نامه، ج 18، ص 287. و پوشیدن لباس های نامناسب، ژست ها و حرکات بدنی تحریک کننده. خلوت کردن با نا محرم و مانند آن.
نگرش به حجاب: میزان باور و گرایش فرد به حجاب به طوری که آمادگی و تمایل او را برای رعایت حجاب نشان می دهد. در این مطالعه، نگرش به حجاب عبارت از نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه نگرش به حجاب، به دست می آورد.
سلامت روانی: قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور عادلانه و مناسب. 1 به عبارت دیگر، سلامت روانی عبارت است از سازش فرد با جهان اطرافش به حداکثر امکات، به طوری که باعث شادی و برداشت مفید و مؤثر به طورکامل باشد 2 (کارل مننجر 3: به نقل از همان منبع).
اضطراب: حالت هیجانی مبهم و نامطلوب همراه با تظاهرات بیرونی، وحشت و آشفتگی است که در اثر تهدید و عدم مقابله صحیح با آن حادث می شود 4 در این مطالعه، نمرات به دست آمده از مقیاس اضطراب موجود در چک لیست "زانک " (S.A.S) شاخص اضطراب است. نگرش. ترکیبی از باورها، گرایش ها یا احساسات مساعد و نامساعد است که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش به شیوه ای نسبتاً ثابت به اشیاء، اشخاص و رویدادهای خاص می انجامد.5
1. بهر وز میلانی فر، بهداشت روانی، ص. 15.
2. کارل مننجر، به نقل از بهروز میلانی فر، بهداشت روانی، ص. 15.
Karl Menninger.3
4. به نقل از، فرزانه خسروجردی، بورلی اعتبار تست درخت، ص. 11.
5.علی ا کبر مهرآرا، زمینه روان شناسی اجتماعی، ص 223.

فصل اول : تاریخچه حجاب

اشاره

پوشش زن در روم و یونان باستان پوشش زن در ایران باستان
پوشش زن در ادیان بزرگ الاهی حجاب زنان ایرانی بعد از اسلام تاریخ
مبارزه با حجاب در ایران حجاب در فرهنگ اسلأمی- ملی ما

تاریخچه حجاب

براساس گواهی متون تاریخی، در بیشتر ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را پیموده و گاه با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طورکامل از بین نرفته است. تاریخ نگاران به ندرت از اقوام بدوی ای یاد می کنند که زنانشان پوشش مناسب نداشته یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند. کتاب زن درآینه تاریخ پس از طرح مفصل علل وعوامل تاریخی حجاب، می نویسد:
با توجه به علل ذکر شده، بررسی آثار، نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می شود، به این دلایل، عقیده عده ای که میگویند "مذهب " موجد حجاب می باشد صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است.

1. پوشش زن در یونان و روم باستان

دا یرة المعارف لا روس 1 درباره پوشش زنان یونان باستان می نویسد: زنان
Larousse Enccyclopedia.1. یونانی در دوره های گذشته، صورت و اندامتنان را تا روی پا می پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس، 1 اِمِرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد. زن های فنیقی 2 نیز پوششی قرمز داشته اند. سخن درباره حجاب، در لا به لای کلمات کهن ترین نویسندگان یونانی نیز به چشم می خورد؛ حتی "بنیلوب "3 (همسر پادشاه "عولیس ")4 فرمانروای جزیره "ایتاک "5 نیز با حجاب بوده است. زنان شهر "ثیب " 6 حجاب خاصی داشته اند؛ بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می پوشاندند. این پارچه دو منفذ داشت که جلو چشمان قرار می گرفت تا بتوانند ببینند. در "اسپارته "7 دختران تا زمان ازدواج آزاد بودند، ولی پس از ازدواج خود را از چشم مردان می پوشاندند. نقش هایی که بر جای مانده، حکایت می کند که زنان سر را می پوشاندند، ولی صورت هایشان باز بوده است؛ البته وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بوده که صورت هایشان را بپوشانند، خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد 8 (و فارس و عرب) وجود داشته است زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده اند؛ به طوری که وقتی از خانه خارج می شدند،

Corsica.1
Phoenica .2
Beniloop .3
Ulysses .4
Ithaca.5
Thebes6.
Sparta.7
Media.8

با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می پوشاندند و چیزی از برآمدگی های بدنشان مشخص نمی شد.
"ویل دورانت " 1 نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره "الهه عفّت " 2 که یکی از خدایان یونان باستان است، می گوید:

آرتمیس "3 الهه عفت است، عالی ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می آیدکه دارای بدنی نیرومند،ورزیده، چابک بوده، به زیور عفَت و تقوا آراسته است.4
همچنین درباره مردم یکی از قبایلی که نهصد سال پیش از میلاد زندگی می کرده اند، آمده است:
بالاتر از ارمینان، در کنار دریای سیاه، "سکّاها"5 بیابانگردی میکردند؛ آن ها مردم، حشی، درشت اندام قبایل جنگی نیمه مغول و
نیمه اروپایی بسیار نیر، مندی بودند که در ارابه به سرمی بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند.6
این تاریخ نگار در جای دیگر می نویسد:
زنان فقط در صورتی می توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند، در جشن های مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملا در حجاب و تحت مراقبت باشند. در مواقع دیگر باید در خانه بمانند و نگذارند کسی
1.Durant.W.
2.Virtue Goddess
3. Artemis
4. ویل دورانت، تاریخ تمدن، احمد آرام و همکاران، ص 520.
5. Saythians
6. همان، ص. 336.

از درون پنجره به آنان نظر اندازد. بیشتر عمر آنان در حرمسرایی که عقب خانه است میگذرد. هیچ مردی حق ورود به آن جا را ندارد. زنان باید، قتی که شوهرانشان مهمان دارند، از ظاهر شدن خودداری کنند. 1
همچنین از قول یکی از فیلسوفان یونان باستان درباره شدت پوشش زن نقل می کند:
نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت. 2

2. پوشش زن در ایران باستان

اشاره

در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و این که حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می نویسد:
زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن نداشتند که جز در تخت روا ن روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که اشکارا با مردان آمیزش (اختلاما) کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی شود، نامی از ایشان به نظر نمی رسد.3
از دائره المعارف لاروس نیز به دست می آید که حجاب در بین مادها و پارس ها وجود داشته است (به نقل از وجدی، 1923). همچنین در تفسیر اثنی عشریآمده است:
تاریخ نشان می دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است. در
1. همان، ص. 340.
2، همان، ص. 340.
3. همان، ص. 434.

کیش "مازدیسنی " نامه شت مهابادآیه 90 گوید: زن خواهید و جفت گیرید، هم خوابه دیگری را نبینید، بر او منگرید، با او نیامیزید. 1
نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است نشان می دهد که زنان در دوره های مختلفی چون دوره مادها، پارسی ها (هخامنشیان)، اشکانیان و سامانیان حجاب و پوشش داشته اند، که به چند نمونه آن اشاره می شود.

1-2. دوره مادها

درکتاب پوشاک باستانی ا یرانیان آمده است:

اصلی که باید در نظر داشت این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (باکمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.2

وی در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می نویسد:

مرد، زن به،واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان، جود دارد از هم تمیز داده می شوند. به نظر می رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده اند، از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است. 3

2- 2. دوره پارسی ها (هخامنشیان)

پارسی ها به دست کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آن ها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است:

1. حسین بن احمد الحسینی، تفسیر اثنی عشری، ج 10، ص 490.
2. جلیل ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان ازکهن ترین زمان، ص 51. 3. همان، ص. 54.

از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی خوریم که پوششی جالب دارند؛ پیراهن آنان پوششی ساده، بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی خوریم که از پهلو به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده، در زیر آن، یک پیراهن دامن بلند و در زیر این یک نیز، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است.1

در تا ریخ طبری در مورد ارزش حیا و پس ک دامنی در بین زنان این دوره آمد است:

خشایارشاه همسر خویش "وشتا" را که جمیل، زیبا، جلیل بود، بکشت؛ آن رو که شاه گفته بود بی پرده درآید که مردم او را ببینند و جلالت و جمال وی را بشناسند، او نپذیرفت و شاه او را بکشت.2

2-3. دوره اشکانیان

در این دوره نیز همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می خوانیم:
لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری داشته اند که روی اوّلی می پوشیدند، قد این یکی نسبت به اوّلی کوتاه، ضمناً یخه باز بوده است . روی این دو پیراهت چادری سرمیکردند. 3
در جای دیگر آمدهاست:
چادر زنان اشکانی به رنگ های شاد و ارغوانی، یا سفید بوده است.
1. همان، ص. 56،
2. بنفشه حجازی، زن به ظن تاریخ، ص 91.
3. جلیل ضیاءبور، پوشاک زنان ایرانی، ص 194.

گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب، پهلوها می پوشانیده است. 1
پارتیان نیز آمده است:
زنان عهد اشکانی، قبایی تا زانو بر تن میکردند با شنلی که بر سر افکنده می شد، نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می آویختند.2 همچنین درباره نحوه سلوک ورفتار زنان آمده است: زنان در مکان های عمومی نباید ظاهر می شدند، با آنکه در مجامع دینی نیمی از روی را آشکار می کردند، ولی معمولاً روی پوشیده و حجاب داشتند. 3

2-4. دوره ساسانیان

در این دوره، اردشیر پسر بابک با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را بنیان نهاد و دین زرتشت را دین رسمی کشور برگزید. اوستا را ترجمه و آتشکده های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می شده، همچنان دارای حجاب حجاب بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است:

چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است.4

حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که "حتی لباس

1. همان، ص 197.

2. مالکوم کالج، پارتیان، مسعود رجب نیا.

3. مسعود رجب نیا وهمکاران، تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکایان و پارتیان، ج 2، ص 77. 4.جلیل ضاء پور، پوشاک زنان ایرانی، ص 114.

هنرپیشگان زن، مانند لباس های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است. 1

برای اثبات زنان در این دوره به حجاب ،کافی است این نقل تاریخی را از منابع اسلامی مرور کنیم:

هنگامی که سه تن از دختران کسرا،پادشاه ساسانی را باثروت فراوانی از اموال آن ها برای عمر آوردند ،شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب خود را پوشانده بودند ،واداشتند ،خلیفه دستور داد آواز بلند به آنان فریاد کشند که :پوشش از چهره برگیرند تا مسلمانان آن ها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آن ها بریزند دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خوداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند .خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیاویزد ،در حالی که شاهزادگان ایرانی می گریستند.حضرت علی(علیه السلام)به عمر فرمود :در رفتارت مدارا کن ؛از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

شنیدم که می فرمود :"بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده ،گرامی بدارید".عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی (علیه السلام) آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد:با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.(الحبلی،بی تا).

3. پوشش زن در ادیان بزرگ الاهی

حجاب در شر یعت حضرت ابراهیم(علیه السلام)

در آیین مقدس حضرت ابراهیم (علیه السلام) مسأله پوشش زنان، اهمیت فراوان داشته است. درکتاب تورات چنین می خوانیم:
"رفقه " چشمان خود را بلند کرده، اسحاق را دید، از شتر خود فرود آمد؛ زیرا
1. علی سامی ، تعدن ساسانی، ج 1، ص 186.

از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید. 1
از این بیان روشن می شود که شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام)پوشش زن در مقابل نامحرم در وجود داشته است؛ زیرا "رفقه " در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد.

3- 2. حجاب در آیین یهود

در تلمود 2 که یکی ازکتاب های مهم دینی و در حقیقت فقه مدوّن و آیین نامه زندگی یهود یان است، در مورد چگونگی آفرینش زن آمده است:
خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کدامین عضو آدم بیافریند، او فرمود من زن را از سر آدم نمی آفرینم تا انکه سبکسر نگردد. من زن را از قسمتی از بدن آدم (دنده آدم) که همواره پوشیده و نهفته است می آفرینم تا آنکه موجودی محجوب و عفیف بار آید.3
همچنین در اصول اخلاقی تلمود آمده است:
اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانچه مثلا بی انکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت، یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان درد دل میکرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلّم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.4

1. تورات، سفر پیدایش، باب 24، آیه 64 و 65.
Talmud.2
3. آبراهام کهن، گنجینه ای از تلمود؛ ترجمه گرگانی، ص 178.
4. ویل دورانت، تاریخ تمدن، احمد آرام و همکاران، ج 4، ص 461.

3-3. حجاب در آیین مسحیت

پولس 1 در رساله خود به قرنتیان تصریح می کند:
اما می خواهم شما بدانیدکه سر هر مرد، مسیح است، سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می نماید. اما هر زنی که سربرهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود؛ زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز ببرد، اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد؛ چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است، نیز مرد به جهت زن آفریده نشد بلکه زن برا ی، مرد. از این جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان.... در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعاکند. 2
پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود.
نیز در انجیل در رساله پو لس به تیموتاؤس 3 می گوید:
و همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس حیا، پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها، بلکه چنانکه زنانی را می شاید که دعوای دینداری میکنند به اعمال صالحه.4

1.PYlos
2. انجیل، رساله پولس، باب 11، آیه 3 تا 14.
3.Timothy
4. همان، باب 2، آ یه 9 تا 11.

3- 4. حجاب در دین اسلام

اشاره

بی شک پوشش زن در برابر مردان نامحرم، یکی از ضروریات دین اسلام است که درباره جنبه اسلامی آن نمی توان تردیدی به خود راه داد. در قرآن کریم و روایات وارده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و امامان معصوم (علیه السلام) و نیز درکلمات فقها، به وجوب وکیفیت آن تصریح شده است.
همان طور که در تاریخچه آوردیم، در ادیان گذشته نیز حجاب وجود داشته است؛ ولی حکم حجاب در دین اسلام بسیار مترقی تر است، زیرا در این دین، که آخرین آیین الاهی و کامل ترین دین است، از افراط و تفریط هایی که در مورد پوشش زنان در ادیان و اقوام گذشته وجود داشته، پرهیز شده و برای حجاب حدی متناسب با غرایز انسانی در نظر گرفته شده است.
حجاب اسلامی به معنای حبس زن در خانه و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.
مرحوم شهید مطهری در این باره می فرماید:
اسلام میگوید: نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس، مجامع منع نمی شدند،ولی همواره اصل "حریم " رعایت شده است. در مساجد، مجامع، حتی درکوچه، معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. 1
1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ج 19، ص 551.

3- 4- 1. حجاب و قانونمندی روابط زن و مرد در قرآن

در قرآن کریم در مورد حجاب و قانونمندی روابط زن و مرد، دو دسته آیه وجود دارد: دسته اول آیاتی که در مورد وجوب حجاب و پوشش ظاهری و حد و کیفیت آن نازل شده است، و دسته دوم آیاتی که نوع رابطه بین مرد و زن نامحرم را بیان می کند و آنان را ازکارهایی که عفت و پاک دامنی شان را تهدید می نماید، برحذر می دار د. دسته اول عبارتند از: 1. نور، (24)، 31: "وَقُل لِّلْمُومِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُروجَهُنَّ وَلا يبْدِينَ زِينَتَهنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جيوبهنَّ وَلَا يبْدِينَ زِينَتَهنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آ بَاء بعُولَتِهنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَ انِهنَّ آوْ بَنِى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِى أخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ ايْمَانهنَّ اوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ اوْلى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اوِ الطفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظهَروا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء وَلَا يَضْرِبْنَ بِارْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا ايّهَا الْمومِنُونَ لَعَلَّكم تفْلِحُونَ".

ترجمه: و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه های هوس آلود) فروگیرند و عفّت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و (اطراف) روسری ها و مقنعه های خود را بر سینه خود افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان، یا پدرشوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند. یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛و هنگام راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته نشود (و صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

شهید مطهری 1 (1379) در باره مفاد این آیه و آیه قبل آن می فرماید: دو آیه 30 و 31 نور، مربوط به وظایف زن و مرد در معاشرت با یکدیگر است که شامل چند قسمت است:

الف. هر مسلمان، چه مرد وچه زن، باید از چشم چرانی و نظر بازی اجتناب کند؛

ب. مسلمان، خواه مرد یا زن، باید پاکدامن باشد و عورت خود را از دیگران بپوشاند؛

ج. زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان بر نیایند؛

د. دو استثنا برای پوشش زن ذکر شده که یکی با جمله "وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهنَّ

اِلّا ما ظَهَرَ مِنْها" بیان شده است و نسبت به عموم مردان است، و دیگری با جمله "وَلَا يُبْدِينَ زينَتَهنَّ اِلّا لِبُعُولَتَهِنَّ الخ " ذکر شده و نداشتن پوشش را برای زن نسبت به عده خاصی تجویز می کند.
همچنین از جمله"وَ لا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفينَ مِنْ زينَتِهِنَّ؛ هنگام راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود" فهمیده می شود: پای کوبی، نمودی کامل از ظاهر کردن باطن سکس زن است و به انواع حرکات تحریکی که باعث جلب توجه مردان نامحرم می شود، اشاره دارد. 2 2.احزاب (33)، 59: "يَا ايّهَا النَّبِىُّ قل لِّاَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنسَاء الْمومِنِينَ يدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبهنَّ ذَلِکَ ادْنَى ان يُعْرَفْنَ فَلَا يؤذَيْنَ وَكَانَ اللَّه غَفُورًا رَحيماً".
1. همان، ص 466.
2. سیدرضا پاک نژإد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 0 2، ص 137.

ترجمه: ای پیامبرا به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب ها (= روسوی های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنونخطا و کوتاهی از آنان سر زده، تو به کنند)؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.
شهید مطهری در توضیح کلمه "جلباب " بعد از این که به اقوال مفسران اشاره می کند، می فر ما ید:
چنانچه ملاحظه می فرمایید، معنای جلباب از نظر مفسران چندان روشن نیست. آنچه صحیح تر به نظر می رسد این است که در اصل لغت، کلمه جلباب شامل هر جامه وسیع می شده است،ولی غالباً در مورد روسری هایی که 61 چارقد بزرگ تر، از ردا کوچک تر بوده انست به کار می رفته انست. ضمناً معلوم می شود د، نوع روسری برای زنان معمول بوده است: یکی نوع ر، سری های کوچک که آن ها را خمار یا مقنعه می نامیده ا ند، معمولاً در داخل خانه از آن ها استفاده میکرده اند. نوع دیگر روسری های بزرگ که مخصوص خارج منزل بوده است. این معنا با روایاتی که در آن ها لفظ جلباب ذکر شده است نیز سازگار است. 1
دسته دوم به آیاتی اشاره می کند که مؤمنان و به ویژه زنان را از رفتارهایی که سبب جلب توجه و تحریک نامحرم می شود، باز می دارد و حیا و عفت در مقابل نامحرم را مورد ستایش قرار می دهد. این آیات عبارت اند از:
1 0 احزاب (33)، 33: "يَا نسَاء النَّبِىَ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاء إِنِ اتَّقَيتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَع الَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْروفًا".
ای همسران پیامبر! شما همانند یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا
1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ج 19، ص 502. پیشه

کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید.
در این آیه گرچه خطاب آن همسران پیامبر است، ولی اختصاصی به آن ها ندارد و همه زنان مسلمان را در برمی گیرد. براساس این آیه، زنان نباید درگفتگو با نامحرم از سخنانی که مفهوم یاآهنگ آن وسوسه آمیز و تحریک کننده باشد استفاده کنند؛ چه بسا در بین آن ها افرادی باشندکه به سبب ضعف ایمان و آلودگی به هوس های شیطانی، تحریک شوند و خیال گناه در سر خود بپرورانند. بنابراین برای حفظ عفت و پاک دامنی افراد جامعه، بر زنان لازم است در گفتگو با نامحرم دقت لازم را داشته باشند. 2. احزاب (33)، 33: "وَقَرْنَ فِی بیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الأُولَی ". ترجمه: و (ای زنان پیامبرا) در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید. در این آیه نیز به زنان دستورات دیگری برای برخورد با نامحرم می دهد. در ابتدا از زنان می خواهد تا جایی که امکان دارد از خانه خارج نشوند و خود راکمتر در معرض دید نامحرم قرار دهند؟ زیرا با این کار جلو بسیاری از مفسده های اخلاقی گرفته می شود و زمینه انحراف و ناهنجاری در جامعه از بین می رود؛ چنان که در آیه 53 همین سوره به این مطلب اشاره کرده است. دستور دیگری که این آیه برای زنان دارد این است که از تبرّج، جلوه گری و جلب توجه نامحرم بپرهیزند. کلمه تبرّج، از برج گرفته شده و به معنای آن است که فرد خود را مانند برج در معرض دید و تماشای دیگران قرار دهد. در واقع این قسمت آیه به ما می فهماند اگر زنان نمی توانند در خانه بمانند و بیرون آمدن از منزل برایشان ضروری است،
به گونه ای خارج شوندکه سبب جلب توجه نامحرم نشوند. به عبارت دیگر، جواز حضو ر زن در اجتماع مشروط بر این است که اولاً حضورش ضرورت داشته باشد و ثانیاً نحوه حضور او اعم از نوع پوشش، راه رفتن، نگاه کردن و در یک کلمه تمام حرکات و سکناتش به نوعی باشدکه در قالب تبرّج و جلوه گری نبوده و بلکه همراه با حیا و عفت باشد.
در سوره قصص آیه 23 و 25 به همین شیوه رفتاری اشاره کرده و آن را می ستاید. در آیه اول به رفتار دختران شعیب اشاره می کند که سعی می کنند از اختلاط با نامحرم بپرهیزند؛ هنگامی که حضرت موسی از آن ها می پرسد چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید، در پاسخ می گویند: "قَالَتَا لَا نَسْقِی حَتَّی یُصدِرَ الرَّعَاء"، ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و ازکنار چاه فاصله بگیرند. کلمه "لَا نَسْقِی " که به صیغه مضارع آمده، نشانه استمرار و عادت داشتن به ا ین رویه در مقابل نامحرم است. 1
در آیه 25 به مورد دیگری از شیوه رو به رو شدن زن با نامحرم اشاره

کرده است. پیام این آیه این است که صحبت کردن و هرگونه ارتباط با نامحرم باید همراه با حجب و حیا باشد. در این داستان وقتی دختر شعیب مأمور می شود سخن پدر را به موسی که جوانی نامحرم است برساند، قرآن این طور تعبیر می کند: "فَجَاءتْهُ إِحْدَاهمَا تَمْشِی عَلَى اسْتِحْيَاء" یکی از آن دو زن به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا قدم برمی داشت. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: مراد از این که راه رفتنش بر استحیا بوده، این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود. 2

1. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی، ج 16، ص 33.

2. همان، ص 35.

3. نور (24)، 30 و 31: "قل لِّلْمُؤمِنِینَ یَغُضُّوا مِن أَبْصَارِهِمْ... وَقُل لِّلْمومِنَاتِ یغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ "

ترجمه: به مردان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند. در این دو آیه نیز به رفتار دیگری که حاکی از عفت و حیاست اشاره می کند و آن پرهیز از نگاه هوس آلود به نامحرم است؛ زیرا نگاه به نامحرم اگر از روی لذت باشد، سبب انحراف اخلاقی می شود و آدمی را از جاده عفاف دور می سازد.

4. احزاب (33)، 53: "وَإِذا سَالتموهُنَّ مَتَاعًا فَاسْالوهُنَّ مِن وَرَاء حِجَابِ ذَلِكُمْ اطْهَرُ لِقلوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ".

و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (زنان پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل های شما و آن ها بهتر است. در این آیه نیز به شیوه دیگری برای خفظ عفت و حیا اشاره می کند و به مردان دستور می دهد هنگام صحبتکردن با زنان پیامبر و به طور کلی هر زنی که به آن ها محرم نیستند، سعی کنند رو در روی آن ها قرار نگیرند، بلکه از پشت پرده صحبت کنند تا از وسوسه های شیطانی و انحراف های اخلاقی محفوظ بمانند و پرده عفت و حیای شان دریده نشود. از این آیات به دست می آید در قرآن به عفت و حیا توجه زیادی شده و همه مؤمنان، چه مردان و چه زنان را از رفتارهایی که موجب خدشه دار شدن عفْت و حیای درونی آن هاست باز داشته است.

3- 4- 2. حجاب و قانونمندی روابط زن و مر د در روایات

در روایات نیز ضرورت پوشش زن مورد تأکید قرار گرفته است. ما در این جا ضمن اشاره به این روایات، به برخی عناوینی که در روایات درباره نحوه ارتباط زن و مرد با یکدیگر است و در راستای اهداف حجاب قرار دارد، نیز اشاره می کنیم:

1. روایاتی که در ذیل آیات حجاب وارد شده و نیز روایاتی که زنان را امر به پوشش می کند، مانند:

"عَنْ فَضیلِ بن یَسار قالَ: سَالتُ اَباعَبدِالله عَلیه السَّلام عَنِ الذِراعَیْنِ مِنَ الْمَراَةِ اَهُما مِنَ الزَینَةِ الَّتی قالَ الله تَبارَکَ وَ تَعالی: "وَ لا یُبدینَ زَینَتَهُنَّ اِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ " قال: نَعَمْ وَ ما دُونَ الْخِمارِ مِنَ الزّینَةِ وَ مادُونَ السِّوارَیْنِ ". 1 فضیل بن یسار گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: آیا آرنج های دست زن، بخشی از زینت اوست که خداوند در قرآن فرموده: زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان؟ فْرمود: بله و تمام بدن زن غیر از صورت و دست ها تا مچ، زینت او شمرده می شود.

در روایت دیگری آمده است که ام سلمه گوید: "لَمّا نُزِلَتْ "یدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابیبِهِنَّ " خَرَجَ نِساءُ الْانصارِکَاَنَّ عَلی رُووسِهِنَّ الْغَربْاَنِ مِنَ الْاَکسِیَةِ".2 وقتی این آیه نازل شد که (زنان) روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند، زنان انصار هنگام خروج از منزل، سرهای خود را با پوششی سیاه مانند کلاغ می پوشاندند.

درباره لزوم پوشش زن در برابر نامحرم نیز روایات فراوانی وجود دارد که از باب نمونه به چند روایت اشاره می کنیم:

"قال رَسُولُ الله صَلَی الله علَیْهِ وَآلِهِ: اَیّما اِمْرَأَةٍ وَضعَتْ خِمارَها فی بَیْتِ

1. محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی، ج 5، ص 520.

2. ابوداود سلیمان بن الاشعت، سنن ابی داود، ج 2، ص 218. غَیْرِ زَوجِها فَقَدْ هَتَکَتْ حِجابَها. " 1 رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)می فرماید: هر زنی که مقنعه خود را در غیر خانه شوهرش درآورد، پرده حجابش را دریده است. "عَنْ اَبی عَبْدِاللهِ عَلَیْهِ السَّلامِ قالَ: "عَلَی الجارِیَةِ اِذا حاضَتْ اَلصِّیامُ وَ الْخِمارُ. "2 امام صادق (علیه السلام) می فرماید: بر دختری که به سن بلوغ می رسد، روزه و حجاب واجب است.

"قالَ رَسُول الله صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ: اِنَّ مِنْ خیْرِ نِسائِکُمْ... اَلسَّتیرَةُ العَزیزَةُ فی اَهْلِها، اَلذَّلیلَةُ مَعَ. بَعْلِها، المُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوجِها، الحِصان عَنْ غیْرِهِ،... ".3 بهترین زنان شما زنی است که بسیار پوشیده باشد، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش فروتن باشد و برای او خودآرایی و تبرّج داشته باشد و در برابر غیرشوهرش عفیف باشد.

در روایتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)درباره عذاب زنان گناهکار در روز قیامت می فرماید: "وَ اَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِها فَاِنَّها کانَتْ لاتُغَطّی شَعْرَها مِنَ الرِّجالِ ".4 اما زنی که به موی سرش آویزان بود، به این دلیل بود که مویش را از نامحرم نمی پوشاند.
پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)در ضمن حدیثی طولانی، به زنی به نام حولاء فرمود: "یا حَولاءَ لایَحِلُّ لِاِمْرَاَةٍ اَنْ تُظْهِرَ مِعْصَمَها وَ قَدَمَها لِرَجُلٍ غَیْرَبَعْلِها وَ اِذا فَعَلَتْ ذلَکَ لَمْ تَزَلْ فِی لَعْنَةِ اللّهِ وَسَخَطِهِ وَغَضِبَ اللّه عَلَیها وَلَعَنَتْها مَلائِکَةُ اللّهِ وَ اَعَدَّ لَها عَذاباًاَلیماً".5 ای حولاء! بر زن جایز نیست ساعدها و
1. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 280.
2. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 4، ص 9. 4.
3. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 182.
4. محمدباقر مجلسی، بحارالانوا ر، ج 0 0 1، ص 247.
5 میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 242.

پاهایش را برای مردی جز شوهرش نمایان کند و اگر چنین کند، همو اره در لعنت خدا و خشم اوست و خدا بر او غضب می کند و فرشتگان بر او لعنت می فرستند و خدا برای او عذاب دردناکی مهیّا می کند.
عَنِ الْحَلَبِیِّ عَنْ اَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: "لَا یَصْلحُ لِلْمَرْاةِ المُسْلِمَةِ انْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَ الدّروعِ مَا لَا یُوَارِی شَیْئاً". 1 امام صادق (علیه السلام)فرمود: برای زن مسلمان صحیح نیست روسری و پیراهنش به گونه ای باشد که او را نپوشاند.
عَنْ اَمِیرِ الْمومِنِینَ انَّهُ قَالَ: "إِنَّمَا الْمَراةُ لُعْبَةٌ فمَنِ اتَّخَذَهَا فَلْیُغَطِّهَا".2 امام علی (علیه السلام) فرمود: به راستی که زن شادی بخش زندگی است؛ هر کس او را به همسری گرفت، باید بپوشاندش.
عن عایشة قالَتْ: أَنَّ اسْماءَ بِنتَ أبی بَکرٍ دَخَلَتْ عَلی رَسولِ اللهِ صَلی الله عَلَیْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَیْها ثیابٌ رِقاقٌ ، فَا"عْرَضَ عَنْها رَسولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم وَقالَ: "یا أَسْماءُ إِنَّ الْمَرأةَ إذا بَلَغَتِ الْمَحیضَ لَمْ یُصْلَح أنْ یری مِنْها إلا هذا وَهذا" (وَأشارَ إِلی وَجْهِهِ وَکَفَّیْهِ).3عایشه گوید: روزی اسماء دختر ابوبکر در حالی که لباس های نازکی بر تن داشت، نزد رسول خدا آمد. آن حضرت روی از او برگرداند و فرمود: ای اسماءا وقتی زن به سن بلوغ رسید، نباید از بدن او جز این و این (در حالی که به صورت و دستش تا مچ اشاره می کرد) دیده شود.
2. روایاتی که افراد را از نگاه های شهوانی به غیر همسر نهی می کند، مانند:
1 همان، ص 255.

2. عبد ا لواحد الامدی، غرر ا لحکم ودررا لکلم، ج 1، ص 298.
3. ابی داود سلیمان بن الاشعث، سنن ابی داود. ج 4، ص 87. عَنْ اَبی عبدالله علیه السلام قال: "سَمِعْتُه یَقُول: اَلنَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهامِ اِبلیسٍ مَسْمومٍ ، وَ کَم مِنْ نَظْرَةٍ اَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَویلَةً". 1 از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که می فرمودند: نگاه شهوانی به نامحرم تیری، از تیرهای مسموم شیطان است، و چه بسا لحظه ای نگاه که باعث حسرتی طولانی می شود. در روایت دیگری آمده: "وَ عَنْه صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، أَنَّهُ نَهَی النِّساءَ اَنْ یَنْظُرْنَ الَی الرِّجالِ ". 2 پیامبر خدا صلی الله علیه وآله زنان را از نگاه کردن به مردان نهی کرد.
عَنْ اُمِّ سَلَمَةِ قالَتْ: "کنْتُ عِنْدَ رَسُولِ الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ عِنْدَهُ مَیْمونَة فَاَقْبَلَ اِبْنُ أمِّ مَکْتومٍ وَ ذلِکَ بَعْدَ اَنْ اُمِرَ بِالْحِجابِ فَقالَ(صلی الله علیه و آله و سلم) اِحْتَجِبا فَقلْنا یارَسولَ اللهِ اَلَیْسَ اَعْمی لایُبْصِرنا؟ قالَ: اَفعَمْیا وانِ انتما؟ اَلسْتما تبْصِرانِهِ؟ ".3 ام سلمه گوید: من و میمونه نزد رسول خدا بودیم که ابن امّ مکتوم نابینا بر ما وارد شد و این جریان بعد از واجب شدن حجاب بود. ایشان به ما فرمود: خود را از او پنهان کنید. گفتیم ای رسول خدا ! او نابیناست و ما را نمی بینده؛ فرمود: آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی بینید؟ عَنِ الرِّضا عَلَیهِ السَّلامِ قالَ: "حَرمَ النَّظَر اِلی شُعورِالنَساءِ الْمَحْجوباتِ بِالْاَزْواجِ وَ غیْرِهِنَّ مِنَ النِّساءِ لِما فیهِ مِنْ تَهْییجِ الرِّجالِ وَ ما یَدعوا التَّهْییجُ اِلَی الْفِسادِ وَالدّخولِ فیما لایَحِلُّ وَ لایَجْمِلُ وَکَذالِکَ ما اَشْبَهَ الشُّعورِ". 4 نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و چه بی شوهر حرام است؛ زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می شود و این برانگیختگی، 1. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 599.
2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 286.
3. محمدبن الحسن العاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 222.
4. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 1 0 1، ص 34.

آنان را به فساد و انجام کارهای حرام و نازیبا می کشاند؟ چنان که نگاه کردن به قسمت های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد.
"عَن رَسولِ الله صلّی الله علیه و آله قال: "مَنْ اِطَّلَعَ فی بَیْتِ جارِهِ فَنَظَرَ اِلی عَورَةِ رَجُلٍ اَو شَعْرِ اِمْرَاَةٍ اَو شَیْئٍ مِنْ جَسَدِهاکانَ حَقاً عَلَی اللّهِ اَنْ یُدْخِلَهُ النّارَ مَعَ الْمُنافقینَ ". 1 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به یقین هر کس به خانه همسایه اش سَرَک بکشد و شرمگاه مردی یا موی سر یا بدن زنی را نگاه کند، خداوند او را همراه منافقان داخل در جهنم می کند.
در روایت دیگری آمده است: روزی در محضر رسول خدا زنی در بقیع از

روی مرکب به زمین افتاد؛ حضرت برای این که نگاهش به بدن او نیفتد، رویش را به طرف دیگر برگرداند. فقالوا یارَسولَ اللّهِ اِنَّها مُتَسَرْوِلَةٌ ، قالَ: "اَللّهُمَّ اعفِرْ لِلْمُتَسَرولاتِ ثَلاثاً، اَیّهَا النّاسُ اِتَّخَذوا السَّراویلاتِ فَاِنَّها مِنْ اَسْتَرِ ثیابِکُمْ وَ حَصِّنوا بِها نِساءَکُمْ ".2 اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آن زن شلوار دارد (و پاهایش پوشیده است). حضرت سه مرتبه فرمود: خدایا! زنانی را که شلوار به تن می کنند بیامرز. ای مردم ! شلوار بپوشید که بهتر شما را می پوشاند و زنانتان را وقتی از خانه خارج می شوند به وسیله پوشش شلوار از دید نامحرم خفظ کنید.

3. روایاتی که آرایش و زینت کردن زن برای مردان بیگانه را حرام می داند، مانند:

"اِنَّ النَّبِیَّ صَلَّی الله عَلَیْهِ وَ الِهِ نَهی اَنْ تَتَزَیَّنَ الْمَراَهُ لِغَیْرِ زَوجِها فَاِنْ فَعَلَتْ کانَ حَقّاً عَلَی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ اَن یحْرِقَها بِالنّارِ".3 رسول(صلی الله علیه و آله و سلم)

1.محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 194.

2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل ، ج 3، ص 244.

3. همان، ج 14، ص 280. زنان را از آرایش برای غیر شوهرشان نهی می کرد و می فرمود: هر کس چنین کند، خداوند حق دارد او را به آتش جهنم بسوزاند.

در روایتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) درباره عذاب زنان گناهکار در روز قیامت می فرماید: "وَ اَمّا الَّتی کانَتْ تَأْکُل لَحْمَ جَسَدِها فَاِنَّها کانَتْ تزَیِّنُ بَدَنَها لّلنّاس ". 1 اما زنی که گوشت بدن خود را می خورد، به این دلیل بود که بدنش را برای نامحرم آرایش می کرد.

قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "یا حَولاءَ لاتُبْدی زینَتَک لِغَیْرِ زَوجِکِ ". 2 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به زنی به نام حولاء فرمود: ای حولاء! زینت و آرایش خود را به غیر همسرت نشان نده.

4. روایاتی که پوشیدن لباس های مهیج وفتنه انگیز را ممنوع می کند، مانند: عن علی علیه السلام قالَ: "اِنَّ رَسُولِ اللهِ صَلَی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نَهی اَنْ تَلْبِسَ الْمَرْاَة اِذا خَرَجَتْ ثَوباً مَشْهوراً اَو تَتَحَلّی بِما لَهُ صَوتٌ یُسْمَعُ ".3 امام علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) زن را از پوشیدن لباسی که او را مشهور و انگشت نما کند و از زینت کردن به زیورآلاتی که صدا ایجاد می کند (و سبب جلب توجه نامحرم می شود)، نهی کرد.

عن حَکَمِ بن مِسکینِ قال حَدَّثَنی سعیدة ومَنّة اُختا محمد بن ابی عُمیر

قالَتا: "دَخَلْنا عَلی اَبی عَبْداللّه علیه السلام فَقُلْنا: تَعود الْمَراَةُ اَخاها؟ قالَ: نَعَم. قُلْنا: تُصافِحُه؟ قالَ: مِنْ وَراءِ الثَّوبِ. قالَتْ اِحْداهُما: اِنَّ أخْتی هذِهِ تَعودُ اِخْوَتَها. قالَ: اِذا عُدْتَ اِخْوَتَکِ فَلاتَلْبَسی الْمُصَبَّغَةَ".4 حکم بن

1. محمد باقر مجلسی بحارالانوار، ج 0 0 1، ص 247.
2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 242.
3. همان.
4. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 526.

مسکین گوید: سعیده و منّه، خواهران محمدبن ابی عمیر برای من نقل کردند که ما بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدیم و پرسیدیم: آیا جایز است زن به زیارت برادر مسلمانش برود؟ فرمود: بله. پرسیدیم آیا می تواند با او دست بدهد و مصافحه کند؟ فرمود: از زیر لباس مانعی ندارد. (در این هنگام) یکی از آن ها گفت: این خواهر من به زیارت برادران مسلمانش می رود؟ امام (به او) فرمود: وقتی به زیارت برادر مسلمانت می روی، لباس رنگارنگ (و جذّاب) نپوش.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "اَصابَتْکُمْ فِتْنَة الضَّرّاءِ فَصَبَرْتُمْ وَ اِنَّ اَخْوَفَ ما اَخافُ عَلَیکُمْ فِتْنَةُ السَّرّاءِ مِنْ قِبَلِ النِّساءِ اِذا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ وَ لَبِسْنَ رُبُطَ الشّامِ وَ عَصبَ الْیَمَنِ وَ اَتْعَبْنَ الْغَنیَّ وَکَلَّفْنَ الْفَقیرَ ما لایَجِدَ".1 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: فتنه کمبودها را دیدید و صبر کردید و من از فتنه رفاه بر شما بیم دارم که از طرف زنان می آید؛ هنگامی که النگوی طلا و پارچه های فاخر به تن می کنند و توانگران (اگر شوهری توانگر دارند) را به زحمت اندازند و از فقیر (اگر شوهری فقیر دارند) چیزی که بدان دستر سی ندارد، بخواهند.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و وآله: "مَثَل الْرّافِلَةِ فِی الزّینَةِ مِنْ غَیْرِ اَهْلِها کَمَثَلِ ظُلمةِ یَومِ القیامَةِ لا نورَ لَها". 2 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)فرمودند: حکایت زنی که دامن کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه رفت و آمد می کند، چون ظلمتی است در روز قیامت که از خود نور ندارد.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "وَیلٌ لِلنِّساءِ مِنَ الْاَحْمَرَیْنِ،
1. ابولقاسم پاینده،نهج الفصاحه، ص 61.
2، همان، ص 562.

اَلذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ" 1 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: وای بر زنان از دو چیز زینتی؛ طلا و جامه زیبا (اگر بخواهند خود را با آن زینت کنند و در معرض نامحرم بگذارند).
نیز پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی فرمود: هرکس به همسرش اجازه دهد با لباس های نازک و مهیّج در بین مردمان حاضر شود، خداوند او را به آتش جهنم می افکند.2
5. روایاتی که لمس بدن زن نامحرم را جایز نمی داند که ما برای نمونه به

یک روایت اکتفا می کنیم مانند:
"عَنْ رَسولِ اللهِ صَلَّی الله عَلَیْهِ وَالِهِ قالَ: وَ مَنْ صافَحَ اِمْرَاَهٍ حَراماً جاءَ یَومَ القِیامَهِ مَغْفولَهً ثُمَّ یومَرُ بِهِ اِلَی النّارِ". پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس با زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت دست بسته می آید و سپس به آتش افکنده می شود.3
6. روایاتی که اهل بیت (علیه السلام)را به عنوان الگوی عملی رعایت حجاب معرفی می کند و نشان می دهد که آنان توجه زیادی به این مطلب د ا شته ا ند، مانند:
رَوی عبدالله بن الحسن باسناده عَنْ آبائِهِ علیهم السلام: "لمّا اَجْمَعَ اَبوبَکْرٍ وَ عمَرُ عَلی مَنْعِ فاطِمَةَ فَدَکاً وَ بَلَغَها ذلِکَ لاثَتْ خِمارَها عَلی رَاْسِها وَاشْتَمَلَتْ بِجَلْبابِها وَاَقْبَلَتْ فْی لُمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِها وَنِساءِ قَومِها تَطَو ذُیولها". 4 عبدالله بن حسن به اسناد خود از پدران معضومش (علیه السلام)روایت
1. همان، ص 642.
2. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 0 0 1، ص 242.
3. محمدبن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 198.
4. ابومنصور احمدبن علی الطبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 253.

کرده است: زمانی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند از رسیدن فدک به حضرت فاطمه (علیهاالسلام) مانع شوند و این خبر به آن حضرت رسید، مقنعه بر سر پیچیدند (و محکم بستند) و چادر خود را بر تن کردند و همراه جماعتی از زنان خویشاوند و یاران خود آمدند، در حالی که (بر اثر بلندی چادر) بر پایین و ذیل آن پا می گذاشتند.
عن جعفر بن محمد عن ابیهِ علیهما السلام قالَ: اِنَّ فاطِمَةَ بِنْتَ رَسولِ اللّهِ اِسْتَاْذَنَ عَلَیْها اَعْمی، فَحَجَبَتْهُ، فَقالَ لَها النَّبیُّ: لِمَ حَجَبْتَه وَ هوَ لایَراکَ؟ فَقالَتْ: یا رَسول اللّهِ اِنْ لَمْ یَکنْ یَرانی فَاَنا اَراهُ وَ هُوَ یَشُمُّ الرّیحَ. فَقالَ النَّبیُّ: اَشْهَدُ انَکِ بَصعَةٌ مِنّی ". 1 امام صادق (علیه السلام) از پدرش روایت می کند (روزی) مرد نابینایی از فاطمه () اجازه خواست تا بر او وارد شود، ولی فاطمه خود را از او پنهان کرد. پیامبر از او پرسید: چرا خود را از او پنهان می کنی در حالی که او تو را نمی بیند؟ فاطمه گفت: اگر چه او مرا نمی بیند، ولی من او را می بینم و او می تواند بوی مرا استشمام کند. پیامبر فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی.
در روایتی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که زمان وفات حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید، به اسماء بنت عمیس شکایت کرد از این که حجم بدنش را موقع تشییع، مردان می بینند. اسماء عرض کرد: من زمانی که در حبشه بودم، می دیدم مردم برای بردن جنازه از تابوت هایی استفاده می کنند که دارای دیواره است و حجم بدن را می پوشاند؛

آن گاه چیزی شبیه آن درست کرد و به فاطمه نشان داد. فَقالَتْ: "اِصْنعی لی مثلَهُ، اُسْتُرینی؛ سَتَرَکِ اللهُ مِنَ النارِ". 2 پس فرمود: برای من چنینتابوتی

1. میرزا حسین نوری ، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 189.
2. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج 1، ص 469.

درست کن و با آن بدن مرا بپوشان؛ خداوند تو را (به عوض این کار) از آتش جهنم حفظ کند.
ابن عبّاس در روایتی گوید: بعد از نزول آیه 53 احزاب که به مردان دستور می داد با زنان پیامبر از پشت پرده صحبت کنید، علی (علیه السلام) به منزل ام سلمه برای دیدار رسول خدا رفت و در زد. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)کوبنده در را شناخت، ولی ام سلمه او را نشناخت. پیامبر به همسرش فرمود: برو و در را بازکن. ام سلمه گفت: مگر چه کسی پشت در است که من باید در را برای او بازکنم، مگر دیروز آیه نازل نشد که با زنان پیامبر از پشت پرده صحبت کنید، آیا من باید با محاسن و زیبایی هایم جلو او ظاهر شوم؟ رسول خدا از این سخن ناراحت شد و فرمود: هر کس دستور پیامبر را اطاعت کند، دستور خدا را اطاعت کرده است. بلند شو و در را باز کن، همانا پشت در، مردی است که نه نادان است ونه سبک مغز و نه عجول، خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر هم او را دوست دارند "وَ لَیْسَ یَفْتَحُ الْبابَ حَتّی یَتَواری عَنْه الْوَطُ" هرگز در را باز نمی کند مگر آن که تو آن قدر از او دور شوی که صدای پایت شنیده نشود. ام سلمه به طرف در رفت، در حالی که سخنان پیامبر را درباره حضرت علی تکرار می کرد و در را باز نمود. پس امام (علیه السلام)آن قدر در آن جا مکث کرد تا این که ام سلمه از کنار در دور شد و وارد اتاقش گردید. سپس امام وارد شد و بر رسول خدا سلام کرد، آن گاه ام سلمه او را شناخت. 1
7. روایاتی که استفاده زن از عطر و بوی خوش را در حضور نامحرم ممنوع می کند، مثل: قالَ رَسول اللهِ صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ:"اِذا تَطَیَّبَتِ المَراةُ
1. سید هاشم البحرانی، تفسیر البرهان، ج6، ص 299. لِغَیْرِ زَوجِها فَاِنَّ ما هُوَ نار وَ شَنارٌ". 1 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش به کار ببرد، سزاوار آتش جهنم و سرزنش است.
قالَ رَسُول اللهِ صَلَّی الله علَیْهِ وَآلِهِ: "اِذَا اسْتَطْعَرَتِ الْمَراَةُ فَمَرَّتْ عَلَی الْقَومِ لِیَجِدوا ریحَها فَهِیَ زانیَةٌ". 2 اگر زنی خود را خوشبو کند، و بر نامحرمان بگذرد تا بوی او را دریابند، زناکار است.

قالَ ابوعبداللّه علیه السلام: "ایُّما اِمْرَاَةٍ تَطَیَبتْ لِغَیْرِ زَوجِها لَم یقْبَلْ مِنْها صَلاةٌ حَتّی تَغْتَسِلَ مِنْ طیبِهاکَغسْلِها مِنْ جِنابَتِها".3 هر زنی خود را برای مردی غیرشوهرشی خوشبو کند، نمازش قبول نمی شود مگر آن که با شستشو، بوی خوش را از بدن و لباسش بزداید، همان طور که برای جنابت شستشو و غسل می کند.
قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی الله عَلَیْهِ وَ آلِهِ: "ایّما اِمْرَاَةٍ تَطَیَبتْ ثمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَیْتِها فَهیَ تُلْعَنُ حَتّی تَرجِعَ اِلی بَیْتِها مَتی رَجَعَتْ ".4 هر زنی خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود، مشمول لعنت الاهی است تا وقتی به خانه برگردد.
8. روایاتی که از خلوت کردن زن و مرد بیگانه با هم نهی می کند، مانند: "عَن رَسولِ الله صلی الله علیه و آله قال: مَنْ کانَ یؤمِنَ بالله وَ الْیَومِ الْاخِرِ فَلایَبیتُ فی مَوْضِعٍ یَسْمَعُ نَفَسَ اِمْرَأةٍ لَیْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ ".5 رسول
1. همان، ص 36.
2. همان، ص 34.
3. محمّد بن الحسن الحر العاملی، ولایل الشیعه، ج 3، ص 339.
4. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 518.
5 محمدبن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 0 2، ص 185.
خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، شب را در جایی نمی گذراند که صدای تنفس زن نامحرم به گوشش برسد.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "اِیّاکُمْ وَ محادَثَةَ النِّساءِ؛ فَاِنَّه لایَخْلو رَجلٌ بِاِمْرَاَةٍ لَیسَ لها مَحْرَم اِلّا هَمَّ بِها". 1 رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از گفتگو با زنان بپرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت کند، قصد اوکند. عَنْ اَبی عبدالله علیه السلام قال: "اَخَذَ رَسول اللّهِ صلی الله علیه وآله عَلَی النِّساءِ اَنْ لایَعْقدْنَ مَعَ الرّجالِ فِی الْخَلاءِ".2 امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از زنان بیعت گرفت که هرگز با مردان بیگانه خلوت نکنند. قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "یا حَولاءَ لایَحِلُّ لِاِمْرَاَةٍ اَنْ تَدْخلَ بَیتَها مَنْ قَدبلَغَ الْحلمَ وَلاتَمْلَاءَ عَیْنَها مِنْهُ وَلاعَیْنَهُ مِنْها وَ لاتَأکلَ مَعَهُ وَ لاتَشْرِبَ اِلّا اَن یَکونَ مَحْرَماً عَلَیْها وَ ذلِکَ بِحَضْرَةِ زَوجِها".3 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)در ضمن حدیثی طولانی، به زنی به نام حولاء فرمود: ای حولاء! بر زن حلال نیست پسری راکه به حد بلوغ رسیده به منزلش بیاورد، چشمش محو تماشای او شود، خود را در معرض دید او قرار دهد، همراه او غذا بخورد و بیاشامد، مگر آزکه آن پسر بر او محرم باشد و همسرش هم در آن جا حاضر باشد.
9. روایاتی که از شوخی های زننده و سخنان و ملاقات های غیرضروری

زن و مرد نامحرم نهی می کند، مانند:
"اِنَّ النَّبیَ صلی اله علیه وآله نَهی،... اَنْ تَتَکَلَّمَ الْمَرأةُ عِنْدَ غَیرِ زَوجِها
01 ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 202.
2. محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج 5، ص 519.
3. میرزا حسن نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 242.

وَ غَیْرَ ذی مَحْرَمٍ مِنْها اَکثرَ مِن خَمْسِ کَلِماتٍ مِمّا لابدَّ لَها مِنْهُ ".1 یعنی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) زنان را نهی فرمود از این که در حضور نامحرم، بیشتر از پنج کلمه (یا جمله) درباره مسائل ضروری سخن بگویند.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "مَنْ فاکَهَ اِمْرَاَةً لایَمْلِکُها حَبَسَهُ اللهُ بِکلِّ کَلِمَةٍ کَلَّمَها فِی الدنْیا الفَ عامٍ ".2 هرکس با زنی غیر همسر خود شوخی (زننده) کند، خداوند (روز قیامت) او را در برابر هر کلمه ای که با آن زن در دنیا سخن گفته، هزار سال زندان می کند.
همچنین در روایت دیگری آمده است: "عَنْ اَبی بَصیرٍ قالَ: کُنْتُ أقْرِی اِمْرَاَةً الْقرآنَ بِالْکوفَةِ، فَمازَحْتُها بِشَیْئٍ ، فَلَمّا دَخَلْت عَلی اَبی جَعْفَرٍ عاتَبَنی وَقالَ: مَنْ اِرْتَکَبَ الذَنْبَ فِی الْخَلاءِ لَمْ یَعْبَاءِ الله بِهِ؛ اَیُّ شَیْئٍ قلْتَ لِلْمَرْاَةِ؟ فَغَطَّیْت وَجْهی حَیاءً وَ تُبْتُ. فَقال اَبوجَعْفَرٍ : لاتَعُدْ. ".3 ابوبصیر گوید: در کوفه برای زنی قرآن می خواندم. روزی با او مختضری شوخی و مزاح کردم. پس از مدتی که خدمت امام باقر(علیه السلام) رسیدم، مرا سرزنش کرد و فرمود: هر کس در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او نظر رحمت نمی کند. (سپس فرمود:) به آن زن چه گفتی؟ من از خجالت صورتم را پوشاندم و توبه کردم. پس فرمود: دیگر چنین کاری را تکرار نکن.
عَنْ علی علیه السّلام اِنَّهُ قالَ فی حَدیثٍ : "وَ مَنْ مازَحَ الْجَواریَ وَ الْغِلْمانَ فَلابُدَّ لَه مِنَ الزِّنا".4 امام علی (علیه السلام) فرمود: به یقین هرکس با دختران و پسران جوان شوخی کند (وبگو و بخند داشته باشد)، به زنا دچار می شود.
1. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 00 1، ص 243.
2. محمدبن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 198.
3. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 46، ص 247.
4. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 331 عَنْ اَبی عبدالله علیه السلام قال: "کانَ رسول اللّهِ صلی اله علیه وآله یُسَلِّم عَلَی النِّساءِ وَ یَرْدُدِنَ عَلَیْهِ السَّلامَ وَکانَ اَمیرُالْمومِنینَ یُسَلِّم عَلَی النِّساءِ وَکانَ یَکْرَکل اَنْ یُسَلِّمُ عَلَی الشّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ یقول: اَتَخَوَّفُ اَنْ یُعْجِبَنی صَوتها فَیَدْخُلَ عَلَیَّ اَکثرُ مِمّا اَطْلَبُ مِنَ الْاَجْر". 1 امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول

خدا(صلی الله علیه وَ آله و سلم) بر تمام زنان سلام می کرد و آنان به سلام او پاسخ می دادند و امیر مؤمنان (صلی الله علیه و آله و سلم)نیز به زنان سلام می کرد، ولی دوست نداشت بر زنان جوان سلام کند و می فرمود: می ترسم صدای آنان مرا خوش آید و ضرری که از این جهت بر من وارد می شود، بیش از ثوابی باشد که از سلام کردن به آنان می طلبم.
قالَ اَمیرالْمومِنینَ علیه السلام: "لاتَبْدَووا النساءَ بِالسَّلامِ وَلاتَدْعوهُنَّ اِلَی الطَّعامِ ". 2 امیر مؤمنان (علیه السلام)فرمود: بر زنان سلام نکنید و آنان را به غذا خوردن با خود دعوت ننمایید.
عَنْ عَلیٍّ عَلَیْهِ السَّلامِ: "اِنَّ رَسولَ اللّه نَهی النِّساءَ عَنْ اِظْهارِ الصَّوتِ اِلّا مِنْ ضَرورَةٍ ... وَ نَهی اَنْ یُسَلِّمَ الرَّجلُ عَلَیْهِنَّ ".3 امام علی (علیه السلام)فرمود: پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) زنان را از بلند صحبت کردن نهی می کرد مگر آن که ناچار باشند، و نیز مردان را از سلام کردن به آنان نهی می نمود.
. 1. روایاتی که زن را و مرد را از شبیه شدن به یکدیگر نهی می کند، مثل: "قال علی علیه السلام: سَمِعْتُ رَسولَ اللهِ صَلَّی اللّه علیه وآله یقول: لَعَنَ الله الْمتَشَبِّهینَ مِنَ الرجالِ بِالنِّساءِ وَ المُتَشَبِّهاتِ مِنَ النِّساءِ بِالرِّجالِ ".4 امام
1. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 648.
2. همان، ج 5، ص 534.
3. میرزا حسن نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 328.
4. ابی جعفر محمدبن علی الصدوق، عدل الشرایع، ج 2، ص 328. علی (علیه السلام)می فرماید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: لعنت خدا بر مردانی که خود را شبیه زنان می کنند و زنانی که خود را شکل مردان در می آورند. عن جابر بن یزید الجعفی قال: سَمِعْتُ اباجَعْفَرٍ محَمَّدِ بْنِ علیٍ الْباقِرِ عَلَیْهِ السَّلامِ یقول: "لایَجوزُ لِلْمَراَةِ اَنْ تَتَشبَّهَ بِالرِّجالِ لِاَنَّ رَسولُ اللّهِ صَلَّی اللّه علیه وآله لَعَنَ الْمتَشَبِّهینَ مِنَ الرِّجالِ بِالنِّساءِ وَ المُتَشَبِّهاتِ مِنَ النِّساءِ بِالرِّجالِ. ". 1 جابر بن یزید جعفی گوید: از امام محمد باقر(علیه السلام)شنیدم که بارها می فرمود: برای زن جایز نیست که خود را (در پوشش) شبیه مردان کند؛ زیرا رسول خدا مردانی که خود را شبیه زنان می کنند و زنانی که خود را شکل مردان درمی آورند، لعنت کرده است.
قالَ رَسُول اللهِ صَلّی الله علَیْهِ وَآلِهِ "لعن اللّهُ الرَّجُلَةَ مِنَ النِّساءِ". 2-خدا زنان مردنما را لعنت کند.
11. روایاتی که افراد را به داشتن عفت و حیا و غیرت تشویق می کند، ما نند:
"عَنْ اَبی جَعْفر عَلیه السَّلام قالَ: خیْرُ النِّساءِ الّتی اِذا دَخَلَتْ مَعَ زَوجِها وَ

خَلَعَتِ الدِّرْعَ خَلَعَتْ مَعَهُ الْحَیاءَ وَ اِذا لَبِسَتِ الدِّرْعَ لَبِسَتْ مَعَهُ الْحَیاءَ".3 امام باقر(علیه السلام)فرمود: بهترین زنان شما کسانی اند که وقتی با شوهرانشان خلوت می کنند و لباس خود را در می آورند، در انجام رفتارهای جنسی خجالت نکشند؛ ولی وقتی در حضور دیگرن اند، لباس و پوشش دارند و باحیاهستند.
قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): "یا اَهْلَ الْعَراقِ نبِّئْتُ اَنَّ نِسائَکُم یدافِعْنَ الرِّجالَ
1.میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 246.
2. ابی داود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، حدیث 4099.
3. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج 7، ص 399. فِی الطَّریقِ اَما تَسْتَحْیونَ وَ لاتغارّونَ؟ نِسائُکُم یَخْرجْنَ اِلَی الْاَسْواقِ وَ یزاحِمْنَ الْعَلوجَ. لَعَنَ اللّه مَنْ لایغارُّ". 1 امام علی(علیه السلام)می فرماید: ای اهل عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و خیابان به مردان تنه می زنند، آیا حیا نمی کنید؟ آیادر مورد زنانتان غیرت ندارید که به بازارها می روند و مزاحم مردان می شوند؟ خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد. فقه الرضا: "قَدْ لَعَن رَسُولُ الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ سَبْعَة اِلی اَنْ قالَ وَ الْمُتَغافِلُ عَنْ زَوجَتِهِ ".2 رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)هفت نفر را لعنت کرد که یکی از آن ها مردی است که درباره پوشش و عفت همسرش بی توجه است. قالَ النَّبیُّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ: "المَرْاَة اِذا خَرَجَتْ مِنْ بابِ دارِها مُتَزَیّنةً مُتَعَطِّرَةً وَ الزَّوج بِذلِکَ راضٍ یَبْنی لِزَوجِها بِکل قَدَمٍ بَیْتٌ فِی النّارِ؛ فَقَصِّروا اَجْنِحَةَ نِساءِکم.".3 اگر زنی خود را آرایش کند و خوشبوسازد و از منزل خارج شود در صورتی که شوهرش به این کار راضی باشد، به هر قدمی که برمی دارد، خانه ای در جهنم برایش بنا می شود؛ پس (ای مردان !) پر و بال زنانتان را کوتاه کنید (و در هر کاری آن ها را آزاد نگذارید).
"قالَ رَسولُ الله صَلَّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ: "یا عَلی مَنْ اَطاعَ اِمْرَاَتَه اَکَبَّهُ اللّه عَلی وَجْهِهِ فِی النّارِ. فَقالَ عَلیّ (علیه السلام) وَ ما تِلْکَ الطّاعَة؟ قالَ: یَاْذَنُ لَهُ فِی الذِّهابِ اِلَی الْحَمّاماتِ وَ الْعَرَساتِ وَ النّائِحاتِ وَ لبْسِ ثِیابِ الرقاقِ ".4 پیامبر خدا به امیر مؤمنان فرمود: ای علی! هر مردی از زنش اطاعت کند،
1. محمدبن الحسن الحر الحاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 235.
2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 291.
3. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 0 0 1، ص 249.
4. همان، ص 242. خداوند او را به صورت داخل جهنم می اندازد. امام علی (علیه السلام)عرض کرد: در چه چیزی از زنش اطاعت کند؟ فرمود: به او اجازه دهد به جاهای نامناسب برود ودر حضور نامحرمان لباس های

نازک و بدن نما بپوشد. 12. روایاتی که از رفت و آمد زن، به ویژه زن جوان در جاهای شلوغ و در برابر نگاه مردان بیگانه و نیز از جلب توجه نامحرم نهی می کند، مانند: "عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، أَنَّه نَهَی النِّساءَ اَنْ یَسْلکْنَ وَسَطَ الطَّریقِ وَ قالَ: لَیسَ لِلنّساءِ فی وَسَطِ الطَّریقِ نَصیبٌ ". 1 از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نو رسیده که ایشان زنان را از رفت و آمد در وسط کوچه نهی می کردند و می فرمودند: زنان هنگام راه رفتن، از وسط کوچه راه نروند (بلکه از کنار آن راه بروند).
عن ابی عبداللّه (علیه السلام) قالَ: "لَیسَ یَنْبَغی لِلْمَرْاَةِ الشّابَّةِ اَنْ تَخْرجَ اِلی الْجِنازَةِ تصَلّی عَلَیْها، الّا اَنْ تَکونَ اِمْرَاَةً قَدْ دَخَلَتْ فی السِّن. ".2 امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر زن جوان سزاوار نیست به تشییع جنازه رود و بر آن نماز بگذارد، مگر آن که زنی مسن و پیر باشد.
قال رَسولِ (صلی الله علیه و آله و سلم): "خَیْرُ مَساجِدِ النِّساءِ قَعر بُیوتِهِنَّ ".3 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)فرمودند: بهترین مسجد زنان، کنج خانه هاشان است.
عن جعفر بن محمد(علیه السلام)قال: "لَیْسَ عَلَی النّساءِ اِسْتِلامٌ وَ لایزاحِمْنَ الرِّجالَ. "4 امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر زنان جایز نیست استلام (دست کشیدن) حجرالاسود کنند و مزاحم مردان شوند.
1. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 280.
2. همان، ج 3، ص 374.
3. ابی جعفر محمدبن علی الصدوق، من لا یحفره الفقیه، ج 1، ص 374.
4. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 96، ص 211.

نیز آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: "لَیْسَ عَلَی النّساءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبیَةِ وَلا اِسْتِلامُ الْحَجَرِ وَ لا دخولُ الْبَیْتِ وَ لا سَعْیٌ بَیْنَ الصَفَّا وَ الْمَرْوَةِ یَعْنی الْهَروَلَةِ. ". 1 بر زنان جایز نیست صدای خود را به لبیک بلند کنند، حجرالاسود را استلام نمایند، به خانه کعبه وارد شوند و در سعی بین صفا و مروه هروله (دویدن) کنند.
عن علی علیه السلام قالَ: "اِن رَسُولِ اللهِ صَلَی الله علَیْهِ وَآلِهِ نهی النّساءَ" عَنْ اِظهارِ الصَّوتِ الّا مِنْ ضَرورَةٍ". 2 امام علی(علیه السلام) فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)زنان را از بلند صحبت کردن نهی می کرد، مگر آن که ناچار شوند.
13. روایاتی که بدحجابی و رعایت نکردن حریم بین زن مرد را سبب فساد اخلاق می داند، مانند:
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "المَرْاَة عَورَةٌ سَتْرها بَیْتُهاف آِذا اَخْرَجَتْ اِسْتَشْرَفَهَا الشَّیطان"30 زن اندامی شهوت انگیز دارد که خانه اش پوشش آن است؛ اگر خود را نپوشاند همین که از خانه خارج شد، شیطان

او را در برمی گیرد.
عَنِ الرِّضا عَلَیهِ السَّلام قالَ: "حَرمَ النَّظَرُ اِلی شُعورِالنَساءِ المَحجوبات بِالْاَزْواجِ وَ غیْرِهِنَّ مِنَ النَساءِ لِما فیهِ مِنْ تَهییجِ الرِّجالِ وَ ما یَدعوا التَّهْییجُ اِنی الْفِسادِ وَالدُّخولِ فیما لایَحِلُّ وَ لایَحِلُ وَکَذالِکَ ما اَشْبَهَ الشّعور"
.4 نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و جه بی شوهر حرام است !
زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می شود و این برانگیختگی. 1. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 4، ص 405.
2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 280.
2. زاهد ابی السحین ورّام، مجموعه ورّام، ج 2، ص 119.
4. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 101، ص 34. آنان را به فساد و انجام کارهای حرام و نازیبا می کشاند؛ چنان که نگاه کردن به قسمت های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد. قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله:
"اِیّاکُمْ وَ مُحادَثَةَ النِّساءِ؛ فَاِنَّهُ لایَخْلو رَجُل بِاِمْرَاَةٍ لَیْسَ لَها مَحْرَمٌ اِلّا هَمَّ بِها".
1 رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)فرمود:
گفتگو با زنان بپرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت می کند، قصد او کند.

3- 4- 3. نظر فقهایاسلام درمورد پوشش زن

اصل حجاب و پوشش زن از ضروریات دین اسلام است و هیچ یک از دانشمندان اسلامی در آن اختلاف ندارند. حتی در مقدار و حد پوشش نیز بین فقها و علمای اسلام، اعم از شیعه و سنی اختلاف چندانی وجود ندارد و تقریباً همه آن ها بر این عقیده اند که زن باید در حضور نامحرم، تمام بدن خود، جز صورت و دست ها تا مچ را بپوشاند. ما در این جا به دیدگاه های بعضی از آن ها اشاره می کنیم.
علامه حلّی درکتاب تذکر، الفقهاء کتاب الصلاه می فرماید: تمام بدن زن جز چهره، باید پوشیده باشد. بیشتر علمای اسلام، بلکه تمام آن ها عقیده دارند که فقط پوشیدن صورت لازم نیست. از نظر علمای شیعه، دست تا مچ نیز مانند چهره است و پوشش آن لازم نیست. مالک بن انس و شافعی- رهبران دو مذهب بزرگ اهل سنت- و اوزاعی و سفیان ثوری در این جهت با علمای شیعه هم عقیده اند؛ زیرا ابن عباس در تفسیر این سخن قرآن: "ولا یُبْدینَ زینَتَهنَّ اِلّا ما ظَهَرَ مِنْها"،2 وجه و کفّین-
01 ابوالقاسم پا ینده،نهج الفصاحة، ص 202.
2. نور(24)،31.

صورت و دست ها تا مچ- را جزء استثنا شمرده است. اما به عقیده احمد بن حنبل و داود ظاهری، کفیّن باید پوشیده شود که به نظر ما سخن ابن عباس در رد سخن آن ها کفایت می کند. 1
ابن رشد (1412ه. ق) فقیه، و طبیب و فیلسوف معروف اندلسی در کتاب بدا یة المجتهد کد می گوید: عقیده بیشتر علما بر این است که بدن زن جز چهره و دست تا مچ باید پوشیده شود. ابوحنیفه معتقد است قدمین (پاها تا مچ) نیز لازم نیست پوشیده شود. فقط ابوبکر بن عبدالرحمن بن هشام معتقد است که تمام بدن زن بدون استثنا باید پوشیده شود.2 مرحوم آیت الله آقا سیدمحمدکاظم یزدی (1399ه. ق) درباره حد پوشش زن در غیر نماز گوید: بر زن واجب است تمام بدن خویش، جز وجه و کفین را از غیر محارم بپوشاند.
امام خمینی قدس سره درباره مقدار پوشش زن در پاسخ به سوال زیر که پرسیده است: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و برای این منظور پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود، می فر ما ید:
وا جب است تمام بدن زن به جز قرص صورت، دست ها تا مچ، از نامحرم

پوشیده شود، لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانع ندارد؛ولی پوشیدن چادر بهتر است، از لباس هایی که توجه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود.3
1. به نقل از مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ج 9 1، ص 554. 2. همان، ص 555،
3. سید محسن محمودی، مسایل جدید از دیدگاه علما ومراجع تقلید، ص 27.

همچنین درباره حکم سخن گفتن با نامحرم می فرماید:
سخن گفتن اگر مهیج باشد حرام است، اگر مهیج نبوده وخوف فتنه هم درکار نباشد، احتیاط مستحب آن است که ترک نماید، به خصوص اگر طرف سخن او جوان باشد (امام خمینی،1407 ه. ق).
رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای 1 نیز درباره مقدار پوشش و حجاب زن در پاسخ به پرسش های زیر نظر خود را بیان کرده می فر ما ید:
س: بیرون گذاشتن موی سر از چادر و یا مقنعه از سوی خانم ها در انظار عمومی و در دید نامحرمان چه صورت دارد؟
ج: جایز نیست و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرم وا جب است.
س: پوشیدن لباس در رنگ های زننده و جلب نظر کننده در اجتماع برای خانم ها چه صورت دارد؟
ج: هر گونه لباس که بدن، برجستگی های بدن زن را از نامحرم بپوشاند، کافی است.ولی باید از انتخاب رنگ یا شکلی که موجب جلب نظر، انگشت نما شدن است خودداری نمایند.
س 1. آیا برخورد زن همراه با چهره خندان ومتبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه ها و سایر برخوردها چه صورت دارد؟
س 2. خندیدن با صدای بلند در خیابان توسط زنان و دختران و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می شود، چگونه است؟
1 . سید علی خامنه ای، دُرَر القوائد فی اجوبة القائد، ص 99.
حضرت آیت الله خامنه ای: 1. صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست.
2. از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می شود باید پرهیز کرد.
حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:
1، 2. به طورکلی دختران، زنان باید در مقابل نامحرم به نحوی لباس بپوشند، راه بروند وصحبت کنند که موجب توجه، نگاه سوء، تهییج مردان نشوند، اگر کردند، گناه بزرگ است.

حضرت آیت الله بهجت:
1. هر کاری که معرضیت ریبه، یا فتنه در ان است جایز نیست.
4. جایزنیست.
حضرت آیت الله مکارم شیرازی:
1. اشکال دارد، هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوزکنند.
2. بهتر است زنان مسلمان از اینگونه کارها بپرهیزند، اثر منشأ فسادی شود جایز نیست. 1
س) حضور زنان در کوچه و بازار بدون وجود ضرورت و سر و کار داشتن بیش از حد با نامحرمان چگونه است؟
حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:
مناسب نیست؛ بلکه در بعضی موارد جایز نیست.
حضرت آیت الله تبریزی:
1. سید محسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج 1، ص 137. مقتضای عفت آن است که از صحبت با نامحرم در غیر موارد حاجت پرهیز نماید و نیز درکوچه، بازار، در صورتی که در معرض نگاه نامحرم باشد، به غیر از مقدار حاجت، ضرورت مکث ننماید.
حضرت آیت الله بهجت:
جواز، عدم جواز، دایرمدار اشتمال بر حرام است. 1

4. حجاب زنان ایرانی بعد از اسلام

اشاره

مطالعه فرهنگ و تاریخ مستند ایران، جایگاه عظیم عفت و حجاب را در این مرز و بوم در دید ناظران به خوبی ترسیم می کند. همان طورکه پیش تر گفتیم، زنان ایرانی قبل از اسلام هم پوشش و حجاب داشته اند. پس از ورود اسلام به ایران، زنان مسلمان ایرانی تحت تأثیر احکام اسلام، همچنان از فرهنگ عفت و حجاب پاسداری نمودند. در این دوره گرچه حجاب زنان با تغییراتی همراه بوده است، ولی همچنان فرهنگ استفاده از چارقد و چادر بلند و دوری از اختلاط با مردان بیگانه ادامه می یابد. ما در این جا حجاب زنان ایرانی را در حکومت های مختلفِ بعد از اسلام بررسی می کنیم.

4- 1. حجاب زنان ایرانی در حکومت خلفای راشدین تا پایان حکومت اموی (11-132ه.ق)

نویسنده کتاب تاریخ پوشاک ایرانیان در این مورد می نویسد:
لباس زنان در این دوره عبارت بود از شلواری گشاد و پهن، یا به جایش
1. همان، ج 2، ص 79. دامنی بلند که روی آن یک پیراهن بلند تا سر زانوان می پوشیدند، روی آن نیز پیراهنی چاک دار تا روی کمر به تن میکردند. اغلب کمربندی روی این لباس ها می بستند، روی همه این ها روپوشی سراسری (چادر) می انداختند.... این چادر یا سیاه رنگ بود، همچون دوران پیامبر ، یا نوعی طیلسان کبود رنگ بود، یا چون چادر زنان دربار به رنگ زرد، یا سبز، همانگونه گفته شد، این چادر را روی تمام لباس خود می پو شید ند. 1

4- 2. حجاب زنان ایرانی در دوران خلفای عباسی (132-656ه.ق)

در این دوره نیز زنان ایرانی حجاب کاملی داشته اند. چنان که در تاریخ می خوانیم:
زنان در این دوره از حجابی که سرتاسر بدن را می پوشاند، معمولاً سیاه رنگ بود (چادر مشکی) استفاده میکردند؛ البته گاهی نیز طرح آن مخطّط، قرمز، تیره (قهوه ای)، سفید بود. در جلو صورت خود نیز روبندی می زدندکه بر پیشانی بسته می شد.2

4- 3. حجاب زنان ایرانی در حکومت سامانیان (261-389ه.ق)

در حکومت سامانیان زنان ایرانی از مقنعه های زیبایی استفاده می کردند و مانند دوره های گذشته استفاده از چادر نیز معمول بوده است؛ چنان که می خو ا نیم:
(زنان در این دوره) از مقنعه های سرخ، سیاه که ظاهرأ حاشیه دوزی و نواردوزی شده بود نیز برای حجاب استفاده میکردند. نوع نیشابوری
1. محمدرضا چیت ساز، تاریخ پوشاک ایرانیان، ص 36. 2. همان، ص 97.

این مقنعه ها معروف تر از انواع دیگر آن بود. همچنین از ازار، گونه ای چادر سراسری که تمامی بدن آن ها را می پوشاند، برای حجاب خود بهره میگرفتند. 1

4- 4. حجاب زنان ایرانی در حکومت آل بویه (320-316ه.ق)

پوشش زنان ایرانی در این دوره مانند زنان مسلمان دیگر مناطق، پوششی کامل با چادر بود. افزون بر این از روبند هم استفاده می کردند چنان که نقل شده:

لباس زنان دیلمی تفاوتی با لباس زنان ایرانیِ همان دوره در نواحی خراسان و سیستان یا عراق، بغداد نداشت. چادر زنان دیلمی سیاه (بود) و با پارچه نازک ابریشمی (قصب) روی چهره خود را می پوشاندند. 2

4- 5. حجاب زنان ایرانی در حکومت علویان طبرستان (250-316ه.ق) استفاده از لباس های بلند وگشاد همراه باچادر در این دوره نیز بین زنان ایران معمول بوده است.

زنان، چارقدهایی از ابریشمِ نازک بر سر میگذاشتند. آنان در تابستان کتان، در زمستان ابریشم، حریر می پوشیدند. این زنان پیش از قبول اسلام نوعی سروا ل (شلوار) به پا میکردند که نوعی رانین (شلوار) بود و کلاهی بر سر میگذاشتند. اما در دوره های بعد که به دین اسلام در آمدند، چادرها، لباس های بلند سفید، سیاه پوشیدند.3

1. همان، ص 130.
2. همان، ص 159.
3. همان، ص 174 .

4- 6 حجاب زنان أیرانی در حکومت غز نویان (351-582ه.ق)

زنان در این دوره نیز مانند دوره های پیشین حجاب کامل داشتند و از نوعی مقنعه و چادر برای پوشش خود استفاده می کردند. درباره این نوع مقنعه می نویسند:

این نوع سرپوش، به جز آنکه تمامی سر را می پوشاند، معمولاً گاه پیشانی، چانه، دهان را نبز پنهان میکرد. معمولاً روی این مقنعه، در روی پیشانی، نواری بسته می شد. نوع دیگری از این مقنعه، تقریباً همچون چادر، هم سر را می پوشاند و هم ادامه آن، شانه ها، وتقریباً تمامی بدن را پنهان میکرد. 1

1. همان، ص 283.

4-7. حجاب زنان در حکومت مغولان (616-736ه.ق)

گرچه زنان در این دوره از نظر پوشش، آزادی بیشتری به نسبت دوره های قبل داشتند، به طوری که زنان مغول تا مدتی حجاب را رعایت نمی کردند، ولی رسم حجاب در بین زنان ایرانی وجود داشت. کتاب تاریخ مغول درا یران در این باره می نویسد:
فاتحان مغول در زندگی روزانه رعایای خود نیز سرمشق قرار میگرفتند و به این ترتیب تغییراتی در زندگی مردمِ مغلوب محسوس گردید. به هر حال دگرگونی تا آن درجه بود که فخرالدینَ کرت، فرمانروا ی هرات در حد، د سال 1300 م. خود را ناگزیر دیدکه با صدور قوانینی، لزوم حجاب زنان را که می رفت نقصان یابد، بار دیگر تأکید کند. 2

2. برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، محمود سیرآفتاب، ص 396.

4-8 حجاب زنان در عهد صفویه (907-1135ه.ق)

در عهد صفویه، زنان ایران بسیار محدود و محجوب بودند و از خانه مگر به ضرورت بیرون نمی آمدند، در کوچه و خیابان پیاده نمی گشتند و اجازه نداشتند بر اسب سوار شوند. آنان نیز مانند زنان دوره های گذشته، تمام بدن خود را در مقابل نامحرم می پوشاندند. در این دوره، روبند بر روی انداختن و چادر به سر کردن که از دوران پادشاهی شاه طهماسب رواج گرفته بود، در عهد دیگر سلاطین صفویه ادامه یافت (راوندی، 1997).

4- 9. حجاب زنان در عهد قاجاریه (1344-1193ه.ق)

کتاب تا ریخ اجتماعی ا یران درعهد قا جاریه در این باره می نویسد: زن های ایران زمین همیشه در چادرهای سیاه مستور و پیچیده اند و به هیچ وجه شخص خارجی را ممکن نمی شودکه صورت آن ها را ببینند و اگر یکی از نسوان آن جا درکوچه های ایران غفلتاً صورت خود را بر عابرین مکشوف دارد، به اعتقاد ایرانیان اسباب بی احترامی خود را فراهم آورده است. 1

همچنین کتاب "سفرنا مه پولاک " درباره پوشش زنان این دوره می گوید: لباس های زنان که در حرمسرا می پوشند، با آنچه درکوچه و خیابان به تن دارند، بسیار متفاوت است؟ زیرا لباس کوچه، بازار را از این جهت تهیه میکنند تا همه قسمت های بدن را از چشم عابران بپوشاند، به اصطلاح، همه زنان را از لحاضا ظاهر به یک شکل و صورت دراورد.... هر گاه زنی به کوچه برود یا سوار بر اسب در معیت نوکرها از خیابان عبور

1. چالز جیمز ویلس، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، سید عبدالله، ص 103.

کند، چادری به رنگ آبی نیلی بر سر میکند، آن پوششی است که تمام بدن، از سر تا به پا در آن پیچیده می شود. 1

5. تاریخ مبارزه با حجاب در ایران

همان طور که از مطالب گذشته به دست می آید، زنان ایران در طول تاریخ، پاسدار فرهنگ عفت و حیا بوده اند و حجاب را به عنوان انسانی همیشه حفظ کرده اند. با این حال در اواخر دوره قاجاریه، بر اثر نفوذ دولت های استعماری در دستگاه حکومت، زمزمه های بی حجابی آغاز شد و پس از برقراری مشروطیت، صحبت از رفع حجاب به میان آمد و تفکر آزادی زن به سبک غربی به تدریج توسعه یافت. سپس با اعلام رسمی رفع حجاب در 17 دی ماه سال 1314 شمسی از سوی رضاخان، حجاب در بین تمام زنان ایرانی ممنوع شد و این ممنوعیت تا سال 1320 که هم زمان با برکناری رضاخان از حکومت ایران بود، ادامه پیدا کرد (مکی، 1374).
پس از رضاخان نیز مخالفت با حجاب ادامه پیدا کرد. گرچه محمدرضا نتوانست مانند پدرش با آن قاطعانه برخورد کند و به ظاهر زنان را در انتخاب پوشش آزاد گذاشت، ولی از راه تهاجم فرهنگی بر ضد حجاب، با آن مبارزه کرد تا سرانجام با لطف و یاری خداوند در سال 1357 شمسی، انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران، به این حکومت شیطانی خاتمه داد و زنان مسلمان کشورمان دوباره چون سابق، سنگردار سنگر حجاب شدند.
1. یا کوب اد وارد پولاک، سفر نامه پولاک در ایران و ایرانیان، کیکاووس جهاند اری، ص 115. بنیان گذار جمهوری اسلامی ا یران حضرت ا مام خمینی قدس سره درا ین باره می فرما ید: شما (زنان) را رژیم سابق نشناخته بود. گمان میکرد که بانوان ایران مثل همان چند نفر یا عده معدود منحرفین است، این ها همه به دست آن ها می شودکه انحراف پیدا کنند لیکن بانوان محترم ایران ثابت کردند که دستخوش این طور توطئه ها نشده اند و نمی شوند، ثابت کردند که در در محکم عفت، عصمت هستند، جوانان صحیح ونیرومند، دختران عفیف، متعهد به این کشور، تسلیم خواهند کرد، هیچگاه در آن راه هایی که قدرت های بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش آنان گذاشته بود، نخواهند رفت. 1
ایشان در باره واقعه کشف حجاب می فرماید:
در زمان رضاخان که شاید اکثر شما یادتان نباشد، ما شاهد چه صحنه هایی بودیم، در همین قم و نسبت به بانوان محترم این قم و در همه شهرها نسبت به بانوان محترم شهرها. این به تبعی ازکسانی که تعلیم به او می دادند به اسم کشف حجاب، هتک حرمت اسلام، هتک حرمت مومنین، هتک حرمت بانوان ما را چقدر کرد، مأمورهای او با خانم ها، با مخدّرات ما چه کارکر دند، چه سلوک کردند، چقدر پاره کردن چادرهای آن ها را، چقدر به یغما بر دند چادرها و رو سری های آن ها را. ما شاهد این ها بودیم و

شماها هم شاهد این پسر بودیدکه به اسم تمدن بزرگ با این مملکت چه کرد.2

1. امام خمینی، صحیفه امام، ج 14، ص 356.

2. همان، ص 356.

6. حجاب در فرهنگ اسلامی ملی ما

در هر جامعه، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان، افزون بر آن که از شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن جامعه پیروی می کند، قویاً تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ آن جامعه و حتی مبیّن و آیینه آن جهان بینی است. لباس، نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جامعه است، بلکه معرف شخصیت تک تک افراد و در نتیجه فرهنگ عمومی جامعه نیز می باشد. رابطه لباس، فرهنگ به اندازه ای قوی است که وقتی یک خارجی و غریبه وارد محیطی می شود، نخستین علامتی که او را می شناساند، همان لباس او ست. گویی انسان ها با لباس خود با یکدیگر صحبت میکنند و هرکس به زبان لباس خویش، خود را معرفی می نماید که من کیستم، ازکجا آمده ام و به چه دنیا و چه فرهنگی تعلق دارم. 1

بررسی تاریخ نشان می دهد که مردم شریف ایران، حجاب را به عنوان ارزشی والا پاس داشته و زنان ایرانی با پوشش کامل ظاهر می گشته اند و به آن افتخار می نمودند. بنابراین همان طورکه در بحث های گذشته اثبات کردیم، پوشش زن از نظر فرهنگ ایرانی- اعم از فرهنگ اسلامی و ملی- پوششی کاملاً مشخص و منحضر به فرد، یعنی "چادر" و پاس داشتن فرهنگ غنی کشور عزیزمان ایران است.

از این روی، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای توجه ویژه ای به این مطلب دارند. ایشان در این باره می فرماید:

باید توجه کنیدکه هیچ بحثی در زمینه های مربوصا به پوشش زن متأثر از هجوم تبلیغاتی غرب نباشد، زیرا اگر متأثر از آن شد، خراب می شود. برای مثال، اگر بیاییم با خودمان فکر کنیم که حالا در دنیا همه دارند میگویند حجاب داشته باشید، مثلاً چادر نباشد؛این فکر غلط است. البته نه اینکه من بخواهم بگویم چادر نوع منحصراست، بلکه میگویم

1. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 8. چادر، هم بهترین نوع حجاب است، هم یک نشانه ملی ماست که هیچی منافاتی با هیچ نوع تحرکی در زن ندارد. اگر واقعاً کار اجتماعی، کار سیاسی، کار فکری به معنای تحرک باشد، لباس رسمی زن می تواند چادر باشد که بهترین نوع حجاب است؛ البته می توان محجَبه بود، چادر هم نداشت، منتها همین جا هم باید آن مرز را پیداکرد. بعضی ها از چادر فرار میکنند، به خاطر اینکه هجوم تبلیغاتی غرب دامنگیرشان نشود. اما از چادرکه فرار میکنند، به آن حجاب واقعیِ بدون چادر هم رو نمی آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می دهد. تصور نکنید که اگر ما فرضاً چادر راگذاشتیم کنار و آن مقنعه های کذایی، لباس های "و لیضربن بخمرهن

علی جیوبهن" یعنی همان هایی که در قرآن است را درست کردیم، دست از سر ما بر می دارند. نه، آن ها به این چیزها قانع نیستند؛ بلکه می خواهند همان فرهنگ مخصوص خودشان، عیناً در این جا مثل زمان شاه که زن اصلا حجاب و پوشش نداشت،
عمل بشود. حتی وقتی نوبت به این جاها می رسد، بی بندوباری بیشتر می شود؛ کما اینکه متأسفانه زمان شاه بی بندوباری در همین شهر تهران، بعضی دیگر از شهرهای کشور، از معمولی شهرهای اروپا هم بیشتر بود، زن معمولی اروپایی که لباس، پوشش خودش را داشت، این جا آن طور هم نبود. کما اینکه در بسیاری از کشورهای متأسفانه عقب مانده مسلمانان، غیر مسلمان هم این طور بود. بنابراین مسائل ارزشی را باید با دقت، با نهایت کنجکاوی، بد، ن اغماض رعایت کرد. 1
همچنین ایشان در مورد توجه به فرهنگ اسلامی ملی در انتخاب مدهایی که زنان درلباس هایشان استفاده می کنند و آثار مهم آن می فرماید: راجع به لباس زن باید معلوم شود که واقعاً پوشش زن ایرانی چگونه 1. سید علی خامنه ای، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 61 2. باشد. البته منظورم پوشش بیرونی نیست، بلکه همان لباسی که می پوشد در بین زن ها می آید؛ یعنی لباس زیر چادر.... شما ببینید لباس زن هندی یک لباس ساده است، زن اروپایی هم که لباسش معلوم است؛ اما زن ایرانی هم آیا لباس مشخصی دارد؟، اگر دارد کدام است که نشان بدهد ایرانی است؟ والا همان مدی راکه امروز خیّاط خانه های اروپا درست میکنند، ما از لندن، پاریس می آوریم این جا، این لباس ایرانی نیست... این ترویج فرهنگ غرب است. آن وقت ما میگوییم مرگ بر آمریکا، فرهنگ آمریکا را این طور خودمان ترویج میکنیم، در حالیکه غربی ها اصلاً روی فرهنگ تکیه دارند، سیاست مقدمه فرهنگ است،و لذا، قتی فرهنگ تأمین شد، همه چیزشان تأمین خواهد شد،و این تأسف آور است که ما آن فرهنگ را به شکل لباس و مظاهر گوناگون دیگر بیاوریم این جا. آیا فرهنگ ایرانی و لباس ایرانی و زیور ایرانی چه اشکالی داردکه ما بیاییم از فرهنگ غربی استفاده کنیم؟
... ما ایرانی هستیم، باید برگردیم همان چیزی را که متعلق به خود ماست پیدا کنیم. 1
بنابراین همان طور که گفتیم، توجه به فرهنگ اصیل ایرانی در پوشش زن، یعنی استفاده از چادر که کاملا ًاز فرهنگ غنی اسلامی متأثر است، آن هم بطوری که موازین شرعی در آن کاملاً رعایت شود، نه تنها سبب جلوگیری از نفوذ فرهنگ های بیگانه می شود، بلکه به بهترین شکل از تحریکات جنسی زنان در انظار عمومی جلوگیری می کند و وسیله کاملی برای رعایت حجاب اسلامی به شمار می آید.
1. همان، ص 260.

فصل دوم : فطری بودن حجاب و غریزه تبرّج زن

اشاره

فطری بودن پوشش زن
غر یزه خودنمایی

زن فطرتاً و از روی طبع، به پوشش بدن خود میل دارد و از برهنگی مضطرب می شود. شواهد فراوانی از نظر روانشناسی و زیست شناسی بر فطری بودن پوشش برای زن وجود دارد که برخی از آیات قرآن نیز به این مطلب اشاره می کند.
قرآن کریم در داستان حضرت آدم و حوا، پس از این که می گوید آن ها فریفته شیطان را شدند و از درخت ممنوعه خوردند می فرماید: "فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ".1 و هنگامی که از از درخت چشیدند، اندامشان (= زشتی های پنهان اندامشان) بر آنها آشکار شد و (به سرعت) شروع به قرار دادن برگ های درختان بهشتی بر خود کردند تا آن را بپوشانند.
از این داستان به روشنی می توان فهمید که آدم و حوا هنگام برهنه شدن، مضطرب و پریشان شدند؛ زیرا برای رهایی از این حالت، به برگ های درختان پناه آوردند و خود را با آن ها پوشاندند و صبر نکردند تا لباس مناسبی به دست آورند. این در حالی است که اولاً آن ها همسر
1.اعراف (7)، 22.

یکدیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند، ثانیاً هیچ کس در آن جا نظاره گر آن ها نبود تا شرمندگی شان به خاطر او باشد، و ثالثاً چون اولین انسان بودند، پوشش برای آن ها جنبه اکتسابی هم نداشت. بنابراین تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی، فطری بودن حیا و به دنبال آن، فطری بودن پوشش در آن ها بود و چون برهنگی خلاف فطرت است، اضطراب به همراه دارد؛ 1 البته مقصود از فطری بودن پوشش، فطری بودن حجاب مصطلح اسلامی نیست، بلکه می توان گفت پوشش به طور اجمالی برای زن فطری است و برهنگی در تضاد با فطرت اوست.
برای اثبات این مطلب، باید دو مقدمه را در نظر گرفت. اول این که قرآن در این آیات سخن ازکشف "سوءه " دارد. کلمه "سوءه " در لغت به معنای چیزی است که انسان از آشکار شدن آن ناراحت می شود. 2 بنابراین می توان گفت منظور قرآن از کلمه "سوءه " در سوره اعراف، آیه های 20 (سَوْءَاتِهِمَا)، و 22 (سَوْءَاتُهُمَا)، و 26 (سَوْءَاتِكمْ)، و 27 (سَوْءَاتِكمْ)، جاهایی از بدن آن ها بوده که از آشکارشدن آن خجالت می کشیدند؛ یعنی جاهایی که جاذبه جنسی داشته، نه فقط اعضای تناسلی؛ زیرا در آیه 26همین سوره، خداوند از لباسی که "سوءات" آنان را می پوشاند، به "لباس تقوا" تعبیر کرده و می فرماید: "يَا بَنِی آدَمَ قَدْ انزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِی سَوْءَاتِكُمْ

وَرِیشًا وَلبَاسُ التَقْوَیَ ذَلِکَ خَیْرٌ". امام باقر(علیه السلام) هم از لباس تقوا که به "لباس عفاف " تعبیر می کند: "وَ اَمّا لِباسُ التَّقْوی فَالْعِفافُ ".3 از این بیان استفاده می شود، لباس عفاف یا
1. ر. ک: تفسیرنور، ج 4، ص 35.
2. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج 6، ص 362.
3. سید هاشم البحرانی، تفسیر البرهان، ج 3، ص 144.

پوشش عفیفانه، به پوششی گفته می شود که جاذبه های جنسی انسان را بپوشاند، نه فقط عضو تناسلی را. پس به احتمال قوی می توان گفت: کلمه سوءه در این آیات، کنایه از جاذبه جنسی است و علت اضطراب آدم و حوا، آشکار شدن جاذبه های جنسی آنان و از بین رفتن عفاف شان بوده است. همچنین تعبیر قرآن در آیه 27 سوره اعراف، "یَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا" که به معنای جدا شدن لباس های آن ها و برهنه شدن تمام بدن شان است، کنایه از این واقعیت دارد که ناراحتی آن ها به صرف آشکار شدن عضو تناسلی نبوده است.
برای تأیید این مطلب، درتفسیر قمی از امام صادق (علیه السلام)در توضیح این آیه آمده است: "فَاَکَلا مِنَ الشَجَرةِ فَکان کما حَکی اللهُ بَدَتْ لَهِمَا سَوْءَاتُهُمَا وَ سَقَطَ عنْهُما ما اَلبَسَهُما اللهُ مِن لِباسِ الْجَنَّةِ وَ اَقْبَلایَسْتَتِرانِ مِن وَرَقِ الجَنَّةِ". 1 آنان از درخت ممنوعه خوردند، پس همان طور که خداوند از این جریان حکایت می کند، اندام پنهان شان آشکار گردید و لباس هایی که خداوند از بهشت بر آن ها پوشانده بود، از ایشان جدا شد و در این هنگام به وسیله برگ درختان شروع به پوشیدن بدن خود نمودند. در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: "فَلَمّا اَکَلا مِنَ الشَّجَرَةِ طارَ عَنهُما الْحِلیُ و الْحُلَل عَنْ اَجسادِهِما و بَقیا عرْیانَیْن. ". 2 وقتی آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند، زیورها و لباس هایشان از بدن شان جدا شد و برهنه ماندند.
مقدمه دوم این که جاذبه های جنسی و اندام هایی که انسان از کشف
1. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 1، ص 43.
2. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 322.

آن حیا می کند، در زن و مرد متفاوت است. در مردان فقط اعضای تناسلی، یا حداکثر بین ناف تا زانو جاذبه جنسی دارد، چنان که بعضی از روایات آن را تأیید می کند 1؛ ولی در زنان، تمام بدن دارای جاذبه جنسی است. بنابراین از این دو مقدمه می توان استدلال کرد، زن مانند مرد نیست که فقط ازکشف اعضای تناسلی حیا کند، بلکه کمترین برهنگی برای زن در مقابل مرد آزاردهنده است. از این روی می توان نتیجه گرفت از

نظر قرآن، هرگونه برهنگی زن، با فطرت او در تضاد است و همین امر موجب اضطراب او می شود. اسلام برای این که زن از این آسیب محفوظ بماند، بین تشریع و تکوین هماهنگی ایجاد کرده است. به همین دلیل حکم حجاب، یعنی پوشش تمام بدن، مخصوص زنان شده، ولی حجاب مردان در حد پوشیدن عضو تناسلی یا حداکثر بین ناف تا زانوست.
برای این که این استدلال اتقان بیشتری داشته باشد، به دلایل دیگری در این زمینه اشاره می کنیم:
در تأیید مقدمه اول که منظور از "سوءه "، جاذبه جنسی است، می توان گفت در تعابیر دینی کلمهء "عورت "2 نیز مانند کلمه "سَوءَه " در مورد بدن انسان به کار رفته است که کنایه از جاذبه جنسی می باشد؛ زیرا اگر بخواهیم کلمه عورت را در این موارد به معنای آلت تناسلی بگیریم، معنای آن نادرست خواهد شد. در سوره نور آیه 58 به یکی از شرایط خلوت کردن زن و شوهر اشاره می کند و می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنوا
1. ر. ک. العا ملی و 1409، ج 2، ص 40.
2. "عورت " از نظر لغت به معنی عضوی است که شخص به سبب شرم آن را می پوشاند. (المعارف و المعاریف، ج 7، ص 544). لِيَسْتَأذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أيْمَانكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغوا الْحُلمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم منَ الظَّهيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاء ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لكُمْ "؛ ای اهل ایمان ! بردگان شما و نیز کودکانتان که به حد بلوغ رسیده اند، (برای آمدن نزد شما) در سه وقت باید اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، وقت ظهر هنگامی که لباس های خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست. حکمت این که قرآن از این سه وقت به عورت تعبیر کرده چیست؟ علامه طباطبایی در تفسیر کلمه عورت در آیه می فرماید: "العوره السوأه سمیت بها لما یلحق الانسان من انکشافها من العار وکأن المراد بها فی الایه ما ینبغی ستره ".
1 عورت، همان سوأه است و اگر آن را عورت نامیده اند، به آن دلیل است که انسان عار دارد از این که آن را آشکارکند، و مراد از آن در آیه شریفه، هر جایی از بدن است که سزاوار است پوشانده شود. بنابراین اگر در این آیه ازکندن لباس به عورت تعبیر کرده و آن را علت حکم اذان خواهی بردگان و کودکان نزدیک بلوغ آورده، این است که زن و شوهر در این سه وقت معمولاً برهنه هستند و قسمت هایی از بدن آن ها که دارای جاذبه جنسی است، پوشیده نیست. پس، از این آیه به دست می آید منظور ازکلمه عورت در این موارد، جاذبه جنسی است.
در آیه 31 همین سور ه نیز از جاذبه های جنسی بدن زن به عورت تعبیر کرده است و می فرماید: "أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء"؛ (در مقابل) کودکانی که از عورت های زنان، یعنی از امور جنسی

1. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 15، ص 163.

مربوط به زنان آگاه نیستند، (حجاب لازم نیست). براساس این آیه، در برابر کودکان نابالغی که به سن تمیز نرسیده اند و زیبایی های زنان برای آن ها جاذبه ندارد، حجاب لازم نیست؛ چنانکه مردانی که بر اثر پیری یا علل دیگر مانند طفل اند، همین حکم را دارند. بنابراین منظور از عو رت در این آیه نیز جاذبه جنسی است.
در روایات نیز کلمه عورت به این معنا به کار رفته است. مثلاً در روایتی، علت وجوب پوشش زن را عورت بودن او می داند. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)می فرماید: "المَرْأَةُ عَورَةٌ سَتْرُها بَیتُها".1 یعنی بدن زن، عورت (دارای جاذبه جنسی) است که خانه اش پوشش آن است. بدون تردید که کلمه عورت در این جا نمی تواند به معنای خاص آن باشد، بلکه عورت بودن زن، کنایه از آن است که بدن زن جاذبه جنسی دارد و بهترین پوشش برای آن، بودن زن در خانه و کمتر ظاهر شدن در برابر نامحرم است.
بنابراین، با توجه به تعبیر قرآن و روایت از بدن زن به "سوءه " و "عورت "، چه در داستان آدم و حوا و چه در بحث حجاب، می توان نتیجه گرفت که بدن زن به این دلیل که جاذبه جنسی دارد، از آن به عورت تعبیر شده است.
تا این جا ما دلایل زیادی برای اثبات مقدمه اول آوردیم که منظور از عورت در این موارد، جاذبه جنسی است. با ضمیمه کردن مقدمه دوم که جاذبه جنسی در زن و مرد متفاوت است و در زن تمام بدن او این ویژگی را دارد و با توجه به این که تعبیر قرآن در آیه 27 سوره اعراف "یَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا" به معنای جدا شدن تمام لباس های آنان
1. زاهدبن ابی الحسین ورّام، مجموعه ورّام، ج 2، ص 119.

است، می توان نتیجه گرفت و پریشانی حوا با آدم فرق داشت؛ آدم از این که کشف عورت شده بود مضطرب شد.ولی حوا از برهنه شدن تمام بدنش دچار ناراحتی و پریشانی و بلکه اضطراب شد. وقتی حوا به عنوان یک زن از برهنه شدن دچار اضطراب می شود، می توان نتیجه گرفت که برهنگی برخلاف فطرت زن است و در مقابل، پوشش وحجاب با فطرت او هماهنگ می باشد.
از شواهد دیگری که از فطری بودن حجاب حکایت می کند، فطری بودن حیا، به ویژه در زن و بلکه در جنس ماده است. این مطلب، هم از قرآن و روایات اثبات می شود و هم زیست شناسان و روان شناسان به آن

معتقدند. قرآن در قصه حضرت مریم علیهاالسلام از این که می گوید مریم به اعجاز الاهی باردار شد و برای این که مردم نادان او را به فحشا و بی عفتی متهم نکنند، از آنان فاصله گرفت تا دور از آن ها وضع حمل کند، می فرماید: "یَا لَیْتَنِی مِتّ قَبل هَذَا وَ کُنتُ نسیًا مَّنسِیًّا".1 (مریم آن قدر ناراحت شد که) گفت: ای کاش پیش از این، مرده بودم و به کلی فراموش می شدم. این سخن، نهایت پریشانی و ناراحتی زنی است که احساس می کند از نظر مردم، پرده حیاو عفتش لکهدار شده است؛ از این جهت آرزوی مرگ میکند این نشان می دهد حیا تمام وجود اوست و با رفتن آن، جانش هم در حال از بین رفتن است و این به جز فطری بودن حیا، دلیل دیگری ندارد. از این بیان میشودوقتی حیا در زن فطری باشد، پوشش و حجاب که لازمة حیا می باشد نیز فطریَ خوأهد بود؛ زیرا امکان ندارد زنی حیا داشته باشد و آن گاه اجازه دهد نامحرم از نگاه کردن به بدن او لذت ببرد. به عبارت دیگر، ظهور و تبلور حیا در زن، به

1، مریم (19)،23

پوشش مناسب است. در واقع عامل اصلی گرایش زن به حجاب و پوشش، تأمین نیازی درونی و فطری به نام حیا و شرم است.

همچنین قرآن در قصه حضرت یوسف (علیه السلام)، به حرکت فطری زن عزیز مصر اشاره می کند که وقتی خواست از یوسف کام بگیرد، درها را بست وَ غَلَقَتِ الاَبْوابَ 1 تا کسی او را نبیند. امام زین العابدین (علیه السلام)می فرماید: در این هنگام آن زن با پارچه ای روی بت خود را پوشاند. یوسف از او پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت: از بت حیا می کنم. یوسف گفت: تو از بت حیا می کنی، ولی من از خدا حیا نکنم.2 از این جریان مشخص می شود که حیا امری فطری است؛ زیرا مثل چنین زنی هم به طور فطری و غریزی چنین احساسی دارد.

نیز در بعضی روایات آمده است که خداوند حیای زن را نه برابر حیای مرد قرار داده است.3 از این روایت هم استفاده می شود که در طبیعت و آفرینش زن، حیا قرار داده شده و جزء فطرت اوست.

زیست شناسان و روان شناسان هم به فطری بودن حیا در زن اذعان دا رند. دکتر فخری، فیز یولوژیست مصری د ر ا ین با ره می گوید:

اصل، مبدأ احساس حیا، همان احساس حیوانی جنس ماده در مورد حیا است، به همین جهت می بینیم، نوع احساس حیا در زنان، از مردان قوی تر است.4

مودودی نیز کاسی از شرح مفصلی راجع به این که جاذبه جنسی در انسان همیشگی است، می نویسد:

1. یوسف (12)، 23.

2. ابوالفضل رشیدالدین میبدی، تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، ج 5، ص 58.
3. محمدبن الحسن الحرالحاملی، وسایل الشیعه، ج 20.
4. به نقل از علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی، ص 26. در طبع زنان، در مقابل شهوت، جاذبیت جنسی، حیا و احتشام، امتناع نیز به، دیعت نهاده شده است که در هر زنی کم، بیش وجود دارد. بدون شک این غریزه امتناع و فرار، در جنس ماده حیوانات دیگر نیز ظهور دارد، ولی در جنس مادهء انسان بیشتر و شدیدتر است، این شدت به وسیله وضع غریزه حشمت وحیا در روان او، افزون گشته است. 1

برخی از روان شناسان معتقدند حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تطورات جسمی دوران بلوغ که معمولاً با بروز حالت روحی و روانی گوناگونی همراه است، عامل درونی حیا را به نمایش می گذارد. کتاب طبایع زنان درباره وضعیت روحی و روانی پسران و دختران در دوران انتقال از کودکی به نوجوانی (دوران بلوغ) می نویسد:

فرق بین این دو جنس خیلی زیاد است؛ مثلاً دختر در این سن متانت خویش را دارد، در نهایت رشد و وقار زندگی می نماید، در حالی که پسر سال های دراز دیگری لازم دارد تا عاقل گردد. 2

سپس در مورد آثار بلوغ در دختران می گوید:

خجالت در او(دختر) زیاد و تأملش در حرکات و اطوار خویش فوق العاده گردیده و میلش به انفراد و تنهایی زیاد خواهد شد.، بنابراین وقتی حیا در زن فطری باشد، حجاب و پوشش هم که از آثار و نتایج آن است، فطری خواهد بود. مونتسکیو 3 و 4 می گوید:

تمام ملل جهان در این عقیده مشترک اند که زن ها باید حجب وحیا داشته باشند تا بتوانند خوداری کنند. علتش این است که قوانین طبیعت این طور حکم کرده انست، لازم دانسته زن ها محجوب باشند، بر شهوات غلبه نمایند، طبیعت مرد را طوری آفریده که تهوّرش زیادتر باشد،ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر باشد. بنابراین هرگز نباید تصور کرد افسارگسیختگی زن ها بر طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسارگسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می باشد، بر عکس، حجب وحیا، خودداری مطابق قوانین طبیعت است؛ زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی ببریم، به همین جهت است که دارای حجب وحیا هستیم، زیرا حجب وحیا، همانا خجلتی است که شخص از نقص وعدم کمال خود دارد.

I.1 بوا لاعلی ا لمودودی، الحجاب، ص 140.
2. حسین نجفی، طبایع زنان، به نقل از علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی، ص 26. چ همان.

3.Montesquieu,C.L.D.S.

4. مونتسکیو، روح القوانین، علی ا کبر مهتدی، ص 442.

غر یزه خودنمایی و تبرّج

اشاره

منظور از غریزه خودنمایی و تبرّج، جلوه گری و دلبری کردن برای تصاحب قلب دیگری است. کلمهء تبرّج که در قرآن آمده، ازکلمه "برج" گر فته شده و به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان طورکه برج قلعه برای همه هو یداست در مورد این موضوع، سه نکته را باید توضیح داد:

1.اختصاص این غریزه به زن

یکی از ویژگی های مهم زنان، خصیصه تبرّج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن در دو آیه از آیات حجاب، از تبرّج و خودنمایی زنان صحبت و آن را به محیط خانواده محدود کرده است در یک آیه می فرما بد: ((وَ لاتَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلیَهِ 1.-Self Exhibition.

الاً ولی " 1 یعنی ای زنان ! (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین. در آیه دیگری هم می فرماید: "غَیْرَ متَبَرِجاتٍ بِزینَهٍ ". 2 یعنی زنان، (در برابر نامحرمان) با زینت ها و آرا یش هایشان خودنمایی نکنند
قرآن در این آیات، فقط زنان را از تبرّج و خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه های جنسی خو د در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرّج مردان سخنی نگفته است از ظاهر این مطلب فهمیده می شودکه غریزه خودنمایی و تبرّج، از ویژگی های خاص زنان است و در مردان وجود ندارد. به همین دلیل پوشش و حجاب تنها بر زنان واجب شده است. شهید مطهری درباره آثار این عرفی ه و نیز اختصاص آن به زنان می نویسد: اما علت این که در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است،
این است که میل به خودنمایی، خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها، مرد شکار انست، زن شکارچی؛ همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی، از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس های بدن نما، آرایش های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می خواهد دلبری کند، مرد را دلباخته، در دام علاقه خود اسیر کند. لهذا انحراف تبرّج و برهنگی، از انحراف های مخصوص زنان است، دستور پوشش هم برای آنان مقررگردیده است. 3
در روایات نیز از وجود غریزه خودنمایی یا تبرّج در زن سخن گفته شده
1.احز اب (33)، 33.
2. نور(24)، 60.
3. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ج 19. ص 436. است.
برای مثال امام علی (علیه السلام) می فرماید: "خُلِقَتِ الْمَرأَهُ مِنَ الرِّجالِ وَ اَنَّ ما هَمُّها فِی الرّجالِ ". 1 خداوند زنان را از سرشت مردان آفرید، از این روی تمام همّت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آن ها صرف

می کنند. بنابراین اصل وجود غریزه خودنمایی در زن، مورد تأیید منابع اسلامی است. اما در مورد کارکرد این غریزه در زنان می توان گفت وجود این غریزه، برای متمایل کردن مرد- جنس مذکر- به زن- جنس مؤنث - است تا بدین وسیله، مقدمات ازدواج و زندگی مشترک را بین آنان فراهم کند؛ چنان که در دیگر جانداران نیز این ویژگی در جنس ماده وجود دارد.
درباره غریزه خودنمایی و تبرّج، غیر از منابع اسلامی، برخی از دانشمندان نیز مطالب جالبی دارند. خانم جینا لمبروزو 2 روان شناس معر وف ایتالیایی در این باره می گوید:
در زن علاقه به دلبر بودن، دل باختن، مورد پسند بودن، مایه خرسند شدن بسیار شدید است.3
او در جای دیگری می گوید:
یکی از تمایلات عمیق،آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده، به وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز تکلم و بالاخره شیوه خرام خود، مطبوع طباع واقع گشته، احساسات ان ها را تحریک نموده، روحشان را مجذوب سازد.4
1. محمدبن الحسن الحرالعاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 64.
2. Lombroso, G.
3. جنیا لمبروزو، روح زن، حسام شهرئیس، ص 15.
4. همان، ص 42. همچنین درباره تأثیر غریزه خودآرایی و تبرّج در زندگی زنان نوشته است: میل به جلب دیگران، بزرگترین، مهم ترین محرک زندگانی زن
محسوب می شود. 1
ویل دورانت نیز درباره آثار غریزه تبرّج زن گوید:
زن میل دارد بیشتر مطلوب باشد نه طالب،، به همین جهت در ارج گذاری، تقدیر آن جاذبه هایی که مایه تشدید میل مرد است،
استاد است. 2
بنابراین اصل وجود این غریزه و اختصاص آن به زن در بین دانشمندان پذیرفته شده است.

2. لزوم قانونمندی غر یزه خودنمایی

غریزه خودنمایی و خودآرایی مانند دیگر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی وکنترل است؛ یعنی باید از افراط و تفریط در آن پرهیز شود؛ زیرا کنترل نکردن این غریزه، چه از جهت افراط و چه از جهت تفریط، برای زن زیان بخش است و سلامت او را به خطر می اندازد. از این روی در دین اسلام برای این غریزه حد وحدود ویژه ای تعیین شده است و همان طور که آزادی بی حد و حضر آن ممنوع و برای کنترل آن، حجاب واجب شده، بی توجهی به آن نیز مذموم است. به همین دلیل در برخی روایات، آرایش کردن برای زنان ضرورت تلقی شده و بی توجهی به آن که به معنای نادیده گرفتن غریزه خودآرایی است، نکوهش می شود. ما در این جا به بعضی از این روایات اشاره می کنیم:

1. همان، ص 44.

2. ویل دورا نت، لذات فلسفه، عباس زریاب، ص 323.

امامصادق(علیه السلام) در روایتی می فرماید: "لایَنْبَغْی لِلْمَراهِ اَنْ تُعَطَّلَ نَفْسَها وَلو اَن تَعَلَّقَ فی عُنُقِها قَلادَةً، وَ لاینْبغی لَها اَ ! تَدَعَ یَدَها مِنَ الْخِضابِ وَ لَوْ اَنْ تَمْسَحَها بِالْحَناءِ مَسْحاً وَ اِنْ کا نَت مسِنَةً".1 برای زن سزاوار نیست خو د را از زیور و آرایش خالی کند، حتی اگر یک گردنبند باشد، و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، حتی اگر پیر باشد. و نیز می فر ماید: "لا تُصَلِی الْمَراه عُطُلاً".2 زن بدون ز یو ر و آرایش نماز نخواند. امام باقر(علیه السلام)نیز در روایتی می فرمااید. "لَمْ تَزَلِ النِّساءُ یَلْبِسْنَ الْحِلْیَ ". 3 زنان همو اره از زیور استفاده کنند.
در برخی روایات دستوراتی برای زیبا شدن زنان داده شده است. برای مثال، امام علی (علیه السلام) می فرماید: "لأتمَلَّکُ الْمَرْاهُ مِنَ الْاَمْرِ ما یجاوِزُ نَفْسَها، فَاِنَّ ذالِکَ أنعَمُ لِحالِها وَ اَرْخی لِبالِها وَ اَدْوَمُ لِجَمالِها، فَاٍ ن الْمَرْاهَ رِیْحانهٌ لَیْستْ بِقَهرمانهٌ ".4 کاری را که از توانایی زن برتر است به او وامگذار؛ زیرا "اگر او از کارهای سخت و طاقت فرسا به دور باشد) برای بهتر شدن حال و شادابی روحی و دوام زیبایی اش لازم است؛ به جهت این که زن گل بهاری است (لطیف وحساس) نه پهلوانی سخت کوش. همچنین رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)پس از اینکه به همه زنان، چه شوهردار و چه بدون شوهر دستور می دهد دائماً خضاب نمابند (و دست و صورت خود را به حنا و رنگ های، زیبا کننده آرایش کنند) می فرماید: "اَمّا ذات

1. محمدبن الحسن الحرالعاملی. وسایل الشیعه، ج 4، ص 459. 2.همان.

3. محمد یعقوب کلینی، الکافی، ج 4، ص475.
4. محمدبن الحسن الحرالعاملی، وسایل الشیعه، ج 20، ص 168.
الْبَعْلِ فَتَزَیَّنَ لِزَوجِها وَ اَمّا غَیرَ ذاتِ البَعْلِ فَلا یشبِهُ یَدَهُ یَد الرِّجالِ ". 1اما زنان شوهردار برای شوهرانشان زینت کنند و زنان بدون شوهر هم، به این دلیل خضاب کنند که دست شان شبیه دست مردان نشود (و لطیف و زیبا بماند). نیز در روایت دیگری آمدد است: "قال رَسول اللهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)لِلرِّجالِ: قَصُّوا اَظافیرَکمُ، وَللنِّساءِ أتْرکنَ فَاِنَّه اَزیَن لکن" 2؛ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به مردان فرمود: ناخن های خود را کوتاه کنید و به زنان فرمود: ناخن ها را کوتاه نکنید؛ زیرا شما را زیباتر می کند حتی آن حضرت از بعضی زنان به خاطر اهمیت ندادن به آرایش و زیبایی انتقاد کرده است؛ به این دو روایت توجه کنید: عَنْ عایِشَةَ قالَتْ: جاءَت اِمْرَاَةٌ وَراءَ ستْرٍ بِیدِها کِتابٌ اِلی رَسولِ اللّهِ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ ؛ فَقَبَضَ النَّبیُّ یَدَهُ فَقالَ: ما اَدْری اَیَدُ رَجُلٍ اَمْ یَدُ اِمْرَاَةٍ ؟ قالَتْ: بَلْ اِمْرَاَةٌ. قالَ: "لَوکُنْتَ اِمْرَاَه لَغَیَّرْتَ اَظْفارَکَ بِالحَناءَ".3 عایشه گوید: زنی از پشت پرده دستش را بیرون آورد تا نامه ای به رسول خدا بدهد؛ آن حضرت دست خود را بست (و نامه را از او نگرفت). سپس فرمود: نمی دانم این دست مرد است یا دست زن؟ آن زن گفت: دست زن است. پیامبر فر مود: اگر زن بودی، ناخن هایت را به رنگ حنا درمی آوردی. عَنْ عایِشَةَ اِنَّ هِنْداً بِنْتَ عَتَبَةَ قالَتْ: یا نَبیَّ اللّهِ بایِعْنی. قالَ:"لایُبایِعکَ حَتّی تَغَیَّری کَفَّیْکَ کَاَنَهما کَفّا سَبعٍ ".4 عایشه گوید: هند دختر عتبه به رسول خدا گفت: با من بیعت کن. آن حضرت فرمود: با تو بیعت نمی کنم مگر آن که دستانت را تغییر دهی ؛ زیرا مانند دست درندگان شده است.
1. همان، ج 2، ص 97،
2. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 6، ص 491.
3. الحسن بن یوسف الحلی، تذکرة الافقهاء، ج 2، ص 609. 4. ابی داود سیمان سن الاشعث، سنن ابی داود، ج 4، ص 77.

اهمیت به زینت کردن و آرایش زنان به حدی است که پوشش بعضی از لباس ها مثل ابریشم و طلا به علت خاصیت زیبایی شان مخصوص زنان شده است. 1 امام باقر(علیه السلام)می فرماید: "جَعَلَ الله الذَّهَبَ ص فی الدُّنْیا زینَةَ النِّساءِ فَحَرَّمَ عَلَی الرِّجالِ لبْسَه. ". 2 خداوند طلا را در دنیا زینت زن قرار داد و بر مردان حرام کرد. در برخی روایات آمده که ائمه اطهار(علیه السلام) زنانشان را با طلا و نقره زینت می کردند و بر این کار اصرار داشتند.3 از روایات دیگری که از اهمیت اسلام به آرایش و تجمّل برای زن خبر می دهد، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که حتی به زنانی که شوهران نابینا دارند، دستور می دهند خود را با

بوی خوش وحنا آرایش کنند. "قالَ الصّادِقُ (علیه السلام): سُئِلَ رَسولُ اللهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): مازینَه الْمَرْاهِ لِلاَعْمی؟ قالَ: الطّیب وَالْخِضابُ فَاِنَّه مِنْ طیبِ النَّسِمَه ".4 امام صادق(علیه السلام) فرمود: از رسول خدا سؤال شد: زن چگونه برای شوهر نابینا آرایش کند؟ فرمود: با به کار بردن عطر و خضاب کردن، که نوعی بوی خوش است.
از روایاتی که در این باب وجود دارد و ما بعضی از آن ها را در این جا آوردیم، می توان نتیجه گرفت که اگر دین اسلام از تبرّج و خودنمایی زن برای نامحرم نهی کرده، در عوض به او دستور داده است در صورتی که در دیدگان نامحرم نباشد، حتماً تبرّج و خودنمایی داشته باشد، به ویژه اگر درکنار شوهرش باشد، چنانکه در حدیثی از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد ویژگی های بهترین زن نقل شده است که فرمودند: ((الوَدُودُ الْعَفیفَه،

1. محمدبن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج 4، ص 380.
2.همان، ص 414.
3. محمدبن یعقوب الکلینی ت الکافی، ج 5، ص 324.
4. محمدبن الحسن الحر العاملی، ووسایل الشیعه: ج 20، ص167.

العَزیزَهُ فی اَهْلِها، اَلذَّلیلَهُ مَعَ بَعْلِها، المتَبَرِّجَه مَعَ زَوجِها،... ". 1 یعنی بهترین زنان شما زنی بسیار بامحبت، عفیف و پاک دامن است که، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش متواضع و فروتن باشد و برای او خودآرایی و تبرّج کند. در این حدیث دقیقاً به همان تبرّجی که قرآن آن را برای زن در مقابل نامحرم ممنوع کرده، در برابر به شوهر سفارش شده است. بنابراین، دین اسلام غریزه خودنمایی و تبرّج زن را نادیده نگرفته، بلکه به آن اهمیت هم داده است و تلاش کرده زنان افزون بر دارا شدن زیبایی درونی و اخلاقی، از نظر ظاهری هم جذّاب و زیبا باشند؛ زیرا توجه به آرایش و زیبایی ظاهری، نه تنها پاسخی منطقی و صحیح به اقتضای طبیعی و غریزی آنان در جلوه گری و جلب توجه دیگران است، بلکه سبب می شود زن شادتر و بانشاط تر باشد و از این راه، شادابی و نشاط را به زندگی خانواده اش نیز وارد کند؛چرا که یکی از عوامل مهم بانشاط بودن زن، داشتن ظاهری زیبا و دلپسند است که شوهرش را پی درپی به وجد آورد و خود نیز از این راه به شوق آید. در نتیجه، کوشش زن در جذاب بودن و آرایشکردن برای شوهر، ضمن این که نیاز طبیعی زن به خودنمایی و تبرّج را ارضا می کند، وی را از جلوه گری و خودنمایی برای مردان نامحرم نیز بی نیاز می دارد؛ زیرا او برای شوهری خودآرایی کرده که حقیقتاً به او عشق می ورزد و در دوستی اش وفادار است. به این ترتیب، هم نیاز غریزی او به آرایش و تجمّل بر طرف می شود و هم از آفت ها و انحراف های عشق آزاد رهایی می یابد.

خانم لمبروزو در این مورد سخن زیبایی دارد:
1. محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج 5، ص 324.

بدون شک منشأ حجب، حیای زن را در عشق وعلاقه می توان یافت؛ چه اینکه زن وقتی مرد را به خویش علاقه مند، خود را نسبت به او متمایل دید، منظور اصلی خودنمایی، جلوه گری از بین می رود، چون توسعه محیط اجتماعی زن فقط به منظور تمرکز تمایلات درونی او به شخص واحد است، هنگامی که در این راه توفیق یافت، دیگر احتیاجی به آلات فریبنده، مصنوعی نخواهد داشت. چنانچه مشاهده می شود زنانی که به شوهر، أطفال خود علاقه مند هستند، به کلی از این عوالم دور و برکنار می باشندو اگر زنی دیده می شودکه این شیوه را پیشه خود قرآر داده است، فقط به این جهت است که پاسخ احساسات درونی خویش را نزد همسر خود نیافته است؛ زیرا وقتی که زن علاقه مند گردید، دیگر حاضر بلکه قادر به جلب توجه دیگران نخواهد بود. 1

3. افراط در غریزه خودنمایی و تبرّج

همان طور که بی توجهی به غریزه خودنمایی و تبرّج برای زن زیان بخش است، خودنمایی و تبرّج بیش از اندازه و خارج از چارچوب حجاب نیز زیان بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به مخاطره می اندازد. این مطلب دقیقاً مانند این است که بگوییم غذا خوردن برای سلامت ضرورت دارد، اما زیاده روی و رعایت نکردن قانون غذا خوردن مضر است. در ارضای نیازهای روانی نیز باید اعتدال را رعایت کرد؛ زیرا هر گونه زیاده روی در آن، باعث از دست رفتن انرژی روانی انسان می شود و سلامت روانی او را مختل می سازد. البته تفاوتی که در ارضای نیازهای روانی، مثل نیاز به خودنمایی و تبرّج در زن، با نیازهای جسمانی مثل
1. جنیا لمبروزو، روح زن، حسام شهرئیس، ص 48. نیاز به غذا خوردن وجود دارد، این است که این گونه نیازها سیری ناپذیر است و اگر انسان در ارضای آن حد افراط را پیش بگیرد، نه تنها نیاز او برطرف نمی شود، بلکه روز به روز تشنه تر شده و تمام فکر و ذهن او را به خود مشغول می کند. در ارضای نیاز به خودآرایی و خودنمایی هم همین مطلب وجود دارد؛ یعنی اگر زن در توجه به زیبایی ظاهری و خودآرایی افراط کند، کم کم به حدی می رسد که بیمارگونه به تجمل و آرایش می پردازد و هیچ گاه احساس ارضا و سیری نمی کند.
شهید مطهری در این باره می نویسد:
روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصّی است و از آن پس آرام میگیرد. همان طور که بشر اعم از مرد و زن در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت، تملک جاه و مقام سیر نمی شود، اشباع نمیگردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان، بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود،و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه، انجام ناشدنی است، همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها، منجر به اختلالات روحی، بیماری های روا نی میگردد. 1
وست کوت 2 (1986) در نقد نظریه کارن هورنای 3 که معتقد بود زنان باید با خارج شدن از خانه و به عهده گرفتن کارهای مختلف در مشاغل گوناگون، هویت خود را بیابند، می نویسد:
1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ج 19، ص 436.
2.Westkott.
3.Karen Horney زنان امروزی ما بین نیاز به جلب توجه مردان و دنبال

کردن اهداف شخصی خود، گیر افتادند؛ به همین جهت رفتارهای متضادی از خود
نشان می دهند. گاهی ا غواگر و پرخاشگر وگاهی مودب، گاهی جاه طلب می شوند. زنان امروز بین کار، عشق، دوپاره شدند و درنتیجه، هیچکدام آن ها را ارضا نمیکند. 1
درکتاب روح زن پس از این که می نویسد: زن طوری آفریده شده تا وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنّازی و عشوه گری کند؛ به همین سبب اگر تکیه گاهش را نیابد و به تجمل و جلوه گری خود ادامه دهد، دوام نخواهد آورد و نابود می شود، آمده است:
زن همچون بوته نیلوفری است که طالب چوب خشک یا دیوار لخت، عریانی است تا آن را از گل، سبزه بپوشاند. اگر چنین چوب، دیواری نیابد، خشک و نابود خواهد شد.2
1. وست کوت به نقل از دوان شولتز، نظریه های شخصیت، ص 187.
2. جنیا لمبروزو، روح زن، حسام شهر ئیس، ص 24.

فصل سوم : رابطه حجاب و سلامت روانی زن

اشاره

امنیت
رشد روانی- اجتماعی
ارزشمند شدن زن
تعدیل کننده غر یزه خودنمایی و تبرّج
افزایش احساس خود ارزشمندی محافظت از عواطف انسانی زن پایبندی به اصول اخلاق انسانی
حفظ استواری خانواده

اشاره

بدون تردید حجاب و پوشش، تأثیرات بسیار مثبتی بر روح و روان زن دارد. عفاف و پوشیدگی برای زنان، همچون سد و حفاظی است که زن در سایه آن از هر ذلّت و تحقیری در امان می ماند. دین اسلام با واجب کردن حجاب، نمی خواهد زن بازیچه دست شهوت پرستان شود و ارزش او به میزانی پایین بیاید که تنها وسیله ای برای بر طرف ساختن شهوت ها باشد. اسلام، خوشی های مشروع را برای زن می پسندد و البتّه تأمین آن را در سایه عفاف می داند. عفاف که ثمره حجاب و پوشش است، عامل آرامش و سکون انسان و دور ماندن او از عوامل پریشانی و در نهایت باعث رضایت وجدان است. چه بسیارند عوامل نا امنی فکری و ذهنی که عفاف مانع بروز آن هاست. عفاف، موجب احساس امنیت و شرف آدمی است و باعث می شود که آدمی بتواند در طول حیاتش درست فکر کند و نیکو تصمیم بگیرد.

زن به دلیل این که عواطف و احساسات قوی تری در برابر مرد دارد، از نظر روانی نفوذپذیرتر از مرد است؛ یعنی از عوامل بیرونی بیشتر از مرد متأثّر می شود. این تاثّر و نفوذپذیری وقتی از یک منبع، یعنی از سوی شوهر باشد، باعث می شود وحدت و یگانگی روانی زن حفظ شود؛ ولی وقتی زن بدون حجاب در اجتماع مردان نامحرم حاضر می شود، به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می گیرد و وحدت روانی او از بین می رود و با از بین رفتن وحدت روانی، دچار اضطراب و آشفتگی می شود. 1 در منابع اسلامی درباره برخی از آثار روانی حجاب و بی حجابی مطالب زیادی وجود دارد. برای مثل در آیه 60 سوره نور، درباره فلسفه حجاب می فرماید: "وَ اَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهنَّ " و اگر (زنان) خود را بپوشانند برای آن ها (خیر) بهتر است. کلمه "خیر"که به معنای سود و نفع است، به دلیل اطلاقش، هم نفع مادی و هم نفع معنوی را در برمی گیرد. درآیه 53 سوره احزاب، سود و نفع حجاب مشخص تر بیان شده است؛ آن جا که می فرماید: "ذلِکُمْ اَطْهَرُ لِقلُوبِکمْ وَ قُلُوبهنَّ " این کار (حفظ حریم بین زن و مرد) برای پاکی دل های شما و آن ها بهتر است. همچنین در آیه 30 سوره نور درباره تأثیر حفظ عفّت مرد به واسطه نگاه آلوده نکردن به زن، می فرماید: "وَ یَحْفَظوا فُروجَهُمْ ذالِکَ اَزْکی لَهُم" و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است.

قرآن کریم، نتیجه نهایی عفت را با تعابیری چون "خَیْرٌ لَهنَّ "، "اَطْهَر لِقُلُوبِکم وَ قفوبهنَّ"، و "اَزْکی لَهُم" بیان می کند که مقدمه ای برای عفیف ماندن و آلوده نشدن به فحشا است و در نتیجه، راهی برای رسیدن به

سلامت قلبی یا قلب سلیم می باشد که در آیه 89 سوره شعرا به آن اشاره کرده است؛ زیرا صاحب قلب سلیم کسی است که از آلودگی های معنوی و اخلاقی پاک باشد و این زمانی است که او تعادل فکری و روانی کافی داشته

1. زینب جلالی، جزوه حجاب از دیدگاه روان شناسی، ص 7.

باشد. در روان شناسی، از این ویژگی ها به سلامت روانی تعبیر می شود. البته ملاک های قلب سلیم از نظر اسلام بسیار ژرف تر و ریشه آن ایمان و باور قلبی به خدا و آخرت است. و به عبارت دیگر، سلامت روانیِ مد نظر اسلام، مفهوم وسیع تری دارد، به طوری که رسیدن به آنچه روان شناسان می گویند بخشی از آن است، ولی به هر حال می توان ادعا کرد از نظر قرآن، رعایت حجاب و داشتن عفت، راهی به سوی سلامت روانی به شمار می آید.
در روایات نیز به تأثیر روانی حجاب بر زن اشاره شده است. امام علی (علیه السلام) در وصیّت خود به امام حسن(علیه السلام)می فرماید: "وَاکْفُفْ عَلَیْهِنَّ مِنْ اَبْصارِهِنَّ بِحِجابِکَ اِیّاهُنَّ، فَاِنَّ شِدَّةَ الْحِجابِ اَبقی عَلَیْهِنَّ ". 1 (زنان را) در پرده حجاب نگاه دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.
همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: "صِیانَةُ الْمَرأَةِ انعَم لِحالِها وَ{ اَدْوَمُ }لِجَمالِها".2 پوشش و حجاب برای حال زن بهتر است و سبب دوام زیبایی او می شود. منظور از حال زن در این حدیث، می تواند وضعیت روانی باشد که رعایت حجاب سبب تعادل بیشتر آن می شود. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)نیز می فرماید: "خَیْرُ نِسائِکُمْ العَفیفَه". 3 بهترین زنان شما زنان پاک دامن و عفیف اند. این روایت نیز همان چیزی را می گوید که در آیه60 سوره نورگذشت؛ یعنی منظور ازکلمه خیر، به طور مطلق مفهومی است که شامل خیر جسمی، روانی، مادی و معنوی می شود.
اکنون پس از بیان این مقدمه، به بعضی از آثاری که حجاب در سلامت و آرامش روانی زنان دارد مانند، امنیت، رشد روانی و عاطفی، ارزشمند شدن زن، تعدیل کننده غریزه خودنمایی و تبرّج، افزایش احساس خود ارزشمندی، محافظت از عواطف انسانی زن، پایبندی به اصول اخلاق انسانی و حفظ استواری خانواده اشاره می کنیم.

1. محمدبن الحسن الشریف الرضی، نهج البلاغه، محمدمهدی فولادوند، نامه 31، ص 361.
2. میرزا حسن نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 255.
3. محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج 5، ص 324.

1. منیت 1

امنیت، یکی از طبیعی ترین و ضروری ترین نیازهای بشری است. به نظر مزلو 2 (1970- 1908)، پدر معنوی جنبش انسان گرایی در روان شناسی، نیاز به امنیت از نیازهای زیربنایی 3 برای رشد و شکوفایی شخصیّت انسان است که در صورت ارضا نشدن، رشد شخصیّت مختل می شود. مزلو معتقد بود نیاز به ایمنی در نوزادان و بزرگسالان روان رنجور، بیشترین اهمیت را داراست. بزرگسالان بهنجار و سالم عموماً این نیاز را به خوبی برآورده کرده اند. ارضای این نیاز، مستلزم امنیت، ثبات، حمایت، ساختار، نظم و رهایی از ترس و اضطراب است. در نوزادان و کودکان خردسال، نیازهای ایمنی با روشنی بیشتری دیده می شود؛ به همین دلیل نوزادان واضح تر و فوری تر به تهدید و ترس واکنش نشان

1.Safety.

2.Maslow, A.H.

3. براساس نطریه مزلو، هر فردی تعدادی نیازهای ذاتی و زیربنایی دارد که فعال کننده و هدایت کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند، اما رفتارهای انسان که برای ارضای این نیازهاست، آموختنی است. نیازهای ذ کر شده از سوی مزلو، سلسله مراتبی دارد که از لحاظ اهمیت، از کم به زیاد به این ترتیب قرار می گیرد: نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای ایمنی، نیازهای عشق و تعلق، نیازهای حرمت، نیاز به خودشکوفایی (ابراهام مزلو، انگیزشی و هیجان، احمد رضوانی). می دهند تا بزرگسالانی که آموخته اند واکنش های ترس خود را تا حدودی بازداری کنند. 1

بنابراین، اگر انسان ها در زندگی روزمره خود و درکوچه و خیابان و محل کار و تحصیل و حتی داخل منزل احساس امنیت نکنند و همواره در ترس و دلهره باشند، به تدریج دچار اضطراب می شوند. در این میان، زنان به دلیل ویژگی های شخصیتی و موقعیت اجتماعی، آسیب پذیری بیشتری دارند و طبعاً نیاز به امنیت در آن ها بیشتر احساس می شود؛ زیرا در بین جوامع بشری، همیشه مردانی که به دلیل نداشتن تربیت صحیح انسانی، به دنبال فرصتی هستند تا زنان را مورد سوءاستفاده های جنسی قرار دهند، یا دست کم مردانی که زمینه های انحرافی در آن ها دیده می شود و به تعبیر قرآن "فِی قَلْبِهِ مَرَض ". 2 یعنی بیماردل هستند، وجود دارند که با دیدن کوچک ترین صحنه برانگیزاننده جنسی، عنان اختیار از کف داده و به زنان بی حرمتی روا می دارند.

در این شرایط، زنانی که در انظار عمومی بدن خود را به نمایش می گذارند و باعث تحریک مردان می شوند، ناگزیر باید منتظر آزار و اذیت این

افراد لا ابالی و فرصت طلب نیز باشند. این آزارها که گاهی به آدم ربایی و قتل می انجامد، به شدت زندگی زنان بد حجاب و نیز آرامش و سلامت روانی آن ها را به خطر می اندازد.
به نا امنی و خطری که زنان بد حجاب را تهدید می کند، در بعضی از آیات حجاب نیز توجه شده است:
1. آبراهام مزلو، به نقل از دوان شولتر، نظریه های شخصیت، ص 264.
2. احزاب (33)، 32.

1. آیه 59 سوره احزاب: قرآن در این آیه، بعد از این که به همه زنان دستور می دهد بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند، می فرماید: "ذالِکَ اَدْنی اَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤذَیْنَ " این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.
در تفسیر علی بن ابراهیم قمی چنین آمده است: زنان مسلمان به مسجد می رفتند و نماز جماعت را با پیامبر می خواندند. هنگامی که ایشان برای خواندن نماز صبح یا مغرب و عشا از خانه بیرون می رفتند، جوان ها بر سر راهشان می نشستند و به آزار آنان می پرداختند. در این زمان آیه 59 سوره احزاب نازل گردید و بر پوشش زنان به عنوان حفاظ در مقابل آزار و اذیت دیگران تأکید ورزید. 1
بنابراین پوشش و حجاب باعث می شود همه، به ویژه افراد بیماردل و کسانی که اسیر هوای نفس اند، بفهمند که این زنان، پاک و با وقارند، پی مزاحم آنان نشوند و امنیت ایشان را به خطر نیندازند. این مطلب در تفسیر المیزان نیز آمده است 2 و با مبحث روان شناسان درمورد کنترل محرک 3 و دادن سرنخ برای رفتار با دیگران کاملاً هماهنگی دارد. بنابراین در اصطلاح روان شناسان رفتارگرا، حجاب، محرک افتراقی 4 برای تقویت تمایلات درونی زنان می شود، که حکایت از عفاف و صلاح و سداد است.5
1. علی بن ابراهیم القمی، تفسیر القمی، ج 4، ص 196. 2. ر. ک: تفسیرالمیزان، ج 16، ص 342.
3.Stimulus Control.
4.Discriminative Stimulus.
5. جعفر بوالهری، بررسی ویژگی های حجاب خواهران در دانشگاه تهران، ص 12.

تفسیر دیگری نیز می توان برای آیه احتمال داد که برعکس تفسیر بالاست و آن این که بگوییم از نظر آیه، ثمره حجاب شناخته شدن جایگاه واقعی زن به عنوان انسانی با ویژگی های خاص خود است که این شناخته شدن، به برکت حجاب پدیدار می شود. اما بی حجابی و برهنگی به زن جنبه

جنسی می دهد و انسان بودن او را به فراموشی می سپارد. پس حجاب به عکس آنچه می گویند، بیشتر زن را می شناساند، ولی بی حجابی باعث می شود زن انسان بودن خود را گم کند. زن اگر شناخته نشود، به اذیت می افتد و رنج می بیند؟ رنج جسمی و روانی.
به هر حال حجاب و پوشیدگی، گرچه برای زن تا حدی محدودیت می آورد، ولی به او در برابر بسیاری از خطرها، مصونیّت می بخشد و امنیت جانی و روانی او را تأمین می کند. بهترین شاهد این مدعا، وضعیّت اسف بار زنان بی حجاب در جوامع غربی است. از یک طرف فرهنگ غربی تا جایی پیش رفته که کلمه شرم و حیا را به عنوان کلمات قبیحی در دایره واژگان زنان و دختران می داند و می کوشد این ویژگی فطری را از آنان بزداید، و از طرف دیگر این واقعیت تلخ را متوجه ما می کند که برهنگی، وجود روابط آزاد و عدم رعایت حریم بین زن و مرد، چه مشکلات بزرگی بر سرشان آورده و چگونه امنیت و آسایش آن ها را مختل کرده است.
یکی از نویسندگان معاصر از وضعیت امنیت زنان جامعه انگلیسی می نویسد:
داشتن روابط آزاد و بی حجابی، توأم با آرایش های هوس انگیز زنان در غرب، میل جنسی مردان را چنان برانگیخته است که اکثر نسل جوان حاضر، به بیماری های جنون جنسی مبتلا شده است. در انگلستان، رسانه ها هر ر، ز اخبار، حشتناک حمله های، حشیانه این افراد به زناڑ را منتشر میکند. امارها حاکی از ان است که زنان این کشورها به خاطر توصیه رادیو، تلویزیون برای حففا جان خود، از، سایل دفاعی از قبیل اسپری های بی هوش کننده، سلاح های سرد، غیره استفاده میکنند. این در حالی است که معمولا در حمله، حشیانه مردان به آن ها، این سلاح ها علیه خودشان به کار گرفته می شود. حتی مجازات های شدید برای جنایتکاران حملات جنسی باعث شده تا جانیان، قربانی خود را که تنها شاهد جنایت است، به قتل برسانند. یکی دیگر از امارهای تکان دهنده درانگلستان، حاکی آز آن است که آزادی و بی بند، باری در ر،1 بط جنسی، سبب سوءاستفاده های جنسی از کودکان شده است که حتی در بعضی موارد، منجر به قتل انان می شود. این امار به حدی بالاسست که د، لت برای جلوگیری از ان، خط تلفن، یره ای به نام "خما ارتباطی کودکان " 1 دایر کرده است، از کودکان خواسته که هر زمان به کمک احتیاج داشتند، از این شماره استفاده کنند. طبق این گزارش، در هر 44 ساعت، 9000 تلفن ازکودکان به این خط می شودکه بسیاری از آن ها حاکی از تجاوز جنسی به آنان اسست که گاهی از طرف اعضای خانواده صورت میگیرد. البته اکثر این قربانیان خردسال، دخترچه هایی هستند که بر اتر این حملات وحتنمیانه، دچار آسیب های ر،1 نی شدیدی می شوند که معمولاً تا پایان عمر اثرات منفی آن باقی می

ماند. 2
در یک گزارش از وضع امنیتی زنان آمریکایی آمده است:
در امریکا در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانده، پوشس بیشتری دآشته باشد، تجاوز به عنف کمتر می شود؟

1.Childs Line.
2. احمد صبور اردوباری، آیین بهزیستی، ج 3، ص 298.

ولی در تابستان تجاوز به عنف نسبت به زنان و حتی پیرزنان افزایش پیدا میکند، حتی راهبه ها هم مصون نمی مانند. 1
بنابراین، یکی از ثمرات مهم حجاب، ایجاد امنیت برای زنان است که در صورت نبود آن، زنان آرامش خود را از دست می دهند و دچار ترس و اضطراب روانی می شوند.

2. رشد روانی- اجتماعی 2

یکی از نتایج مهم حجاب و پوشیدگی که در سلامت روانی زن تأثیر مستقیم دارد، بلوغ و تکامل روانی و شخصیتی زن است. یکی از روان شناسان بین نتایج حجاب و عوامل بلوغ روانی در زن مقایسه ای انجام داده و به نتایج جالبی رسیده است. او درکتاب خود می نویسد که بیشتر روان شناسان مانند فروید، اریک فروم، 3 پیاژه، 4 کولبرگ، 5 اریکسون 6 و غیره مراحل و ادوار تکامل روانی انسان را به پنج دوره تقسیم کرده اند 7 این مراحل عبارت است از:
1. مرحله گیرندگی غیر فعّال، 2. مرحله گیرندگی فعّال یا رشد احساس های بچه گانه، 3. مرحله رشد عضلانی؛4. مرحله تحر ک و آغاز تشخیص هویت یا دوران نهان تناسلی؛ 5 مرحله کمال هو یت زنان یا مردان.
1. همان، ص 219.
2.Psychosocial-Development.
3.Fromm,E.
4.Piajet,J.
5.Kohlberg,L.
6.Erickson,E.
7. شهریار روحانی، بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان شناسی، ص 11.

نویسنده، در ادامه، به توضیحاتی در مورد ویژگی های این مراحل می پردازد؛ولی از آن جا که فقط مرحله چهارم و پنجم مربوط به بحث حجاب می شود، ما نیز به توضیح این دو مرحله بسنده می کنیم.
مرحله چهارم، مرحله تحرک یا دوران نهان تناسلی 1 نام دارد که مهم ترین مرحله در بازشناسی اثر حجاب است. در سه مرحله قبل، بین پسر و دختر تمایز چندانی وجود ندارد؛ ولی با شروع این مرحله، جدایی دو جنس در حالت های روانی و بروز شخصیت آغاز می شود. در این مرحله تفاوت پسران با دختران، در نحوه سلوک اجتماعی یا برخورد با اشیای بیرونی و محیط پیرامون خویش است. پسران معمولاً حالت تهاجمی، ستیزه جویی و نیز تمایل آشکار برای تسلط بر دیگران از خود نشان می دهند و در نتیجه به افرادی خود رأی، کله شق و دارای خویی آمرانه و تقلید از بزرگسالان تبدیل می شوند! اما به عکس در دختران حالت جذب و انقیاد و قدرت جلب توجه آشکار می شود و در نتیجه، علاقه به پوشیدن لباس های زیبا، آرایش کردن، با عشوه سخن گفتن، با ناز قدم برداشتن و بروز حالت های

مادرانه در آنان طبیعی است. 2 مرحله پنجم، مرحله تکامل بلوغ و تعیین هویت انسانی 3 است. در این مرحله، پسران و دختران ویژگی های بلوغ و هویت انسانی خود را ظاهرمی سازند. مردان، صفت هایی مانند آرامش، پذیرش و صبر را به ویژگی های خود پیشین اضافه می کنند و به جای تسلط بر همه چیز و از

.Pregnatial Stage.1

2. همان، ص 23.

Self-Identity.3. جمله همه زنان، میل به تسلط بر زندگی و خانواده خود را دارند. زنان نیز به جای تمایل به جذب همه مردان و صرف تمام وقت و نیروی حیاتی در این راه، تنها به یک مرد (نامزد، شوهر) توجه کرده و بقیه توانایی های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می کنند. 1

نویسنده، در مورد نتایج اختلال در مرحله چهارم می گوید: در مرحله چهارم، ممکن است دو نوع اختلال به وجود آید. نخست، عوض شدن نقش پسر و دختر که خطر همجنس خواهی 2 از همین جا به وجود می آید، و دوم، تثبیت در این مرحله و متوقف شدن رشد شخصیت است که باعث می شود پسران همیشه تشنه قدرت و خواهان تسلط بر دیگران بوده و دختران به موجوداتی کاملاً گیرنده تبدیل شده، همیشه اسیر توجه دیگران باشند. اینان همواره مجبورند پذیرش خود را به خویشتن و دیگران اثبات کنند؛ از این روی چنین زنانی از سازندگی و به ویژه استقلال شخصیت باز می مانند.3

متأسفانه امروز در بیشتر جوامع بشری، این توقف شخصیت به عناوین مختلف تشویق و تبلیغ می شود. عرضه کردن زنان بی بندو بار و عشوه فروش بر پرده سینما یا تلویزیون و امثال آن و الگو کردن آنان؛ یا نمایش شخضیت های کاذبی که به سرعت آدم می کشند و بر تصاحب زنان بسیار و نداشتن همسر و ویرانگری می بالند، از بدترین نمونه هایی هستند که دختران و پسران را از رشد و رسیدن به مرحله بلوغ روانی بازمی دارد.4

1. همان، ص 32.

.Homosexuality.2

3. همان، ص 25.

4. همان، ص 35.

نویسنده در ادامه، به بیان بعضی از نتایج فردی و اجتماعی فرهنگ ابتذال می پردازد و می گوید: زنان و مردانی که از چنین فرهنگی تأثیر می پذیرند، همیشه از زوال قدرتِ جلب و نفوذ، نگران و ناراضی اند، به شدت از روزگار پیری می هراسند و عطش رنج آور آن ها برای پیروزی خاموش شدنی نیست. چنین زنان و مردانی، به طور طبیعی طعم محبت واقعی را نچشیده اند و مجالی برای مهرورزی، عشق و قبول مسؤولیت ندارند.

شاید به همین دلیل است که ا کنون بیش از 63 درصد خانواده های آمریکایی تک والدی هستند؛ زیرا لازمه زندگی مشترک گذشت، قبول مسوولیت، مهرورزی و محبت انسانی است و چنین ویژگی هایی با ایده آل ها و نمونه های عرض شده در آن جامعه که هنری جز نفوذ بر دیگران و جلب توجه آن ها ندارند، در تعارض است. زندگی خانوادگی، نه مکانی است برای تصاحب همه زنان، و نه مجالی برای جلب توجه همه مردان.
در مقابل، زنانی که به مرحله تکامل و بلوغ روانی رسیده اند، زنانی سازنده، دانشمند، ایثارگر و خدمتگزارند و در تمام جوامع از این سبک سری ها به دور بوده، در زندگی و سلوک اجتماعی به مراتب از دیگر زنان، ساده تر زیسته و شخصیت بالغ آن ها اسیر جلب کردن دیگران نیست. آن ها لباس های جلف نمی پوشند، کمتر از دیگران در انظار آرایش می کنند و عموماً در زندگی خانوادگی موفق اند.
بنابراین، فاصله گرفتن جامعه از فرهنگ حجاب و رعایت نکردن حریم بین زن و مرد، عامل بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی برای افراد، به ویژه زنان است؛ چنان که نویسنده در ادامه می گوید: هر چه زنان و دختران در استفاده از وسایل آرایش و زیبایی بیشتر افراط کنند، عطش آن ها در خودنمایی و جلب توجه دیگران بیشتر می شود، و وابستگی وبی ارادگی شان شدیدتر می گردد. روشن است که این روند به خودی خود نفاق، کرنش، قبول اسارت، سبک سری، از خود بیگانگی، بی تفاوتی به دیگر مسائل انسانی، سطحی بودن در اندیشه و عمل، احساس دلتنگی و بالاخره در روزگار میانسالی و پیری، اندوه و رنج پایان پذیری را به ارمغان خواهد آورد و با سپید شدن هر تار مو و آشکار شدن هر خطی برچهره، گویی ذخیره حیاتی این گونه زنان پایان می پذیرد؛ زیرا از تنها وسیله دلگرمی و امید برای زندگی، چیزی باقی نمانده است. 1
این نویسنده سپس به تأثیر رعایت حجاب در رشد و تکامل شخصیت زن پرداخته و می گوید: در برابر این توصیه ها، ادیان توحیدی نیز شیوه ای توصیه کرده اند. یکی از مؤثرترین روش ها برای رشد شخصیت زن و آزادی از قید وابستگی به جلب توجه و خودنمایی، پوشیدگی و مستوری است. پوشیدگی برای دختران از زمره نیازهای اساسی برای رشد و بلوغ روانی در این مرحله است که باید در دوران نوجوانی تأمین شود. دختران با مستور نگه داشتن خویش به غیر از محدوده خانواده، در حقیقت اختصاصی بودن جلب توجه دیگران را می آموزند تا بعدها نیز از این گیرندگی و جذابیت در محدوده خانواده به طور سازنده استفاده کنند و این نهاد مقدس را تحکیم بخشند. این تمرین (حجاب) در حقیقت تعدیلی است در برابر خواست طبیعی، اما خامِ
1. همان، ص 49، مرحله چهارم رشد که اقتضای آن جذب و گیرندگی بود.

پوشیدگی دختران همانند رفتن به مدرسه در یک صبح سرد و زمستانی است که طبیعتاً با قبول رنج و تحمل فشار همراه است، اما برای هرز نرفتن نیروهای تعالی بخش و سازنده نوجوانان دختر و بعدها زنان، ضروری است؛ چنان که آیات حجاب نیز بدان اشاره کرده است. 1
نویسنده در پایان، زنان و دختران را متوجه ارزش های واقعی خود کرده و می گوید: مواهب خداوند به زنان تنها زیبایی ظاهری نیست که با پایان یافتن آن، زن به پایان نقش خود در حیات اجتماعی نزدیک شود؛ ارزش زنان به کسب کمالات و فضلیت های اخلاقی و انسانی و جلب رضای خداوند متعال است، نه اصرار بیهوده بر جلب توجه دیگران؛ متأسفانه بزرگترین بازنده این بازی، زنان خواهند بود. 2

3. ارزشمند شدن زن

یکی دیگر از ثمرات حجاب برای زن، گران بهاتر شدن او برای مرد و در نتیجه، به وجود آمدن عشق است که لذّت بخش ترین عواطف انسانی به شمار می آید. نیاز به دوست داشتن و محبوب دیگران واقع شدن که در سلسله مراتب "مزلو" قرار دارد، یکی از نیازهای مهم هر انسان است. میزان این نیاز در زنان بیش از مردان است؛ زیرا موجودیت روانی و شخصیتی زن به این است که مورد توجّه و محبت دیگران، به ویژه نزدیکانش مثل پدر، مادر، شوهر و فرزندان قرار گیرد به طوری که اگر

1. همان، ص 51. 2. همان، ص 55

این جایگاه را نداشته باشد، امید خود را از زندگی از دست می دهد. به عبارت دیگر، شکست در عشق، شکست در همه چیز اوست. "زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه به او مایه حیات اوست ". 1

به گفته شهید مطهری "آفرینش مرد، را مظهر طلب و عشق، و زن را مظهر محبوبیّت و معشوقیّت قرار داده است. احساسات مرد نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است. احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است". 2 بنابراین یکی از خواسته های جدی زنان این است که محبوب همسرانشان قرار گیرند و شوهرانشان به آن ها عشق بورزند. این مطلب از روایات نیز به دست می آید که ما برای نمونه، به چند روایت اشاره می کنیم:

قالَ رسول الله صلی اللّه علیه و اله: "قَولُ الرَّجُلِ لِلْمَرْاَهِ اِنّی اُحِبّکَ، لایَذْهَبُ مِنْ قَلْبِها اَبَداً".3 یعنی اگر مردی به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، هرگز از خاطرش محو نمی شود. این نشانه نیازی است که زن به مورد توجّه بودن، به ویژه از طرف شوهر دارد.

قالَ الصّادِقُ علَیه السَّلام: "مِنْ اَخْلاقِ الانبیاء صَلَّی الله عَلیهِم حبُّ النِّساء".4 دوستی و محبت به زنان، از خلق و خوی پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)است. قالَ الصّادِق علَیه السَّلام: "ما اَظنُّ رَجُلاً یَزدادُ فِی الایمانِ خَیراً، اِلّا اِزدادَ حبّاً لِلنِّساء".5 گمان نمی کنم ایمان مردی زیاد شود، مگر آن که (به سبب آن) دوستی و محبتش به زنان (همسر و زنان محرم) افزون گردد.

1. ویل د ورانت، لذات نلسفه، عباس زریاب، ص 135.
2. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (حقوق زن در اسلام)، ص 135. 3. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعة، ج 20، ص 23. 4. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج 5، ص 320.

5. همان.

همچنین از بعضی روایات به دست می آید که به دختران و زنان بیش از مردان محبت کنید. در روایتی ابن عباس از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)نقل می کند: "مَنْ دَخَلَ السّوقَ فَاشْتَرى تحفَةً فَحَمَلَها اِلى عَيالِهِ، كانَ كَحامِلِ صَدَقَةً اِلى قَومٍ مَحاويجِ وَلِيَبدَا بِالْاِناثِ قَبلَ الذُّكورِ، فَاِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ انثى فَكَاَنَّما اَعتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ اِسْماعيلَ ". 1 هر کس وارد بازار شود و تحفه و هدیه ای برای خانواده خود بخرد، چون کسی است که صدقه ای برای گروهی نیازمند می برد و اگر بخواهد آنچه را به خانه برده بین آنان تقسیم کند، از دختران شروع کند؛ زیرا هر که دختر خود را خوشحال کند همانند آن است که اسیری را از اولاد اسماعیل آزاد کرده است.
پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)در حدیث دیگری می فرماید: "مَنْ كانَ لَهُ انثى فَلَنْ يُبِدْها وَلَنْ يُهِنْها وَلَم يوثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْها اَدْخَلَهُ الله الْجَنَّةَ ". 2 هر کس دختری داشته باشدکه حقوقش را پایمال نکند، او را تحقیر ننماید و پسرش را بر او مقدم ندارد، خداوند به واسطه این عمل او را به بهشت می برد و نیز امام رضا (علیه السلام)از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)نقل می کند: "اِنَ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالى عَلَى الاِناثِ اَرَقّ مِنْه عَلَى الذُّكُورِ، وَ ما مِنْ رَجلٍ يَدْخل فَرْحَةً عَلى إمْرَاءٍ بَيْنَه وَ بَيْنَها حرْمَةً اِلاّ فَرَحَهُ الله يَومَ الْقِيامَةِ ".3 همانا خداوند بلندمرتبه در مورد زنان مهربان تر از مردان است. پس هر مردی زنی از محارم خود را شاد کند، خدا عوض این کار، او را در روز قیامت شاد گرداند. نیز فرمودند: "خَيْر كمْ خَيْر كُمْ لِنِسائِهِ وَ بَناتِهِ ".4 بهترین شما کسی است که برای زنان و دختران خود بهتر باشد.
1. محمد با قر مجلسی، بحار الانوار، ج 101، ص 104،
2. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 15، ص 118.
3. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعة، ج 21، ص 67.
4. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص 318. در باب محبت و دوستی به والدین نیز، در دین اسلام توجّه بیشتری
به نیکی و احسان به مادر شده است. امام صادق (علیه السلام)فرمود: "جاءَ رَجُلٌ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقالَ: يا رَسُولَ اللهِ مَنْ اَبَرّ؟ قالَ: اُمُّكَ، قالَ ثمَّ مَنْ؟ قالَ: أمُّكَ، قالَ ثمَّ مّنْ؟ قالَ: اُمُّكَ، قالَ ثمَّ مّنْ؟ قالَ: اَباكَ ". 1 مردی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کرد: به چه کسی احسان و نیکی کنم؟ پیامبر خدا فرمود: به مادرت، مرد پرسیدهء سپس به چه کسی؟ پیامبر خدا فرمود: به مادرت. مرد پرسید: سپس به چه کسی؟ پیامبر فرمود: به مادرت، مرد پرسید: سپس به چه کسی؟ پیامبر خدا فرمود: به پدرت. نیز در حدیث دیگری فرمود: "اِذا دَعاكَ اَبَواكَ، فَاَجِبْ أمَّك".2 هنگامی که پدر و مادرت هم زمان تو را می خوانند،

مادرت را َاجابت کن. از این دو روایت به دست می آید که محبت به مادر، باید چند برابر محبت به پدر باشد و این از نیاز بیشتر مادر، به عنوان یک زن، به محبت و دوستی خبر می دهد. بنابراین در دین اسلام، بر توجه و محبت به زن در سه مقطع زمانی تأکید شده است: 1. زمانی که دختر است، پدر و مادر به او بیشتر محبت
کنند؛ 2. بعد از ازدواج مورد محبت زیاد شو هرش باشد؛3. زمانی که مادر می شود از طرف فرزندان مورد محبت و توجه خاص قرار گیرد. پس از این همه تأکید اسلام به محبت و دوستی به زن می توان نتیجه گرفت که علت اصلی این کار، نیاز بیشتری است که زنان و دختران به توجه و محبت دیگران دارند تا بتوانند نقش مهم خود را، که تزریق عشق و عاطفه به جامعه است، به خوبی ایفاکنند.
1.محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعة، ج 21، ص 491.
2. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص 414. ویل دورانت نیاز اصلی زن را در زندگی زناشویی، مورد محبت و توجه مرد قرار گرفتن می داند و در این باره می نویسد:
میگویند زنان بیشتر به دنبال ستایش ها و تحسین های مطلق، مبهم مر دان اند، بیشتر می خواهند که مردان به خوا ست آن ها توجه کنند، این امر از میل آن ها به لذت جنسی بیشتر است؛ در خیلی از موارد لذت محبوب بودن، آنان را بیشتر خرسند می سازد. 1
به یقین اگر زنان مورد بی مهری و بی توجهی قرارگیرند یا تحقیر شوند، بیشتر در معرض ناراحتی ها و مشکلات روانی قرار می گیرند و از سلامت روانی مناسبی برخوردار نمی شوند. آنان زمانی می توانند این نیاز را در خود تامین کنند که ارزش واقعی خود را به عنوان یک انسان از دست ندهند. مسأله مهمی که در این جا مطرح می شود، این است که زن از چه راهی می تواند ارزش واقعی خود را حفظ کند. اسلام و دیگر ادیان الاهی، بهترین عامل حفظ ارزش زن را "حجاب" می دانند. بی تردید حجاب و خودداری های ظریفانه زن، او را در نظر مرد دوست داشتنی تر کرده، و مرد را آماده فداکاری و جان فشانی برای او می کند. در واقع نقش مهم حجاب برای زن حفظ جایگاه معشوقیت اوست.
حریم نگه داشتن زن در میان خود و مرد، یکی آز وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام، موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است . اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند.
اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و باوقاتر، عفیف تر حرکت کند، خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر
احترامش افزوده می شود... قرآن کریم پس از انکه توصیه میکند 1. ویل دورات، لذات فلسفه، عباس زریاب، ص 34. زنان خود را بپوشانند، می

فرماید: "ذلِکَ اَ دْنی اَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یؤْذَ یْنَ"
یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند، معلوم شودکه خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند، بهتر است، در نتیجه دورباش، حشمت آن ها مانع مزاحمت افراد سبک سر میگردد. 1
البتّه طبیعی است که وقتی زن زیبایی های خود را در معرض نمایش قرار می دهد، کم کم برای مردان عادی شده و اندک اندک از ارزش آن کاسته می شود؛ ولی وقتی زن خود را می پوشاند، نه تنها ارزش او کم نمی شود، بلکه برای مرد رویایی تر جلوه می کند.
حجب برای دختر همچون وسیله دفاعی است که به او اجازه می دهد تا از میان خواستگاران خود، شایسته ترین آنان را برگزیند، یا خواستگار خود را ناچار سازدکه پیش از دست یافتن بر وی، به تهذیب خود بپردازد. موانعی که حجب و عفّت زنان در برابر شهوت مردان ایجاد کرده، خود عاملی است که عاطفه و عشق شاعرانه را پدید آورده و ارزش زن را در چشم مرد بالا برده است. 2
بنابراین همان طورکه پوشش زن جذّابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر می کند و ارزش و بهای او را بالا می برد، بی حجایی و خودنمایی در بین انظار عمومی، از جذّابیت و ارزش زن می کاهد وکشش و جاذبه او را پایین می آورد و باعث محرومیت او از به دست آوردن مقام معشوقیت نزد مرد (شوهر یا نامزدش) می شود. البته زنی که خود را در معرض تماشای عمومی می گذارد و با انواع آرایش ها و عشوه های زنانه، سعی در جلب نظر مردان دارد، ممکن است چند صباحی احساس رضایت و خوشایندی از این کار داشته باشد، ولی به زودی متو جه می شودکه قدر و منزلتی نزد انسان های بس شخصیت و محترم ندارد و خریدارش فقط مردان پست و شهوت پرستی هستند که او را تنها برای بر طرف ساختن غرایز حیوانی خود می خواهند و این در حالی است که بین آنان هرگز رابطه عاشقانه به وجود نمی آید. راسل، 1 در ابن مورد می نو سسد:
تصور من بر این امر است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیابد، احساس آن مرد نسبت به آن زن، یک نوع احساس عاشقانه عمیق نمی تواند باشد. 2
بنابراین هر چه زن در روابط خود با مرد آزادتر باشد و کمتر حریم حجاب را رعایت کند، ارزش انسانی خود را از دست می دهد و به وسیله ای برای اطفای شهوست های مرد تبد یل می شود، بدون این که جایگاهی در قلب او به دست آورد و در نتیجه، با دست نیافتن به این جایگاه و ارضا نشدن نیازش به عشق و محبت، در معرض مشکلات و اختلال های روانی قرار می گیرد و اندک اندکی سلامت روانی خود را از دست می دهد.

4. تعدیل کننده غر یزه خودنمایی و تبرّج

پوشش و حجاب به دلیل این که نقش اساسی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تبرّج زن دارد، عامل مهمی برای جلوگیری از بخش بزرگی از پریشانی ها و دغدغه های فکری زن به شمار می آید؛ زیرا آزادی زن در خودآرایی و به نمایش گذاشتن جلوه های زنانه در بین جامعه، باعث

1.Russel,B.

2. بر تراند راسل، زناشویی و اخلاق، مهدی افشار، ص 79.

افراط در تجمّل و توجّه به زیبایی های ظاهری می شود که این توجه افراطی، می تواند بروز اختلال های روانی را در زن در پی داشته باشد. توضیح مطلب این که وقتی زن بی حجاب و آرایش کرده در بین مردان ظاهر می شود، طبعاً عده ای خوششان می آید و او را مورد تحسین و تکریم (ظاهری) قرار می دهند. به همین دلیل همواره سعی می کند وضع ظاهری خود را طوری قرار دهد که بیشتر مو رد پسند آن ها قرارگیرد معمولاًا ین گونه زنان و دختران برای این که زیباتر شوند، هر روز وقت زیادی را صرف آرایش و تقلید از مدهای جدید می کنند. این روند می تواند ناراحتی های روانی زیادی را برای آنان ایجاد کند؛ زیرا به دلیل این که همیشه کارها به دلخواه پیش نمی رود، باعث بروز نگرانی هایی برای آن ها می شود. برای مثال این تصوّرکه آیا با صرف این همه وقت و هزینه مالی توانسته اند نظر دیگران را به طرف خود بکشند و مورد پسند آنان شوند یا به عکس، مورد تمسخر و تحقیر آنان اند، می تواند همواره ذهن آن ها را به خود مشغول کند و یا ایشان را به موجوداتی نگران تبدیل سازد. دلیل بعدی که می تواند بر نگرانی آن ها بیفزاید، این تصور است که هر لحظه رقیبی زیباتر از راه برسد و شکار آن ها را برباید نیز دلیل دیگری که باعث ناراحتی برای آن ها می شود، این است که می بینند به مرور زمان از زیبا یی شان کاسته می شود و زنان جوان تر و زیباتر جای آن ها را می گیرند و نقش آن ها را در ربودن دل ها کمتر می کنند. آن ها برای اینکه در این رقابت، ضعف خود را جبران کنند، دست به کارهای مختلفی می زدند؛یعنی تنوع طلبی بیشتری در لباس، آرایش، در جلوه گری و خودآرایی است که البته نتیجهٔ چندانی برایشان ندارد هنگامی که یک زن در اثر آزادی در خودآرایی و جلوه گری به چنین احساسی رسید، به زودی متو جه می شو د که در این رقابت، دیگر توان مقابله با زنان زیبا و جوان را ندارد، به ویژه وقتی پا به سن می گذارد این احساس تلخ در او بیشتر می شود؛ زیرا می بیند همان مردانی که چندی پیش خریدار نازها وکرشمه

های او بودند، دیگر خاضر نیستند با او رفت و آمد داشته باشند و بهای چندانی به او نمی دهند. این جاست که زن دچار افسردگی و اضطراب می شود و حتی گاه دیده شده که دست به خودکشی می زند. نویسنده کتاب چهرة عریان زن عرب می نویسد:
زیبایی، به نمایش برجستگی های بدن و آرایشی که اضطراب درونی، فقدان اعتماد به نفس را پنهان میکند، نیست؛ بلکه پیش از هر چیز مدیون قدرت تفکر، سلامت جسم، کمال نفس است. چه بسیار دخترانی که به سبب شوق دستیابی به نشانه های مقبول زیبایی، زنانگی، به اختلالات روانی، اضطرابات گوناگون دچار نگردیده اند. گمان وتصور یک دختر این است که زندگی، آینده اش به اندازه بینی، یا خمیدگی مژه هایش بستگی دارد، تا آن جا که حتی یک میلیمتر کوتاهی طول مژه نیز می تواند به مسأله ای جدی، بحرانی واقعی در زندگی او تبدیل شود. 1
آنچه این مشکل را حادتر می کند، این است که زنان بدحجاب، خیلی زودتر از زنان دیگر زیبایی خود را از دست می دهند؛ زیرا در علم پزشکی اثبات شده است که برهنگی اعضای زن در محیط گرم یا سرد، سبب به هم خوردن تعادل چربی های زیر پوست شده، لطافت، ظرافت و صافی عضلات را به ناهمواری و مردانه شدن آنها مبدل می کند. 2 افزون بر این که وقتی زن تمام
1. نوال السعداوی، چهره عریان زن عرب، حمید فروتن، ص 167. 2. سید رضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 19، ص6. زیبایی های خود را در معرض تماشای عموم قرار داد، دیگر چیزی برای جلب نظر ندارد و براساس قانون عرضه و تقاضا، ارزش خود را از دست خواهد داد. بنابراین بدحجابی، هم از نظر جسمی و هم از جهت روانی، از زیبایی زن می کاهد و این خود عاملی در تشدید سرخوردگی و ناراحتی زن می باشد. اما برعکس، رعایت حجاب سبب افزایش زیبایی زن می شود. امام علی(علیه السلام)در روایتی می فرماید: "زَکاةُ الْجَمالِ العِفاف ". 1 عفت و حجاب، سبب افزایش و رشد زیبایی می شود و نیز آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: "صِیانَةُ الْمَرْأَهِ انعَم لِحالِها { وَ اَدْوَمُ } لِجَمالِها". 2 پوشش و حجاب برای حال زن بهتر است و سبب دوام زیبایی او می شود.

5. افزایش احساس خودارزشمندی 3

حجاب، مانند دیگر احکام اسلام، به عنوان نشانه ای از یک مکتب و ایدوئولوژی الاهی، به ز نان و دختران باحجاب، احساس ارزشمندی و افتخار می دهد؛ زیرا ایدئولوژی و جهان بینی الاهی، یعنی داشتن ایمان به خداوند و این که آغاز و انجام جهان به دست خداست و ما انسان ها بندگان او هستیم و زندگی و مرگمان برای اوست، به زندگی انسان محتوا و ارزش می دهد و او را از احساس پوچی و در نتیجه از شکنندگی و بی هویتی خارج می کند؛ محتوا و ارزشی که برای آن زندگی می کند و در مقابل تمام مشکلات و سختی ها صبور است.

1. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 7، ص 46.
2. همان، ج 14، ص 255.
3.Self-Worth.

زنان وقتی با این تفکر، حجاب و پوشش را برمی گزینند، احساس می کنند با این کار به خدا نزدیک تر شده اند و مورد نظر و رحمت او هستند. افزون بر این که با پوشش و حجاب، نزد انسان های مؤمن نیز محترم هستند و از جایگاه ویژه ای به عنوان یک مسلمان معتقد برخوردار هستند و حتی در نظر افراد غیر مسلمان نیز به وقار و پاک دامنی شناخته می شوند و احترام خاصی می یابند. به یقین چنین احساسی برای زن مسلمان و باحجاب، لذت بخش و آرامش دهنده است و باعث می شود احساس ارزشمندی و احترام کند.
در واقع یکی از حکمت های حجاب زن، حفظ احترام و شخصیت انسانی اوست. به همین دلیل اسلام به آنان دستور داده است برای حفظ حرمت خود، حجاب را مراعات کنند و به مردان نیز دستور داده از نگاه شهوت انگیز و حیوانی به زنان، و نیز از هر گونه لذت بری جنسی خارج از دایره ازدواج، جداً پرهیز کنند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی می فرماید: "لا حرْمَةَ لِنِساءِ اَهْلِ الذمَّهِ اَنْ ینْظَرَ اِلی شَعُورِهِنَّ وَ اَیْدیهِنَّ 1". یعنی احترامی برای زنان غیرمسلمان نیست تا به موها و دست ها یشان نگاه نشود بنابراین در فرهنگ اسلام، حجاب نوعی احترام به زن و حرمت برای او است که نامحرمان به او دید حیوانی نداشته باشند، ولی این حرمت برای زن کافر نیست 2
اما وقتی زن به دلیل ضعف ایمان یا بی اعتقادی، باحجاب نیست و در نتیجه از یک منبع آرام بخش بسیار قوی به نام دین محروم است،

1. عبد العلی ابن جمعه الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 590،

2. عبد الله جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ص 426.

احساس پوچی و بی ارزشی 1 می کند؛ زیرا تکیه گاه محکمی برای خود و دلیلی برای زندگی نمی یابد. او به ناچار برای رهایی از این احساس تخریب گر و رسیدن به پایگاهی فکری که بتواند به آن تکیه کند، تلاش می کند؛ ولی چون پایگاه منطقی و عقلانی قابل اعتمادی نمی یابد، می کوشد در صورت توان، با روی آوردن به علم و تحصیل و به دست آوردن مدارج علمی و امثال آن، به زندگی خود معنایی بدهد که تجربه زندگی غربی نشان داده این راه حل، موقّتی و زودگذر است. اما اگر در این راه موفق نشود و نتواند برای خود پایگاه فکری، هر چند در حد ضعیف و ناقص دست و پا کند، به تدریج دچار احساس بی ارزشی و کمبود شخصیتی وخلاء عاطفی می شود.
این حالت در زن باعث می شود او به هر وسیله ای دست یابد تا ممکن است خود را از شر این احساس شکننده نجات دهد؛ اما چون هیچ کمالی در خود نمی بیند تا از راه آن به زندگی خود معنا بدهد، از بدن خود کمک می گیرد و با برهنگی و خودنمایی، می کوشد توجه دیگران را به خود بکشاند تا مورد تحسین آنان قرار گیرد و از این راه، نیاز خود را به توجه برطرف سازد.
نیاز به توجه و احترام که در سلسله مراتب نیازهای اساسی مز لو قرار دارد، یکی از نیازهای مهم عاطفی انسان است. هر انسانی نیازمند آن است که در نظر دیگران فردی بالیاقت و شایسته باشد و در نتیجه مورد احترام و ستایش آنان قرار گیرد و احساس حرمت خود 2 داشته باشد.
مزلو در این باره می نویسد:
.Worthlessness.1
.Self-Esteem.2

ارضای نیاز به عزت نفس، به احساساتی از قبیل اعتماد به نَفس، ارزش، قدرت، لیاقت، کفایت ومفید و مثمر ثمر بودن در جهان منتهی می شود؛ اما بی اعتنایی به این نیازها، موجب احساساتی از قبیل حقارت، ضعف و درماندگی می شود. این احساسات یا به وجود آورندة دلسردی و یأس اساسی خواهد شد و یا این که گرایش های روان نژندانه یا جبرانی را به وجود خواهد آورد. 1
بی شک افراط زن در خودآرایی و برهنگی، می تواند یکی از همین رفتارهای روان نژندانه به شمار می آید که جبرانی برای خلاء عاطفی و شخصیتی وی باشد. بنابراین می توان گفت معمولاً بی حجابی یا بدحجابی، در زنان و دخترانی دیده می شود که از درون تهی هستند و پایگاه

شخصیتی محکمی ندارند. ولی کسانی که از ثبات فکری و در نتیجه از ثبات عاطفی برخوردارند، با وقار ترند و پوشش مناسب تری دارند. حتی اگر به میزان پوشش دختران تیزهوش و خلاق آمریکایی در برابر دختران معمولی آنان نگاه کنیم، تغییر محسوسی می بینیم. پس می توان گفت بی حجابی و برهنگی، از ضعف شخصیت، خود کم بینی و عدم ارضای صحیح میل به خودنمایی و ناز به احترام و عزت نفس حکایت دارد، در حالی که حجاب و پوشیدگی اگر همراه با نگرش و باور دینی باشد، این خلاء را جبران می کند.
مطلب دیگر این که گرچه یکی از عوامل بی بندوباری و افراط زنان در خودنمایی و تبرّج، احساس خلاء وکمبود عاطفی است که در آنان به وجود آمده، ولی در این جا می توان گفت عکس مطلب هم صحیح است؛ یعنی افراط در بدحجابی و نمایش زیبایی های جسمانی نیز می تواند
1. آبراهام مزلو، انگیزش و هیجان، احمد رضوانی، ص82 .

عامل احساس حقارت، درماندگی و کمبود عاطفی در زن باشد و آن را تشدید کند؛ زیرا آسیب های اجتماعی که از این راه متوجه زن می گردد، باعث می شود آنان دارای شخصیتی متزلزل و وابسته شوند؛ شخصیتی که به خواسته های مردان هرزه وابسته است، این مردان، که محبت و علاقه شان حقیقی نیست و فقط به دنبال ارضای غرایز حیوانی خود هستند و به چیزی جز بهره کشی جنسی نمی اندیشند و حاضرند برای ارضای این غرایز، تمام شرف و شخصیت زن را قربانی کنند. آیا خفتی از این بالاتر برای زن وجود داردکه تمام ارزش و سرمایه خود را به طور رایگان در اختیار مردان حیوان صفتی قرار دهد که یا برای ارضای غرایز شهوانی خود اظهار دوستی می کنند یا برای رسیدن به پول و ثروت از زیبایی زنان بهره می برند؛ چنان که یکی از نویسندگان عرب می گوید: زن امروزی به حدی از بیگانگی و خود باختگی رسیده که روح، جسم او در اختیار دیگران است. او اختیاری حتی بر جسمش نداردکه به میل خود به آن بپردازد، بلکه باید ببیند مُد از او چه می خواهد، پسند مشتریان در چیست، اربابان سرمایه دار مد در پاریس یا نیویورک چه چیزی را مناسسب با تن او می دانند. 1
همچنین مهاتما گاندی رهبر آزادی خواه هند گوید:
ای زنان ! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب توجه شهوت مردان است، از این کار خود جدأ خوداری کنید، زیر بار چنین خقتی نروید. 2
1. نوال السعداوی، چهره عریان زن عرب، ص 146.
2. احمد صبور اردوبادی، آیین بهزیستی، ص158.

با این فرض می توان تصورکرد کهِ وقتی دختران و زنان بدحجاب متوجه

این بی حرمتی ها می شوند، عمیقاً دچار عذاب روحی می شوند و از این که چنین خیانتی به آنان شده خشمگین و ناراحت می گردند. خانم سیمون دوبووار 1 دانشمند و حقوقدان معروف فرانسوی می نویسد:

دختران جوان دوست دارند مردان خود آن ها را بخواهند، نه برقراری رابطه جنسی با آنان را؛ فلذا نگاه های مردان در عین اینکه آن ها رآ می ستاید، آزار هم می دهد. هوس مذکّر به همان اندازه که تحسین است، توهین است. دختران طبیعتاً اگر احساس کنند مردان به بدن آن ها نظر جنسی دارند، سعی می کنند خود را بپوشانند؛ شرم، حیا از همین جا معلوم می شود. 2

ویلبام جیمز 3 روان شناس معر وف امریکایی نیز می نویسد:

زنان دریافتند که دست و دلبازی، مایه طعن، تحقیر است، این امر را به دختران خود یاد دادند. 4

از پیامدهای دیگر روابط آزاد، کاهش سطح مشارکت اجتماعی و علمی زنان است. توجه به آرایش و سرگرم شدن زنان به روابط ناصحیح و پوشش های ناهنجار، آنان را نه تنها از اهداف تکاملی که خداوند برایشان آفریده باز می دارد، بلکه از طرفی باعث پایین آمدن کیفیت و ظایف مادری و همسری، و از طرف دیگر کاهش سطح مشارکت پذیری زنان می شود امروز برای نمونه سطح مشارکت پذیری زنان آمریکا که افتخار لیبرال دموکراسی غرب است، در تمام سطوح علمی، آموزشی،

.Beauvior,S.D.1

2. سیمون دوبووار، جنس دوم، حسین مهری، ص56.

James,W. .3

4 به نقل از ویل دورانت، لذات فلسفه، عباس زریاب،ص 129. پژوهشی، سیاسی و اجتماعی بسیار پایین است. بالاترین میزان مشارکت آنان در عالی ترین سطح علمی و اجتماعی، چهارده در صد و در عرصه سیاسی کمتر از ده در صد است. بیشترین آمار مشارکت آن ها در امور خدماتی و سرگرمی، و ایجاد منبع درآمدی از راه نیازهای جنسی است. شاید یکی از علل شیوع هیستری 1 در بین زنان این است که چون می خواهند از راه بدن نمایی و جلب توجه جنس مخالف، برای خود پایگاه شخصیتی بنا کنند و موفق نمی گردند، به هیستری دچار می شوند. 2 همچنین علت بالا بودن خودکشی بین زنان تحصیل کرده غربی این است علم و پیشرفت های علمی، نتوانسته خلاء عاطفی وکمبود شخصیت آن ها را پر کند و از طرفی جلوه های جسمانی آن ها هم ارزش عرضه کردن خود را از دست داده، پس چاره ای جز خودکشی برای آن ها باقی نگذاشته است. 3 اوضاع غم انگیز زنان در غرب که به دلیل آزادی های بی حد و حضر در نمایش اعضای جنسی و شهوتی، هر روز ابعاد گسترده تری می یابد، گویای همین مطلب

است. در گزارشی که یکی از نویسندگان معاصر از زندگی زنان از جوامع غربی دارد، آمده است:
آزادی زنان در پوشیدن هر گونه لباس و آرایش ظاهری و هر نوع معاشرت با هر مردی، که ظواهر دل فریب، مهیّج، لذایذ کوتاه مدت این روش ها دختران بی تجربه و فاقد اعتفادات مذهبی را به سرعت جذب کرده میکند، نه تنها نتایج ارزشمندی برای زنان نداشته، بلکه برعکس، آنان را بیش از پیش حقیر نموده، احساسات آنان را
Hysteria.1.
2. سید رضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 1 1، ص 187-193.
3. همان، ص 225. جریحه دار ساخته است؛ زیرا در این روا بط، زنان به علت عمیق تر بودن احساسات عاطفی، به مراتب بیشتر از مردان از قطع ارتباط و جدایی ها، که بیشتر از جانب مردان و پسران صورت میگیرد، صدمه روحی می خورند و اغلب به گروه های ظاهراً مذهبی مسیحی که فقط به پول فکر میکنند، پناه می برند. 1
بنابراین، بدحجابی و بدن نمایی زنان، نه تنها به آن ها احساس ارزشمندی و عزت نفس نمی دهد، بلکه به خلاء عاطفی وکمبود شخصیتی آنان می افزاید و اندک اندک آن ها را دچار انواع و اقسام بیماری های روانی مثل اضطراب و افسردگی می کند و در نتیجه، سلأمت روانی شان را به مخاطره می اندازد.

از تفاوت های آشکار بین زن و مرد، تفاوت در میزان عواطف و احساسات است. خداوند متعال، احساسات و عواطف زن را قوی تر و متنوع تر از مرد قرار داده و نقش این عواطف در زندگی انسان بسیار مهّم و حیاتی است، به طوری که بدون آن، ادامه زندگی ناممکن می شود. این نقش می تواند از دو جهت باشد: نخست این که منبع مهم و عامل اصلی آرامش و سکون در زندگی زناشویی است، چنان که قرآن کریم می فرماید: "و مِنْ اياتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكمْ مِنْ اَنفسِكمْ اَزْواجاً لِتَسْكنوا اِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكم مَوَدةً وَ رَحْمَةً ".2 و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد.
بنابراین وجود عاطفه و احساسات در زندگی زن و مرد، عامل اصلی
1. منوچهر دبیر سیاقی، در غرب چه میگذرد، ص 31.
2. روم (30)، 21.

کشش و پیوند بین آن هاست که منبع اصلی آن را خداوند در وجود زن قرار داده است. این عواطف قوی، سبب ایجاد عشق و به تعبیر قرآن، مودّت می شود و همین عشق است که به زندگی انسان حیات و تازگی می بخشد. البته روشن است که این کشش و تمایل شدید زن و مرد به یکدیگر، غیر ازکشش غریزی و جنسی است، بلکه نیازی روانی و عاطفی است که آن ها به یکدیگر دارند و در سایه آن آرامش می یابند. در روایتی از امام صادق(علیه السلام)آمده است که خداوند پس از آفرینش آدم، حوا را آفرید. آدم پس از آگاهی از آفرینش حوا از پروردگار پرسید: این کیست که قرب و نگاه به او، مایه انس من می شود؟ خداوند فرمود: این بنده من حوا است. آیا دوست داری که با تو بوده و مایه انس تو شود و با تو سخن بگوید و نیرو تو باشد؟ آدم گفت: آری، پروردگارا تا زنده ام سپاس تو بر من لازم است. آن گاه خداوند فرمود: از من او را خواستگاری کن، چون صلاحیت همسری تو را از نظر تامین شهوت نیز دارد، و خداوند شهوت جنسی را به او بخشید. 1
از این روایت مشخص می شود که منشأگرایش او به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، مودّت و رحمتی است که خداوند بین آن ها قرار داده است و این مودّت و انس، پیش از ظهور غریزه شهوت جنسی هم در آدم بوده؛ زیرا جریان غریزه بعداً مطرح شد. بنابراین اگر قرآن مودّت و عشق بین زن و شوهر را از نشانه های قدرت خدا می داند، به دلیل اهمیت آن است و همان طور که گفتیم، این مودّت غیر از گرایش غریزی نر به ماده

است که در حیوانات هم وجود دارد.
1.ابی جعفر محمد بن عی الصدوق، علل الشرایع، ص 30.

دومین نقش مهم عواطف در زن، مسوولیت مادری است که آفرینش بر عهده او قرار داده است. مادر شدن که از بزرگ ترین و عالی ترین افتخارات زن است، تعیین کننده نقش اساسی عاطفه در وجود اوست. قرآن از استعداد شگفت انگیز تولید مثل زن به "قَرارٍ مَکینٍ "، 1 قرارگاه مطمئن، تعبیر می کند. این استعداد زمانی می تواند فعلیّت یابد که روح و روان زن سرشار از عاطفه باشد؛ زیرا عواطف معجزه آسای زن است که سبب به وجود آمدن انگیزه مادر شدن و سرورش فرزند می شود و دریک کلمه، رمز بقای نسل انسانی است. در واقع زن با تربیت فرزندان، عواطف انسانی را به آن ها منتقل می کند؛ عواطفی که جامعه انسانی سخت به آن نیازمند است و تمام مصیبت ها و مشکلات دنیای کنونی ازکمبود آن چشمه می گیرد. البته مهم این است که بدانیم چگونه باید از این منبع بسیار با ارزش حفاظت کرد و در رشد وگسترش آن کوشید تا خرابی و فساد در آن راه نیابد و نسل بشری متضرّر نگردد؟ اسلام یکی از راه های آن را واجب کردن حجاب می داند که، بهترین راه را برای حفظ و بقای عواطف و احساسات با ارزش و انسانی زن محسوب می شود؛ عواطفی که اگر در او نابود شود، نه تنها هسته روانی اش را تهدید می کند و او را دچار مشکلات روانی حادّ می سازد، بلکه جامعه انسانی را نیز به نابودی می کشاند. استادبزرگوار حضرت آیت الله جوادی آملی، دراین مورد سخن جامعی دارد: اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آو رد تا معلم
عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا،وفا، مانند آن شود، دنیای کنونی، 1. مومنون (23)، 13.

حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان لعبه به بازار بیاید وغریزه را تأمین کند. زن وقتی با سرمایه غریزه به جامعه آمد، دیگر معلّم عاطفه نیست " فرمان شهوت می دهد نه دستورگذشت.، لذا در غرب می بینیدکه کمتر اثری از رحم، شفقت هست، آنچه حاکم است، قدرت است، کشورهای ضعیف حق حیات ندارند. مردم محروم به هیچ وجه حق زندگی ندارند. آنان که سرنشینانی به کمک سفینه ها به فضای دور می فرستند، اما نزدیک ترین محیط از ستم و قهر آنان می سوزد. سرّش در آن است که زنِ منهای عاطفه، دستور غریزه و شهوت می دهد، شهوت، جز کوری و کری، چیزی به همراه ندارد. اما زن به علاوه حجاب، دستور عاطفه می دهد و عاطفه است که بنیان مرصوص، را نگه می دارد. این بنیان مرصوص، به

عنوان یک کاخ سربی است؛ هرگز نمی شودکاخی ساخت همه اش از آهن، سنگ سخت باشد، بلکه یک ملات نرم نیز لازم است تا سنگ های سرد، سخت و آهن های متصلّب را در آغوش خود جا بدهد. زن مظهر عواطف، احساسات است، اگر عاطفه را از جامعه گرفتید، مثل آن است که این ملات ها را از لا به لای این دیوارها و آجرها و سنگ ها برداشته اید که رفتن این ملات ها همان، و سقوط آن قصر همان. لذا اسلام اصرار دارد که زن، با حجاب در جامعه بیاید؛ یعنی بیاید، که درس عفت، عاطفه بدهد، نه اینکه بیاید درس شهوت، غریزه بیاموزاند. اینکه دیده می شود دنیای استکبار تلاش و کوشش میکند که از غریزه و شهوت مدد بگیرد، برای آن است که می خواهد این ملات نرم را از جا درآورد، این بنیان مرصوص را فرسوده کند. تلاش وکوشش اسلام این است که این ملات را در همان حجاب، به اسم جدار، حفظ کند تا این بنیان مرصوص سالم بماند، اگر دستور عاطفه می دهد، برای آن است که در جای خود قرارگرفته است، اگر از جای خود به درآید ملعبه می شود؛ چه اینکه آزمون غرب کاملاً آن را نشان داده است. 1
بنابراین، اگر زنان حجاب و پوشش نداشته باشند و در مقابل مردان حریم خود را حفظ نکنند، به مرور زمان، به موجودات سرد و بی عاطفه تبدیل می شوند که نه تنها از رسیدن به کمال و شکوفایی انسانی باز می مانند، بلکه دچار مشکلات روحی و روانی جبران ناپذیری خواهند شد؛ افزون براین که تمام جامعه را نیز به ورطة ونابودی می کشانند. 1. عبدالله جوادی آملی زن در آیینه جلال و جمال، ص 372.

7. پایبندی به اصول اخلاق انسانی

یکی از ضروری ترین نیازهای آدمی در رسیدن به سلامت روانی، اخلاق و پایبندی به اصول آن است. انسان زمانی می تواند به سلامت و آرامش روانی برسد که در سایه ایمان و اخلاق زندگی کند. ایمان به خدا، بزرگ ترین پایگاه درونی هر فرد است که می تواند به تمام اضطراب ها، نگرانی ها و ترس های او خاتمه دهد؛ چنان که قرآن می فرماید : "اَلابِذِکْرِاللهِ تِطْمَئِنُّ الْقلوبِ ". 1 فقط با یاد خدا دل ها آرام می شود؛ همان آرامشی که نتیجه سلامت روانی فرد است.
شرط اصلی پایبندی به اخلاق، پرهیز از سقوط در پرتگاه شهوت های حیوانی است. پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم)در حدیثی، بزرگ ترین زمینه سقوط اخلاق را افتادن مردان و زنان در دام شهوت های جنسی می داند. 2 امام علی(علیه السلام)نیز در این باره می فرماید: "لَولا النِّساءُ لَعُبِدَ الله حَقّاً حَقّاً". 3 اگر بی حجابی و بی بندوباری زنان نبود، (آن قدر ایمان و اخلاق مردم خوب

1. رعد (13)، 28.
2. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): النساء حبائل الشیطان. (نوری، 1988، ج 14، ص 159).
3. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعیة، ج 20، ص 35.

می شد که هیچ کس نافرمانی خدا را نمی کرد و) خداوند حقیقتاً مورد پرستش قرار می گرفت. همچنین امام رضا(علیه السلام)وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایت ها و مفاسد اخلاقی معرفی می کند. 1 برای اتقان بیشتر مطلب، به چند روایت دیگر اشاره می کنیم:
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "ما تُرِکَ بَعْدی فِتنةٌ اَضَرَّ عَلَی الرجالِ مِنَ النِّساءِ". 2 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: پس از من برای مردان، فتنه ای زیان بارتر از زنان نخواهد بود.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "اِتَّقوا النِّساءَ فَاِنَّ اِبْلیسَ طَلّاعٌ رَصّادٌ وَما هُوَ بِشَیْءٍ مِنْ فُخوخِهِ بِاَوثَقَ لِصَیْدِهِ فِی الاَتْقیاءِ مِنَ النِّساءِ".3 پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)فرمودند: از شیطان بپرهیزید؛ زیرا شیطان (از حالت های درونی شما) بسیار آگاه و درکمین شماست و هیچ یک از دام های وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.
قال رَسولِ الله صلی الله علیه و آله: "اَوثَقُ سِلاحِ ابلیسَ اَلنِّساءُ".4 پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)فرمودند: محکم ترین سلاح شیطان، زنان هستند. بنابراین می توان نتیجه گرفت حفظ اخلاق و ایمان جوامع و

برقراری صلح و صفا، بستگی زیادی به حفظ حجاب و حریم زن و مرد دارد. این جاست که می توانیم به ارزش حجاب و پوشش زن پی ببریم و آن را

1. عن الرضا علیه السلام فیما کتب الیه من جواب مسائل: و حرم الله الزنا لما فیه من المفاسد من قتل النفس و ذهاب الانساب و ترک التربیه للاطفال و فساد المواریث و ما اشبه ذلک من وجوه الفساد. (همان، ص 311)
2. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 533.
3. همان، ص 10.
4. همان، ص 970.

عاملی مهم در حفظ اخلاق و راهی برای رسیدن به سلامت روانی بدانیم. ولتر 1 درباره نقش زن در حفظ اخلاق می گوید: وظیفه زنان، تهذیب اخلاق مردان است. نیز از اوست که: زن آفریده شد تا شیرازه سعادت و ارتقای موجودات پیوسته بماند. 2

به یقین اگر زن حجاب و پوشش مناسب نداشته باشد، عامل به وجود آمدن فساد در جامعه و نابودی اخلاق می شود و زمینه تنزل انسان را به حیوانیّت و متّصف شدن به صفت هایی چون بی وفایی، دروغگویی، حیله گری، تشتّت افکار و غیره به وجود می آورد و باعث می شود که انسان هر جنایتی را انجام دهد. بنابراین، بی حجابی می تواند به بستر مناسبی برای به وجود آمدن بیماری های روانی برای زنان و مردان تبدیل شود. چنانچه وضعیت کنونی جوامع غربی که پوشش و حجاب از ارزش های زن به شمار نمی آید، گویای این حقیقت است که بر اثر بی حجابی و برهنگی، فساد و فحشا چنان گسترش یافته است که دختران و پسران از خانواده خود هم در امان نیستند و زن که باید مظهر عاطفه و اخلاق باشد، عامل قساوت، بی رحمی، فساد، قتل، آدم ربایی و تجاوز به عنف شده است. اما وقتی ما برای روابط بین زن و مرد، حریم و قانونی چون حجاب قرار دهیم و لذت های جنسی را محصور در خانواده کنیم، هرگز به این مشکلات درمان ناپذیر روانی و روحی مبتلا نمی شویم و بهتر می توانیم زمینه رشد و شکوفا شدن استعدادهای انسانی و رسیدن به سلامت روانی افراد، به ویژه زنان و دختران را، آماده کنیم.

1. Voltaire.
2. ولتر به نقل از، احمد زرازوندی، افکار جاویدان، ص 81.

8 . حفظ استوا ری خانواده

اشاره

یکی دیگر از آثار و فواید حجاب که در سلامت روانی زنان تأتیر دارد، نقشی است که در پایبندی همسران به پیمان مقدس ازدواج دارد؛ زیرا حجاب و پوشش باعث می شود زن از نگاه های آلوده مردان هوس باز و گرفتار شدن به دام عشق های آزاد محفوظ بماند و به زندگی و خانواده خود وفادار باشد. در حالی که شیوع بی حجابی و بی بندوباری، باعث می شود شوهران به جای توجه و محبت به همسرانشان، به دنبال لذّت جویی از زنان آرایش کرده کوچه و بازار باشند و زنان نیز از جلوه گری و طنازی برای به دام انداختن مردان بیگانه، ابایی نداشته باشند و در نتیجه عشق و علاقه بین همسران از بین رفته و باعث فروپاشی خانواده شود.
اهمیت اسلام به حجاب و پوشش از آن جهت است که نظام خانواده ازگسستگی حفظ شود و اعضای آن از خطرها و آسیب های روانی بی بندوباری مصون بمانند. در حالی که آزادی زن در جلوه گری و نمایش زیبایی های زنانگی اش، آثارمخرّبی بر سلامت روانی خانواده و به ویژه خودش می گذارد؛ زیرا مفهوم بی حجابی این است که زن مجاز باشد برای هر مردی خودآرایی کند. بدون تردید ادامه این روند باعث می شود زن از خانه بیرون بیاید و آواره کوچه و خیابان گردد. این در حالی است که نشو و نمای نیروی فعّال زن در خانه و خانواده است و تمام استعدادها و قدرت تأثیر شگفتی که زن می تواند در رشد و تعالی جامعه انسانی داشته باشد، در سایه خانه و خانواده شکوفا می شود. به گفته لمبروزو "برای زن نیکوترین دوره زندگانی، همان دوره ای است که همه نیروهای روحی و جسمی او صرف پرداختن به خانواده و جامعه می شود". 1
1. جنیا لمبروزو، روح زن، حسام شهر ئیسی، ص 9.

آزاد شدن از قید خانه و خانواده، به معنای از دست دادن آرامش و امنیت روانی است. خانه را مسکن گویند؛ زیرا محل سکونت و آرامش روحی برای انسان است. اگر زن این جای امن و سکون و محل شکوفایی استعدادها و نیروهای درونی اش را از دست داد، آرامش و سلامت روانی خود را نیز از دست می دهد. فشارهای روانی که امروز دامن گیر زنان غربی شده، به این دلیل است که بی بندوباری و داشتن روابط جنسی، سبب شده از زندگی در خانه بیزار شوند، وظیفه مادری خود را فراموش کنند و به جای آن در قید و بند رقابت های زندگی مدرن امروزی بیفتند و تمام ارزش های معنوی خود را فدا کنند.
اینک یکی از نتایج عشق آزاد و تأثیر آن در به خطر انداختن سلامت روانی

زنان را یادآوری می کنیم. "در شوروی (سابق) در ضمن نخستین سال ها پس از انقلاب اکتبر، گرایش رسمی به طرف عشق آزاد جلب شد. ... انگلز 1 (فیلسوف و اقتصاددان آلمانی 1895- 1825)، زناشویی را یکی از شکل های تاریخی باقی مانده از سرمایه داری می پنداشت. بنابراین در شوروی پیوند آزاد همچون زناشویی، مورد موافقت بود و شناخته می شد و به نسبت گسترش شعور کمونیستی در توده ها، زناشوی بایستی کاملاً از بین می رفت و عشق آزاد جانشین آن می شد. نتیجه این تجربه کاملاً آشکار است؛خودکشی زنانی که ترک شده بودند، به نسبت، شیوع بیشتری یافت (و) افزایش آهنگ سقط جنین به طور جدی در جمعیت کشور اثر گذاشت و سلامت (جسمی و روانی) تعدادی از زنان را به مخاطره انداخت.... به طور غم انگیزی تعداد زیادی از کودکان ترک شده، آدم های خانه به دوش و آواره
.Enjels.1

و جانی، کسانی بودند که از پیوند عشق آزاد به دنیا آمده بودند. خلاصه اتحاد شوروی از دیدگاه اجتماعی شکست تجربه عشق آزاد را پذیرفت ".
1 امروزه ما شاهد تکرار این تجربه تلخ در جوامع غربی هستیم و پیش بینی ویل دورانت از روند بی بندو باری در غرب عملاً تحقق پیدا کرده است. وی در این باره می گوید:
به زودی زمانی خواهد رسیدکه هیچ مردی نخواهد خواست با زنی که با هم از تپَه زندگی بالا رفته بودند، پایین برود، ازدوا ج بی طلاق چنان نادر خواهد شدکه باکره در شب زفاف.2
وضع کنونی جوامع غربی بر اثر آزادی بی حد و حضر زنان در خودآرایی و دلبری، از این هم بدتر شده و بر اساس آمارهای موثّق، روز به روز به تعداد ازدواج های غیر رسمی افزوده می شود. دکتر مکّیه مزرا درباره آثار مخرّب آزادی روابط زن و مرد بر نظام خانواده، می نویسد:
یکی از آثار بی بندوباری این است که مردان از تشکیل خانواده خوداری میکنند؛ زیرا لذت های جنسی برای آن ها همیشه فراهم است و به آسانی می توانند به آن برسند، بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند.3
بدین ترتیب معلوم می شود که بی حجابی و بی بندوباری تا چه حد می تواند نظام خانواده را متزلزل کند و سلامت روانی اعضای آن را به خطر اندازد. ما در این جا تأثیر بی حجابی را بر تزلزل و فروپاشی خانواده از چند جهت بررسی می کنیم تا معلوم شود چگونه سست شدن ارکان خانواده، باعث از بین رفتن جایگاه زن می شود و نشاط و آرامش او را زیر سؤال می برد. 1. لپ اینیاس، روان شناسی عشق ورزیدن، کا ظم سا می، ص

189.
2. ويل دورانت، لذات فلسفه، عباس زرياب، ص 170.
3. مكيه مز را، مشكلات المرأة المعاصرة، ص 354.

8- 1. تاثیر گسترش فحشا و بی بند و باری درتزلزل خانواده

اگر زنان در جلوه گری و نمایش زیبایی های ظاهری خود در خارج از محدوده خانواده آزاد باشند، چگونه می توانند برای شوهران خود همسری باوفا باشند و در نتیجه مایه خرسندی خود وآرامشگر زندگی آنان باشند؟ آن ها به زودی محبت همسرانشان را از دست می دهند و عشق و صمیمیت، جای خود را به اختلاف و نزاع می دهد و نتیجه آن جز دچار شدن زنان به فشارهای روانی چیز دیگری نیست.
فلسفه پوشش، منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص، از لحاظ روا نی، عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ درحالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روا نی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود، در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی، نفرت پایة گذاری می شود. 1
برتراند راسل درباره اهمیت پیوندهای خانوادگی می نویسد:
زناشویی نباید ازنظرگاه عشق بازی های موقّتی نگریسته شود. اگر این عشق های موقتی و زودگذری که در سر راه هر زوج ممکن است قرار گیرد، با تحمل و اندیشه برطرف نگردد، چه بساکه هر یک از دو زوج به سوی دیگری متمایل شده و زندگی آن ها در هم ریخته شود و یک زناشویی تازه، شکوفه کند، این زناشویی تازه نیز خود دستخوش عشق
1. مر تضی مطهری، مجموعه آثار (مسأله حجاب)، ص437.

زودرس دیگری شود که در صورت تدا، م این وضع، چه بسا که به سرعت اساس خانواده مشترک در هم ریخته شود. 1
خانم لمبروزو نیز می گوید:
بارها دیده شده است در ممالکی که (زن ها) بیشتر طنازی و دلبری می نمایند، مردها نسبت به آن ها بدبین بوده، از قبول زناشویی سرپیچی میکنند و بارها مشاهده شده است که حتی بعد از تشکیل خانواده در اثر آشنایی مردان با اینگونه زنان، نفاق، جدایی میان همسرها تولیدگشته است. 2

2-8. افراط در مصرف وسایل آرایشی

از عوارض دیگر بدحجابی در به خطر انداختن کانون محبت خانواده، توجه به مدگرایی و مصرف بی رویه وسایل آرایشی و روی آوردن به کارهایی از قبیل جراحی پلاستیک برای زیباتر شدن و در نتیجه، صرف هزینه های فراوان است که برای بسیاری از مردان پرداخت آن مقدور نیست و یکی از این دو نتیجه را به دنبال دارد: یا باعث جنگ و نزاع همیشگی بین زن و شوهر می شود؛ زیرا مردان غالباً توان پرداخت چنین هزینه های سرسام آوری را ندارند و اگر هم برای مردی پرداخت آن مقدور باشد، خوشایند او نیست؛ چون از این که می بیند باید هزینه زیادی بپردازد تا همسرش در انظار عمومی و برای مردان بیگانه خود را نشان دهد، رنج می برد و از پرداخت آن اکراه دارد؛ و یا زنان از حسرت نداشتن آن غصه می خورند.
همه این ها نتیجه ای جز فشارهای روانی برای زنان ندارد.

1.برتراند راسل، زناشویی و اخلاق، مهدی افشار، ص 272.
2.جنیا لمبروزو، روح زن، حسام شهرئیس، ص 47.

8- 3. سرد مزاجی جنسی 1

مطالعات علمی نشان می دهد هرچه زنان در بین انظار عمومی بیشتر برهنه شوند، در آمیزش جنسی سرد مزاج تر خواهد بود و کمتر می توانند شوهران خود را به اوج لذت جنسی 2 برسانند. منطقی (1373) در مطالعه خود، تأثیر جاذبه های زنان را در آستانه ادراکی مردان بررسی می کند و نتیجه می گیرد که در اثر رعایت نکردن حجاب و افراط در جلوه گری زنان، آستانه ادراکی مردان تغییر کرده و درک آن ها از زیبایی زنان کمتر می شود. به گفته پاک نژاد (1365)، هرچه انسان ها در برابر یکدیگر عریان تر شوند، سطح برداشت جنسی و سکسی شان، سوز و عشق و جذبه اش کمتر و یک نواخت تر و نزدیک به یکدیگر می گردد و در عمل می بینیم متخصصان مامایی و زنان، زودتر از دیگران، به علت سرو کارشان با اعضای جنسی، با ارگاسم و اوج لذت جنسی وداع می کنند.3 از بین رفتن لذت جنسی در روابط بین زن وشوهر، اثرات زیان بخشی در روابط خانوادگی آنان گذاشته و به ایجاد تنش و جدایی و می انجامد؛ چنان که سعدی نیز درکتاب گلستان در ضمن یک حکایت می گوید:

"زن کز بر مرد بی رضا برخیزد بس فتنه و جنگ ازآن سرا برخیزد"4

1.Frigidity.

2.Orgasm.

3. سیدرضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 19، ص 39.

4.مصلح الدین شیرازی، گلستان، ص 142.

فصل چهارم : سلامت روانی و اضطراب

اشاره

سلامت روانی اضطراب

سلامت روانی، از بزرگ ترین نعمت های الاهی در زندگی انسان است. ارزش این نعمت از هر نعمتی بیشتر است، به حدی که هیچ چیز به پایه آن نمی رسد. از امام (علیه السلام) در این باره می فرماید: "اَلا وَ اِنَّ مِنَ الْبلاءِ الفاقَةَ وَ اَشَدُّ مِنَ الْفاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ اَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ. اَلا وَ مِنَ النِّعَمِ سِعَة الْمالِ وَ اَفْضَل مِنْ سِعَةِ الْمالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ اَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنْ تَقْوَی الْقَلْبِ ". 1 آگاه باشید که فقر نوعی گرفتاری است و سخت تر از فقر، بیماری تن و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است. آگاه باشید ثروت نوعی نعمت است و بهتر از ثروت، سلامت بدن و بهتر از سلامت بدن، پرهیزکاری قلب است. بنابراین سلامت روانی که در این روایت تحت عنوان پرهیزکاری قلب آورده شده، چون نقطه مقابل بیماری قلب است، نعمتی بی بدیل تلقی شده که باید برای آن سرمایه گذاری جدّی شود. افرادی که با بیماران روانی، عقب ماندگان ذهنی و معتادان به مواد مخدر و الکل سر وکار دارند، به طور کامل به این امر معتقدند.
بدیهی است بیماری های روانی مخصوص به قشر یا طبقه خاصی نبوده و تمام طبقات جامعه رادر برمی گیرد. به عبارت دیگر، امکان ابتلا به ناراحتی های روانی برای همه افراد جامعه وجود دارد و هیچ انسانی از
1. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 2، ص 143.

فشارهای روانی و اجتماعی آن مصون نیست و این خطری است که به شدت نسل فعلی و آینده را تهدید می کند.
زیان هایی که از بیماری های روانی به وجود می آید، در عناوینی مانند زیان های فرهنگی، عاطفی، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، خانوادگی و انسانی خلاصه می شود. به طور کلی باید گفت وجود بیمار روانی، به کار عادی و اقتصاد خانواده لطمه شدید وارد می کند و درآمد سرانه را کاهش می دهد. از لحاظ روابط انسانی هم دیگر اعضای خانواده را در وضع ناراحت و تاسف آوری قرار می دهد و خانواده ها باید صرف نظر از مخارج هنگفت و صرف وقت، فشار روانی شدیدی را برای نگهداری بیمار خود تحمل کنند. مراقبت و نگهداری بیمار روانی، زندگی خانواده را مختل و نشاط و رفاه فردی را از اعضای می گیرد. بیماران روانی برای سازمان های درمانی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی و انتظامی، مسأله ای بزرگ و پیچیده ای به شمار می آیند و در تخریب و ضایع کردن نیروهای انسانی تاثیر عمیقی می گذارد. 1

تعریف سلامت روانی

درباره این اصطلاح، تعریف یکسانی که پذیرفته همه باشد وجود ندارد؛ زیرا روشن شدن معنای سلامت روانی؛ به داشتن تعریف روشنی از اصطلاح بهنجاری وابسته است. اما با توجه به تعریف بهنجاری از دیدگاه های مختلف، پیچیدگی علوم رفتاری، عدم حد و مرز رفتار عادی وکمبود تحقیقات و مطالعات در بیماری های روانی، دیدگاه های فراوانی در مورد سلامت روانی وجود دار د. عده ای با دید پزشکی به آن می نگرند
1. بهر وز ملانی فر، بهداشت روانی، ص 35.

و سلامت و بهنجاری را نقطه مقابل بیماری جسمانی می دانند؛ در حالی که روان پزشکان و روان کاوان به این مطلب معتقد نیستند.
روان پزشکان فردی را سالم می دانند که در بر خورد با مشکلات اجتماعی بتواند رفتار خود را کنترل کند و به عبارت دیگر، در فعالیت های زیستی، روانی و اجتماعی، تعادل کافی داشته باشد. اما روان کاوان، سلامت روانی را در توانایی فرد برای ایجاد سازگاری بین نهاد و فرامن و استفاده از مکانیزم های دفاعی هنگام وارد آمدن ضربات شدید روانی به فرد می دانند.
با توجه به نکته های پیش گفته، در این جا به تعدادی از این تعریف ها اشاره می کنیم:
1. سازمان بهداشت جهانی 1 (1955): سلامت فکر و روان عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی، و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب. 2
2. لوینسون 3 (1962): سلامت روانی، احساس فرد در مورد خود، دنیای اطراف، محل زندگی، اطرافیان است؛ به ویژه با توجه به مسوولیتی که فرد در مقابل دیگران دارد، چگونگی سازش وی با درآمد خود و شناخت موقعیت مکانی و زمانی خویش سلامت روانی شمرده می شود. 4 3.
گنجی: سلامت روانی، استعداد روان برای هماهنگ، خوشایند
.World Health Organization.1
2. سازمان بهداشت جهانی، به نقل از بهروز میلانی فر، بهداشت روانی، ص 15.
Levinson. .3
4. لوینسون، به نقل از همان.

ومؤثر کارکردن و در موقعیت های دشوار انعطاف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود توانایی داشتن است. 1
4. کارل مننجر 2: سلامت روانی عبارت است از سازش فرد با جهان اطرافش به حداکثرامکان، به طوری که باعث شادی و برداشت مفید و مؤثر به طورکامل باشد.3
5. گیزنبرگ4: تسلط و مهارت در ارتباط صحیح با محیط، به خصوص در سه فضای مهم زندگی؛ عشق، کار و تفریح.5
6. شعاری نژاد: به آن حالت نسبتاً ثابت شخص گفته می شود که می تواند خوب سازش کند، رغبت و شوق زندگی دارد، و خودتحققی 6یا خودسازی است.7
1. حمزه گنجی، بهداشت روانی، ص 13. 30
Karl Menninger.2.
3. کارل مننجر، به نقل از بهروز میلانی فر، بهداشت روانی، ص 15.
.Ginsburg.4
5. کیزنبرگ به نقل از همان، ص 16.
.Self-realization.6
7. علی ا کبر شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، ص 238.

اضطراب

اشاره

اضطراب به منزله بخشی از زندگی انسان هاست که حد متعادلی از آن در همه افراد وجود دارد و پاسخی سازش یافته برای محرّک های درونی و بیرونی تلقی می شود؛ به گونه ای که اگر نباشد، زندگی عادی انسان را مختل می سازد. به گفته استیفن 8 "اگر اضطراب نبود، همه ما پشت میزهایمان به خواب می رفتیم " 9 (به نقل ازکامر، 1995 10).
.Stephan,M.P.8
9. پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی از کودکی تابزرگسالی، ج 1، ص 60.

اضطراب در پاره ای از مواقع سازندگی و خلاقّیت در فرد پدید می آورد، امکان تجسّم موقعیت ها و سلطه بر آن ها را فراهم می سازد و وی را برای مواجه شدن با مسوولیت های مهمی مانند آماده شدن برای امتحان یا پذیرفتن وظیفه اجتماعی برمی انگیزد. برای مثال اضطراب انسان را وادار می کند تا به موقع از خواب بیدار شود و سر کارش حاضر باشد، هنگام رانندگی خوابش نبرد، از پول و اشیای قیمتی خود مراقبت کند و برای کارهای مهم زندگی اش برنامه ریزی نماید.
بنابراین اضطراب به منزله بخشی از زندگی هر انسان، یکی از مؤلّفه های ساختار شخصیت وی را تشکیل می دهد و از این زاویه است که پاره ای از اضطراب های کودکی و نوجوانی را می توان بهنجار دانست و تأثیر مثبت آن ها را بر فرایند زندگی پذیرفت؛ چرا که این فرصت را برای افراد فراهم می آورد تا مکانیزم های سازشی خود را در راه مواجهه با منابع تنیدگی زا 1 و اضطراب انگیز گسترش دهد. پس اضظراب لزوماً پدیده ای نابهنجار و مرضی نیست؛ چنان که در تعریف آن گفته شده: "اضطراب، واکنش فطری و بهنجار به یکی از دو امر است: الف، تهدیدی که متوجه شخص، نگرش ها یا حرمت خود 2 او می شود؛ ب، فقدان افراد یا چیزهایی که مایه اطمینان و امنیت او می باشند".3
اما اگر اضطراب از حد متعادل فراتر رود، یعنی جنبه مزمن و مداوم بیابد،
.Comer,R.J.10
.Stressor.1
.Self-Esteem.2
Graighead,W.E. and Nemerof, C.B. the Corsini.3 encyclopedia of Psychology and behavioral science ,New York, Tohn Wiley and Soms,(2001),Vo:11,p:122. نه تنها پاسخ

سازش یافته نیست، بلکه منع شکست، سازش نایافتگی 1 و استیصال 2 گسترده ای می شود که فرد را از بخش عمده امکاناتش محروم می کند و انواع اختلال های اضطرابی 3 را که از اختلال های شناختی 4 و بدنی، تا ترس های ناموجّه 5 و وحشت زدگی ها 6 گستر ده اند، به وجود می آو ر د.7
از طرفی پیچیدگی های جاری تمدن، سرعت تغییرات و بی توجهی به مذهب و ارزش های خانوادگی، برای افراد و اجتماع، تعارض ها و اضطراب های تازه ای به وجود آورده است و در این میان، زنان که توان کمتری دارند، آسیب بیشتری می بینند. شاید به همین دلایل است که اضطراب یا به عبارت بهتر اختلال های اضطرابی، احتمالاً از همه اختلال های روانی شایع تر است و نسبت آن در زنان، دو برابر مردان می باشد.8

.Malafjustment.1
.Destress.2
.Anxiety.3
Cognitive Disorder.4
.Phobia.5
.Panic.6
7. پر یرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 60.
8. هارولد کاپلان و همکاران، خلاصه روان پزشکی، نصرت الله پورافگاری، ج 2.

1. تاریخچه

اختلال های اضطرابی که تا سال های اخیر در مقوله "روان آزردگی ها" 9
.Neurosis.9

قرار داشتند، در قرن هیجدهم برای نخستین بار از سوی "ویلیام کولن " 1 پزشک اسکاتلندی به کار رفت. در خلال قرن نوزدهم، دیدگاه مبتنی بر پدیدآیی زیست شناختی روان آزردگی، کسانی را که به رغم سلامت ظاهری جسمانی، رفتار انعطاف ناپذیر 2 و خودتخریب گر 3 داشتند، به عنوان روان آزرده می شناختند و تصور می شد که این افراد از "اختلال های عصب شناختی "4 ناشناخته ای رنج می برند. در آغاز قرن بیستم، این دیدگاه جای خود را به دیدگاه فرویدی مبتنی بر "پدیدایی روان شنا ختی " 5 داد. فروید 6 ا صطلاح "نوروز اضطراب " 7 را ا بداع کرد و بر این نکته تأکید ورزید که اختلال روان آزردگی، از علل جسمانی ناشی نمی شود، بلکه ریشه در اضطراب دارد؛ بدین معنا که وقتی خاطرات و امیال سرکوب شده ناهشیار سعی می کنند به سطح هوشیاری راه یابند، اضطراب به منزله علامت هشدار دهنده از پایگاه "من "8 آشکار می شود و در قالب رفتارهای نوروزی ظهور می کند. نظریه فروید، مقبولّیت عمومی پیدا کرد و مبنای طبقه بندی روان آزردگی در طبقه بندی تشخیصی و آماری انجمن روان پز شکی آمریکا (DSM شد. 9
.Cullen,W.1
.Rigidity.2
.Self-Defeating.3
.Neurological dysfunctions.4
.Psychogenesis.5
.Freud,S.6
.Anxiety Neurosis.7
.Ego.8 در دهه های اخیر، نظریه پردازان "رفتاری نگر" 1 به مخالفت با این دیدگاه پرداخته اند. انتقاد اصلی آن ها متوجه این نکته است که روان آزردگی، گستره ای وسیع تر از آنچه را در وضع کنونی تحت عنوان اختلال های اضطرابی مشخص می شود، پوشش می دهد. بدون تردید انتقادهای دیگری نیز در این باره عنوان است. پاره ای از نویسندگان، اضطراب را مانند هوش، سازه ای استنباطی می دانند که بر اساس گزارش های فاعلی، رفتارهای اجتنابی و علامت های فیزیولوژیکی سنجیده می شود؛ در حالی که هنوز درباره شیوه های سنجش این نشانه های اضطرابی و

چگونگی بروز آن ها در افراد متفاوت، اتفاق نظر وجود ندارد. 2
بنابراین در مورد این اصطلاح توافق عامی نمی بینیم. افراد مختلف به گونه های متفاوت آن را بیان می کنند و پژوهشگرانی هم که درمورد آن سخن می گویند، ممکن است هر کدام پدیده های متفاوتی را در نظر داشته باشند؛ یکی تظاهرات جسمانی را مد نظر قرارمی دهد و دیگری گزارش های درونی را قصد می کند. امروزه دیگر نمی توان اضطراب را در قلمر و آنچه روان آزردگی خوا نده می شود محد ود کر د؛ زیرا همان طور که ذکر شد، این احساس درافراد بهنجار نیز تجربه می شود و دربیماران روان گسسته، افسرده و منحرفان جنسی هم وجود دارد (ناتان، 1980 3، به نقل از بوتزین، 1988).
گستردگی مفهوم اضطراب از این جنبه، مشکلات بیشتری را در راه
.Behaviorists.1
2. راچمن، به نقل از پریرخ دادستان، روان شناسی تحولی، ج 1، ص 58.
Nathan,P.E. .3

فراهم کردن ضوابط تشخیصی ایجاد می کند. پس می توان از خود پرسید که قلمرو اختلال های اضطرابی بر اساس چه ضوابطی متمایزکردنی است؟ در حد خطوط کلی می توان گفت که اختلال های اضطرابی، به مجموعه ای از اختلال ها پوشش می دهند که اضطراب یکی از نشانه های اصلی آن هاست. وجه مشترک این اختلال ها، رنج روانی و به خصوص حالت اضطرابی است که به صورت محض یا همراه با نشانه های دیگر متجلی می شود. بنابراین با در نظرگرفتن موضع گیری های مختلفِ متخصصان در این زمینه و همچنین باتوجه به وجه مشترک این اختلال ها، می توان پذیرفت هر اختلالی که نشانه اصلی آن اضطراب است، خواه این اضطراب به صورت پراکنده و مبهم آشکار شود، خواه مزمن یا متناوب باشد، خواه به موقعیت های معیّن وابسته باشد یا آن که در موقعیت های متنوع بروز کند، می تواند در قلمرو اختلال های اضطرابی قرار گیرد. 1

2. تعر یف اضطراب

درباره اضطراب تعریف های زیادی وجود دارد، ولی دست یافتن به تعریفی دقیق از اصطلاح اضطراب، بسیار دشوار به نظر می رسد. با این وصف، برخی از تعریف های عمده آن را ارائه می دهیم:

1. بک 2 (1978): اضطراب، حالت هیجانی، مبهم و نامطلوب همراه با تظاهرات بیرونی، وحشت و آشفتگی است که در اثر یک تهدید و عدم مقابله صحیح با آن حادث می شود. (به نقل از خسرو جردی، 1378)

1. پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 59.

2.2 Back,A.T. گود وین 1 (1982): (Anxiety) ا ز کلمه لاتین " Anxious" به معنای احساس فشردگی در قفسه سینه ریشه می گیرد. اضطراب به ترس بدون منشأ مشخص اطلاق می شود؛ یعنی شخص نمی داند چرا می ترسد یا ترس او از خطر نامناسب به نظر می رسد. (همان منبع)

3. سالیوان 2 (1955): اضطراب، حالت ناخوشایند شدیدی از تنیدگی است که از تجربه نارضایتی در روابط میان فردی ناشی می شود (به نقل ازکورسینی،1996 3).

4. می 4 (1967): اضطراب، نگرانی و تشویشی است که به دلیل مورد تهدید قرار گرفتن ارزش های حافظ شخصیت وجودی انسان، ایجاد می شود. (همان منبع)

5. چاپلین 5 (1975): اضطراب عبارت است از واکنش فرد در مقابل یک موقعیت ضربه آمیز، یعنی موقعیتی که زیر تأثیر بالاگرفتن تحریکات، اعم از بیرونی و درونی، قرار گرفته و فرد در مهارکردن آن ها ناتوان است. 6

6. لافون 7 (1973): اضطراب عموماً انتظاری به ستوه آورنده است، به منزله چیزی که در تنشی گسترده و وحشت آور و غالباً بی نام اتفاق می افتد. این حالت که به صورت احساس و تجربه کنونی، مانند هر

.Goodwin,W.D.1

.Sulivan,H.S.2

.Corsini,R.J.3

.May,R.4

.Chaplin,J.P.5

6. همان، ص 61.

Lafon,A.7. اغتشاش هیجانی در دو سطح هم بسته روانی و بدنی در فرد پدید می آید، ممکن است به یک تهدید عینی اضطراب آور نیز وابسته باشد. 1

7. پیه رون 2 (1985): اضطراب یک ناراحتی روانی و بدنی است که بر اثر ترسی مبهم و احساس نا ایمنی و بدبختی قریب الوقوع در انسان به وجود می آید. 3

8. ربر 4 (1985): اضطراب به منزله حالت هیجانی توأم با هوشیاری مستقیم از بی معنایی، نقص و نابسامانی جهانی است که در آن زندگی می کنیم 50

9. کاپلان 6 (1994): اضطراب یک احساس منتشر، بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم دلواپسی است که با یکی یا چند تا از احساس های جسمی همراه می گر دد. 7

10. DSM-IV (1994): اضطراب عبارت است از نگرانی قبل از وقوع خطرات یا بدبختی های احتمالی درآینده که همراه با احساس بی لذّتی 8 یا علامت های جسمانی تنش باشد؛ منبع خطر پیش بینی شده می تواند درونی یا بیرونی باشد. 9

1.همان
2.Pieron,H.
3. همان.
4.Reber,S.R.
5. همان.
6. Kaplan,H.I.
7. هارولد کاپلان وفکان، خلاصه روان پزشکی، نصرت الله پورافکا ری، ج 2، ص 474.
9. پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 61.

در جمع بندی کلی تعریف هایی که گفتیم، اضطراب احساس رنج آوری است که با یک موقعیت ضربه آمیز کنونی یا انتظار خطری که به شی غیرمعیّن وابسته است و فرد هم منبع آن را به روشنی درک نمی کند، تعریف می شود.

3. نشانه های اضطراب در سطوح مختلف

اضطراب در سطوح مختلف رفتاری، بدنی، ارتباطی و شناختی، می تواند نشانه های مختلفی داشته باشد که درجدول زیر به آن ها اشاره می کنیم.[1]

جدول (4- 1) برخی نشانه های بالینی (ضطراب در سطوح مختلف

سط !ح (ضطراب 01 اضلراب در صمطج رنتار
02 اضطراب در سطح بدنی
03 اضلراب در سلع ارتباطی 04 اضطراب رش سلح شناختی

نشاته های بالینی
الف) خشم ب) تخر یبط کری ج) فزون کنشی (hyperactivity) و اختلال توجه (attention deficit) د) اختلال هـای حرکتی
الف) شاخص های فی یولوژیکی ة تغییر ضربان تلب، افزایی فشار خون، بحرات های تنفسی، خشک شدن دهان، یریدگی رنگ، ا نقباض های مری، فز ون ض دی !ا ول و...
ب) تطاهرات جسمانی: سردرد و دل درد، اختلال هاضمه، ادرار یا مدلمحوع بی اختیاری، روان بی اشتهایی، اختلال های خواب، وحشت زدگی شبا نگا هی (nghtly terror) و.... ج) هتری تبدیل
د) خود بیمار بنداری
الف) بازدا ری ارتباطی ب) اجتناب ج) وابستکی اضطراب آمیز
الف اختلال تمرکز و حافظه ب) بازداری عقلی

1. اقتباس از همان، ص 71- 65.

4.واکنش اضطراب در نوجوان

برنوجوانی که دچار اضطراب شدید است، احساس ترس ناگهانی چیره می شود؛ گویی قرار است برایش حادثه بدی رخ دهد. ممکن است بی قرار و نا آرام شود، به سادگی از جا بپرد و علایم جسمانی مثل تهوّع، سردرد، سرگیجه و استفراغ در او پدید آید. در این حالت، فراخنای توجه و حواس او منحرف می شود، اختلال در خوابش پیش می آید و ممکن است نتواند به راحتی به خواب رود، در خواب هم بی قرار باشد و به طور کلی دچارکم خوابی شده، زیاد غَلْت بخورد وگاهی هم کابوس می ببیند و حتی در خواب راه برود. 1 اگر هیچ گونه دلیل بیرونی آشکاری برای اضطراب شدید نوجوان نباشد، ممکن است نگران شود که این حالت های او از کجا سرچشمه می گیرد و در اوضاع و وقایع بیرونی و نسبتاً جزئی به دنبال علت آن باشد. البته معمولاً با بررسی دقیق تر روشن می شود که عوامل به مراتب اساسی تر و پر اهمیت تری دخالت دارند؛ عواملی که ممکن است نوجوان به آن ها آگاهی نداشته باشد؛ مانند اختلال در روابط فرزند و والدین، نگرانی در مورد مشکلات بزرگ شدن و ترس و احساس گناه در مورد سائق های جنسی و پرخاشگری. بنابراین، واکنش های اضطراب نوجوان از این قرار است: انزوای روانی، ناتوانی در انجام تکالیف درسی و علایم دائمی جسمانی " مانند دردهای مختلف، اسهال، نفس تنگی و خستگی مفرط. 2

1. نمیا، به نقل از ماسن و همکاران، رشدشخصیت کودک، جمشید یاسایی، ص 620.
2. هنری پاول ماسن و همکاران، رشد شخصیت کودک، ص 621.

5. شکل گیری اضطراب در جر یان تحول

بررسی های اخیر نشان داده است که در بین اختلال های روانی، اختلال های اضطرابی بیشترین فراوانی را در بین مردم دارد. به نظر می رسد اضطراب پدیده ای رایج و شناخته شده باشد، ولی بررسی های دقیق آن از حد کودک شیرخوار و در طول مراحل کودکی و نوجوانی، نشان دهنده اهمیت و وسعت این اختلال و تنوع شکل گیری و گوناگونی نشانه های آن است. حتی برخی از مؤلفان اظهار کرده اند:
"رفتارهای مرضی را می توان به منزله راه حل های مختلفی دانست که کو دک در مقابل اضطراب اتخاذ می کند". (آژوریا گرا، 1982 1).
تظاهرات بالینی اضطراب برحسب سطوح تحول متنوع است و بدین ترتیب، می تو ان اضطراب پیش کلامی، اضطراب در کودک پس از اکتساب زبان و اضطراب در نوجوانی و بزرگسالی را متمایز کرد که به طور خلاصه در جدول زیر به آن ها اشاره می کنیم. 2
جدول (4-2) انواع اضطراب و تظاهرات بالینی آن ها در جریان تحول
درجریان تحولنوع اضطرابتظاهرات بالینی اضطراب پیش کلامی
حالت های اضطرابی زودرس : تظاهرات در سطح خواب، حالت های تنش یا فزون تنودی hypertonicity))، وارفتگی
و ناتوانی در جمع وجورکردن خود، درآویختن تنودی حرکتی یا دیداری، بی حرکتی همراه با سکوت و دقّت اضطراب جدایی بهنجار در کودک خردسال : درماندگی به هنگام جدایی از موضوع دلبستگی (مادر)، گریه کردن وناراحت شدن، واکش به بزرگسالان آشنا، تحریک بذیری، اختلال موقت در بازی، خواب و خوراک اضطراب در کودک پس از اکتساب زبان
ا نواع اضطراب به صورت مزمن، شدید یا موقت در خلال دوره کودکی: نشانه های مختلف اضطراب، شیوه های متفاوت در سطوح مختلف رفتاری، بدنی، ارتباطی و شناختی اضطراب جدایی مرضی در دوره کو دکی : از موقعیت هایی که مستلزم جدایی هستند، امتناع از خارج شدن از منزل، امتناع از خوابیدن در خارج از منزل، امتناع از رفتن به مدرسه، جدا نشدن از موضوع دلبستگی حتی داخل منزل، دچار کابوس شدن در خواب، ترس مفرط ازگم شدن یا مورد تجاوز قرار گرفتن یا تصادف کردن، تپش قلب بالا، سرگیجه و احساس مدهوش شدن، انزوا، ترس و نگرانی از این که خود یا والدین شان دچار سانحه شوند.
اضطراب تعمیم یافته د ر کودکی (معمولاً کو دکان سیز ده سال به بالا): نگرانی و اضطراب مفرط از رویدادهای آینده مانند امتحانات یا مشارکت در فعالیت های گروهی یا نسبت به رفتارهای گذشته خود، کمال جویی

همراه با تردیدهای وسوسه آمیز، پیروی افراطی از دیگران، نا آرامی های مفرط حرکتی، ناخن خایی یا کشیدن موهای سر خود، امتناع از شرکت در فعالیت های رقابتی مثل ورزش، تظاهرات جسمانی مانند ناراحتی های گوارشی، سردرد، حالت تهوع و سرگیجه بدون مبنای عضوی، مشکلات خوابیدن، حالت عصبی وتنش همیشگی. اضطراب در نوجوانی
-بحران های اضطراب به طور ناگهانی یا تد ریجی، فراگیر یا پراکنده:
- ا ضطراب روانی فراگیر و طو لانی - اضطراب جدایی:
- اضطراب تعمیم یافته:
تحریک بدنی پراکنده که تظاهرات بدنی متعدد دارد، ترس های مفرط فراگیر، ناتوانی یا اکراه از ترک منزل، مکانیزم هـای دفاعیdefense Mechanism)) "من "، انزوای روانی، احساس از هم پاشیدگی و واقعیت زدایی، علایم همیشگی جسمانی مانند دردههـای مختلف، اسهال، نفس تنگی و خستگی مفرط، ناتوانی در انجام تکالیف درسی.
1.Ajuriaguerra ,J.
2.اقتتباس از پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 2، صص 77- 73، هنری ماسن و همکاران، رشد و شخصیت کودک ، مهشید یاسایی، صص 121 و 161 و169و621.

6. دیدگاه های نظری درباره اضطراب

1-6. دیدگاه ر وان پویشی 1

در دیدگاه روان پویشی، درباره منبع و ماهیت اضطراب اختلاف عقیده وجود دارد که در این جا به بررسی چند نظریه می پردازیم:
فروید درباره اضطراب دو نظریه دارد: او در نظریه اول، در سال 1895، اضطراب را نتیجه مستقیم جلوگیری و سرکوب تکانه های ناهشیار دانست. براساس این دیدگاه، سرکوبگريِ 2 این تکانه موجب می شود که اضطراب نِوروزی 3 به وجود آید. (داویسون 4 ونیل،1982 5)0 البته فروید در سال 1926، نظریه اضطراب خود را بازنگری کرد و این بار سرکوب گری را مبنای اضطراب ندانست، بلکه آن را به منزله نتیجه اضطراب تلقی نمود. "
آنّا فروید 7 در بخش نخست آثارش، همِّ خود را مضروف توصیف اضطراب هایی کرده که در ریخت های مختلف، بر "من " هجوم می آورند و موجب می شوند که مکانیزم های دفاعی مختلف در فرد برای مقابله با آن ها به کار افتند. "من " در مواجهه با خواسته های ه ای "بن "،8 از مکانیزم های دفاعی که به کار اضطراب می آیند، یاری می طلبد. 9
.Psychodynamic.1
.2 .Repression
.3 neurosis anxiety یا اضطراب بیمارگونه: یک بیماری کنشی است که با ترس بی اساس یا احساس نا امنی مشخص می شود.
.4 .Davison,G.C
.5 .Neale.J.M
6. زیگموند فروید، به نقل از پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 96.
.Freud,A.7
.Id.8
9. محمود منصور و پریرخ دادستان، روان شناسی ژنتیک 2، ص 48.

کلاین 1 معتقد است که تعارض بین کشاننده زندگی و کشاننده مرگ، انسان را از بدو تولد در معرض اضطراب قرار می دهد. بنابراین از دیدگاه کلاین، برای درک اضطراب باید به غریزه مرگ یعنی مفهوم پرخاشگری پناه برد. 2
اشپیتز 3 بر کنش هشدار دهنده اضطراب و وابستگی آن با یادگیری و پیش بینی تأکید می کند؛ به طور آشکارا می بینیم که در نظام وی، اضطراب در حکم علامت محرکی است که هدف آن، پیش گیری از خطر آسیب دیدگی ناشی از خود دوستداری است. 4

1.Klein,M.
2. ملانی کلاین، به نقل از پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 100.
3.Spitz,R.
4. اشپیتز، به نقل از پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 107.

نظریه پردازان رفتارشناسی طبیعی، ترس و اضطراب را به منزله شیوه های سازش با محیط طبیعی تلقی کرده اند، صرف نظر از آن که با اضطراب شناور، یعنی اضطراب تعمیم یافته بدون موضوع معیّن و یا اضطراب های مشخص مانند هراس ها که موضوع معینی دارند، سر وکار داشته باشیم.
مرگ، هر ارگانیزم زنده را تهدید می کند. هر اندازه افراد بتوانند خود را فعّالانه از خطر دور کنند، به همان اندازه امید زندگی آن ها افزایش می یابد و بخت بقای نوع، افزون تر می گردد. هر قدر تعداد افراد یک نوع محدودتر باشد، فرایند تحول کندتر خواهد بود و مسأله اجتناب از خطرها، اهمیت بیشتری خواهد یافت.6البته در اختیار داشتن
.Etology.5
6. دوماره، به نقل از همان.

توانایی های سریع یادگیری و واکنش های بازتابی، برای بقای حیوان کفایت نمی کند؛ بلکه افزون بر آن، حیوان باید دارای یک آمادگی خاص یعنی ترس و به معنای دقیقتر اضطراب باشد تا وی را در یک هشدار و مراقبت بیشینه نگه دارد. از این دیدگاه، تکامل انواع، دست کم باید افراد را دارای تولید درون زاد اضطراب کرده باشد تا بتوانند به منظور زیستن و بقای خویشتن، با حد متوسط خطرهایی که در برابرشان قرار می گیرد مقابله کنند. 1 اما اگر یکی محیط فاقد خطر باشد، تولید درون زاد اضطراب، به اضطراب ها و حتی وحشت زدگی ها می انجامد که در چارچوب فعالیت هایی که در خلاء انجام می شود، تجلی می یابد. در مورد انسان، این احتمال وجود دارد که پاره ای از افراد مانند افراد روان آزرده، آمادگی های ژنتیکی گسترده ای را در قلمرو اضطراب به ارث برده باشند و در هنگام فقدان محرک های متناسب که امکان برون ریزی منظم اضطراب را فراهم می !نند، این تولید درون زاد ممکن است به اضطراب، بی خوابی، خواب دیده های اضطراب آمیز و اختلال های اضطرابی از نوع هراس ها بینجامد. 2
1. لی هاوزن، به نقل از همان.
2. پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص107.

6- 3. دیدگاه های انسانی نگر، هستی نگر 3

نظریه پردازان انسانی نگر و هستی نگر بر این باورند که هراس و اختلال های اضطرابی تعمیم یافته مانند هر اختلال روانی دیگر، هنگامی بروز می کنند که افراد خود را صادقانه مورد نظر و پذیرش قرار نمی دهند

.Humanistic and Existential.3

و در عوض به انکار و تغییر افکار، هیجان ها و رفتار خود می پردازند. این موضع گیری های دفاعی، در نهایت آن ها را به اضطراب مفرط می اندازد. راجرز 1 عقیده دارد که اگر افراد نتوانند در خلال کودکی "توجه مثبت بی قید و شرط "2 را از افرادی که برای آن ها معنادار هستند دریافت کنند، یک شیو؟ کنش وری دفاعی در ایشان گسترش می یابد و دیدگاهی انتقادی راجع به خود درپیش می گیرند. به کار بردن این گونه مکانیزم های دفاعی، موجب می شود که آن ها فقط جزئاً به احساسات مثبت درباره خویشتن برسند و به اغتشاش فکری و اضطراب گسترده ای دچار شوند که از احساس تهدیدشدگی همیشگی ناشی می گردد.3

.Roger, C.1

.Unconditional Positive Tegard.2

3. راجرز به نقل از پریرخ دادستان، روان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 111.

6- 4. دیدگاه شناختی نگر 4

بیشتر نظریه سردازان شناختی نگر "باورهای سازش نایافته "5 را ریشه اختلال های اضطرابی می دانند. بِک 6 و الیس 7 نظریه های شناختی را به قلمرو روان شناختی گسترش د ادند. (بک، 1967؛ الیس، 1962) این نظریه ها، فرایندهای شناختی را به منزله محور اصلی رفتار، فکر و هیجان تلقی کردند. الیس معتقد بود پاره ای از افراد باورهای بنیادی غیر منطقی دارند که بر چگونگی تفسیر آن ها از رویدادها مؤثر است و

Cognitive Theory..4
.Maladuptive Assumption.5
.Beck,A.T.6
Elis,A.7.

واکنش های هیجانی نامتناسبی را در پی دارد. به نظر او، بیشتر کسانی که از اختلال اضطرابی تعمیم یافته رنج می برند، چنین باورهایی دارند. 1 در نظریه شناختی مشابهی، "بک " اظهار می کند که افراد مبتلا به اختلال اضطرابی تعمیم یافته، باورهای غیرواقع نگر پنهان یا نهفته ای دارند که احساس خطر قریب الوقوع را در آن ها پدید می آورد. 2

1. آلیس، به نقل از همان، ص 116.
2. بک، به نقل ازهمان، ص 117.

6- 5. دیدگاه رفتاری نگر 3

به نظر رفتاری نگرها، تمامی رفتارها از جمله رفتارهای اضطرابی، اکتسابی هستند؛ یعنی از راه شرطی شدن کلاسیک،4 شرطی سازی کنشی- ابزاری،5 مشاهده، تقلید یا الگوبرداری 6 و یادگیری اجتنابی 7 فراگرفته می شوند. بنابراین، اضطراب واکنش شرطی در برابر محیطی خاص است که برای مثال ممکن است شخص با تقلید واکنش های اضطرابی والدین خود، واکنش درونی اضظراب را یاد بگیرد.8

3. Behaviorism Theory.
4. Classical Conditioning.
5. Operant Conditioning.
6. Modeling.
7. Avoidance Learning.
8. ها رولد کاپلان و همکاران، خلاصه روان پزشکی، نصرت الله پورافگاری، ج 2، ص 482.

6- 6 دیدگاه فر هنگی- اجتماعی

پژوهش ها و بررسی های زیادی نشان داده اند که فراوانی هراس ها و اختلال های اضطرابی تعمیم یافته، بیشتر در کسانی شیوع دارد که با فشارها و موقعیت های خطرناک اجتماعی مواجه هستند. نتیجه این مطالعات نشان می دهد که در محیط های تهدیدآمیز، افراد احساس تنش گسترده، نگرانی، برانگیختگی و بی قراری می کنند و حتی در این محیط ها، اختلال های خواب که مشخص کننده اضطراب تعمیم یافته است، بیشتر دیده می شود. 1

همچنین بررسی هایی که درکشورهایی نظیر ژاپن، انگلستان، کانادا، لهستان، هندوستان و تایلند شده، نشان می دهد که جنگ، اختناق، دگرگونی های سیاسی و صنعتی و نیز رخدادهای ملی و امثال آن، افزایش اضطراب در بین مردم را پی دراد. 2

1. بوم و فلمینگ به نقل از پریرخ دادستان،ر وان شناسی مرضی تحولی، ج 1، ص 94.

2. کمپتول و حمکاران، به نقل از همان.

7. پیشینه تجربی تحقیق

اشاره

در مورد پوشش اسلامی زن مطالعات فراوانی وجود دارد؛ ولی از دیدگاه روان شناسی تحقیقات چندانی در این زمینه انجام نشده است. از بین مطالعات انجام شده، به چند تحقیق دسترسی پیدا کردیم که به طور اختصار به آن اشاره می شود:

7-1. روحانی، شهریار، (1369)، بررسی مسالهٔ پوشیدگی از دیدگاه روان شناسی: روحانی در مطالعه خود، نظریه اریکسون و دیگران را دربارهٔ مراحل رشد روانی انسان مطرح و نتیجه گیری می کند که ا گر دختران در سنین نوجوانی، در جلوه گری و دلربایی افراط داشته باشند، رشد شخصیت در آن ها متوقف می شود و به افرادی که همیشه اسیر جلب توجه دیگران هستند، تبدیل می شوند و نتیجه آن، اضطراب و نگرانی همیشگی خواهد بود.

7- 2. مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، (1365)،

پژوهشی پیرامون حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان وکنکاشی در زمینة شناخت اسلام برای زن امروز: این طرح، ابتدا از ویژگی های روانی و جسمانی زن و تفاوت آن با مرد بحث کرده و حجاب را به عنوان یکی از نیازهای روانی زن مطرح می کند. همچنین در این تحقیق، سعی شده دیدگاه های قشرهای مختلف مردم تهران راجع به مسأله پوشش اسلامی سنجیده شود که در دو بخش تنظیم شده است: 1. دستیابی به فرم و رنگ های مطلوب برای پوشش بانوان در مجامع عمومی؛ 2. دستیابی به نظرات مردم تهران درباره انگیزه بعضی از بانوان در زمینه عدم رعایت دقیق پوشش اسلامی. نتایج به دست آمده از بخش اول نشان می دهد که 81% پاسخگویان طرفدار آزادی خانم ها و انتخاب نوع حجاب اند، 67% طرفدار استفاده ازپوشش ساده و بدون نقش برای خانم ها هستند، 91% مانتو و روسری را برای حجاب اسلامی مناسب می دانند، 86% استفاده از رنگهای روشن و ملایم را برای خانم ها بی اشکال می دانند و 67% رنگ سیاه را برای پوشش خانم ها مناسب دانسته اند.
همچنین نتایج به دست آمده از بخش دوم نشان می دهد که مهم ترین انگیزه بعضی از بانوان در رعایت نکردن دقیق حجاب اسلامی به ترتیب عبارت است از: 89% تربیت خانوادگی، 83% ضعف اعتقاد مذهبی، 74% همرنگی با جماعت، 68% عدم سختگیری شوهران، 66% مخالفت با اجباری بودن آن.

7-3. سازمان امور اداری و استخدامی کشور، (1369)، بررسی ابعاد شخصیتی زن: بخشی از این تحقیق، به نقش حجاب در تحولات

فردی و اجتماعی زن پرداخته و حجاب را پوششی می داند که حافظ ویژگی های زنانگی زن است. نیز و نتیجه می گیرد که شیوع بی حجابی، باعث می شود زنان به صفات مردانه و مردان به صفات زنانه گرایش پیدا کنند و از این راه، دچار مشکلات و اختلال های روانی شوند. این تحقیق در پایان نتیجه می گیرد که حجاب، زن را به صورت موجودی اندیشمند و به دور از تظاهرات جنسی به اجتماع عرضه می کند و نشانه ژرفای اندیشه زن است.

7- 4. هدایت خواه، ستار، (1372)، نگرشی دوباره به مسأله پوشش و حجاب اسلامی: نویسنده دراین پژوهش که تحقیقی کتابخانه ای است، در فصل اول و دوم به بررسی حجاب از دیدگاه های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی پرداخته و پیامدهای ناگوار بی حجابی را از این نظرگاه ها بیان کرده است. او همچنین در فصل سوم، درباره علل و عوامل فرهنگی و روان شناختی گرایش به بی حجابی بحث کرده و در فصل بعدی، پس از تعیین حدود پوشش زن، به برخی شبهه های مطرح شده درباره حجاب پاسخ داده است.

7- 5. منطقی، مرتضی، (1373)، بررسی تاثیر جاذبه های زنان در

آستانه ادراکی دیگران: منطقی در مطالعه خود، تأثیر جاذبه های زنان در آستانه ادراکی مردان را بررسی می کند و نتیجه می گیرد که در اثر رعایت نکردن حجاب و افراط در جلوه گری زنان، آستانه ادراکی مردان تغییر کرده و درک آن ها از زیبایی زنان کمتر می شود؛ درنتیجه، اثرات زیان بخشی در روابط خانوادگی آنان گذاشته و به ایجاد تنش، جدایی و طلاق می انجامد. افزون بر این که رعایت نکردن حجاب مشکلات اجتماعی فراوانی برای زنان به وجود می آورد که در افزایش التهابات روانی زنان بی تأثیر نیست.

7- 6. استانداری تهران، دفتر امور اجتماعی، بررسی علل ناهمساری برخی از بانوان تهران، 1376: استانداری تهران در تحقیق دیگری، ارتباط وضع حجاب با وضعیت اقتصادی زنان تهرانی را تأیید کرده است و نتیجه می گیرد که افزایش وضعیت رفاهی، باعث افزایش بدحجابی در دختران و زنان می شود. به همین دلیل در محله های فقیرنشین، حجاب بهتر رعایت می شود. نتیجه دیگر این که، هر چه زنان با فرهنگ های بیگانه مرتبط باشند، وضع بدتری دارند. به همین دلیل، زنانی که سفرهای خارجی بیشتری دارند، وضع پوشش نامناسب تری دارند و نیز زنانی که مدت اقامت آنان در تهران زیاد است، وضع حجاب بدتری به نسبت دیگران دارند. همچنین این تحقیق نشان می دهد کسانی که اختلاف خانوادگی دارند و روابط خوبی با والدین خود ندارند، کمتر حجاب را رعایت می کنند.

7- 7. بوالهری، جعفر، (1376)، بررسی ویژگی های حجاب خواهران در دانشگاه تهران و آماده سازی چک لیست حجاب: در این مطالعه، سعی شده چک لیستی برای اندازه گیری رفتار حجاب بانوان تهیه شود و با اندازه گیری حجاب دانشجویان دختر به وسیله این چک لیست، ارتباط حجاب آنان با برخی عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی بیان شود. از نتایج این تحقیق که در آن بیست ملاک برای سنجش حجاب کامل ارائه شده، به دست می آید که ببشتر افراد مورد مطالعه، از حجاب نسبتاً خوبی برخوردارند و نیز دانشجویان شاخه های علوم، علوم انسانی وکشاورزی حجاب بهتری نسبت به شاخه های فنی و هنر داشته اند، اما سنوات تحصیلی در نوع رفتار حجاب تأثیری نداشته است.

7-8. اسدی پویا، علی اکبر، و همکاران (1380)،

تعیین عوامل برانگیزاننده و بازدارند گسترش فرهنگ حجاب: اسدی پویا سعی کرده است مهم ترین عوامل برانگیزاننده و بازدارنده فرهنگ حجاب را بین دانشجویان دختر مشخص کند. او نتیجه می گیرد که پنج در صد پاسخگویان خود را بی حجاب می دانند و این رقم با توجه به این که جامعه ایران 99% مسلمان دارد، رقم نسبتاً بالایی است. همچنین می گوید: بهتر است برای ترویج فرهنگ حجاب در دانشگاه، با تأکید بر جنبه های مثبت حجاب، به بیان فلسفه و فواید حجاب برای افراد پرداخته و در این راه، الگوهای مناسب حجاب را با در نظر گرفتن دیدگاه بیشتر دانشجویان که مقنعه را ترجیح می دهند، معرفی کرد. همچنین برای مبارزه با بی حجابی، باید مهم ترین علل عدم گرایش به حجاب را که عبارت هستند از ناباوری، محیط نامناسب خانواده و نداشتن فلسفه حجاب، برطرف نمود.

فصل پنجم : نتایج تحقیقات میدانی

مقدمه

همان طور که در مقدمه کتاب بیان، در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی نظری نقش حجاب در سلامت روانی زن، از تحقیق میدانی هم استفاده شد تا بر غنای علمی آن افزوده گردد. به این منظور مراحل انجام تحقیق میدانی، اعم از تهیه پرسشنامه، تعیین گروه نمونه، جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری آن ها، انجام شد و نتایج بسیار جالبی هم به دست آمد. نتایج به دست آمده نشان داد:
بررسی های نظری فصول گذشته در اثبات رابطه بین حجاب و سلامتی روانی، مورد تأیید روش های آماری و تجربی قرار دارد.
برای توضیح کار میدانی انجام شده در این موضوع، ابتدا لازم است مفاهیمی چون روش تحقیق، جامعه آماری، روش و حجم
نمونه گیری و ابزار اندازه گیری کاملاً روشن شود.

1. روش تحقیق

. در این پژوهش، پیشینه نظری متغیرها (نگرش به حجاب و سلامت روانی) و رابطه بین آن ها بر اساس مطالعات کتابخانه ای در دو حوز? دین و روان شناسی بررسی شد و در بخش تجربی و بررسی میدانی، از پرسشنامه محقق ساخته نگرش به حجاب، به منظور سنجش نگرش آزمودنی ها به حجاب و نیز از مقیاس خودسنجی اضطراب زانک برای سنجش میزان اضطراب آن ها استفاده شد.

2. جامعه أماری 1

در این پژوهش، جامعه آماری عبارت است از: دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه رشته های نظری شهر قم و تهران که در سال های 81-82 مشغول به تحصیل بوده اند و در تراز سنی 17 تا 19 سال قرار داشتند.

.Statistical Population.1

3. گرو ه نمونه 2

اشاره

گر وه نمونه عبارت است از بخشی از جامعه که معّرف 3 آن جامعه است. منظور از معرف بودن این است که بین ویژگی های نمونه و جامعه ای که نمونه از آن انتخاب شده است، شباهت تقریباً کاملی وجود داشته باشد.4
.Sample.2
.Representive.3
4. علی دلاور، روش های آماری در روان شناسی و علوم تربیتی. ص 10.

3-1. روش انتخاب گروه های نمونه

روش نمونه برداری به کار رفته در این تحقیق، به صورت نمونه برداری تصادفی خوشه ای بوده است که از شهرهای قم و تهران از بین 22 دبیرستان (یازده مدرسه در قم و یازده مدرسه در تهران) از مناطق مختلف شهر انتخاب شده است. نحوه گزینش دبیرستان ها کاملاً تصادفی بوده و طوری انتخاب شده که سه رشته اصلی تحصیلی در حجم نمونه مورد نظر به تعداد کافی موجود باشد.

3-2. حجم نمونه [1]

از آن جا که در این تحقیق سعی شده مقایسه ای بین دوگروه از دانش آموزان (با حجاب و بی حجاب) انجام پذیرد، از هر کدام از دو شهر قم و تهران 225 نفر به عنوان نمونه انتخاب شد و در مجموع تعداد کسانی که پرسشنامه ها را به صورت کامل باز گرداندند، 415 نفر شد که در جدول زیر براساس تنوع رشته های تحصیلی آن ها دسته بندی شده است.

جدول (5- 1): تعداد افراد گر وه های نمونه به تفکیک رشته تحصیلی و شهر محل سکونت

شهر	رشته تحصیلی	تعداد	مجموع
قم	ریاضی	67	218
	تجربی	17	
	انسانی	79	
	معارف اسلامی	55	
تهران	ریاضی	84	197
	تجربی	95	
	انسانی	18	
مجموع			415

1.Sample Size.

4. ابزا رهای ار زشیابی

اشاره

ابزارهای ارزشیابی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند عبارت است از: 1. پرسشنامه سنجش نگرش به حجاب؛ 2. مقیاس خود سنجی اضطراب زا نک1 (S.A.S).2

4- 1. پرسشنامه سنجش نگرش به حجاب

اشاره

این پرسشنامه 23 ماده دارد که نگرش افراد را به حجاب مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد و در پنج بخش دسته بندی شده است؟ سه بخش اول تحت عنوان نگرش به حجاب در بیست ماده تنظیم شده که عبارت است از: 1. پوشش ظاهری (مواد 1 تا 12): در این بخش، نگرش آزمودنی به ظاهر پوشش بدن مانند پوشش سر، دست ها، پاها، زینت آلات و شکل پوشش اعم از چادر، مانتو و غیره سنجیده می شود.
2. پیامدهای فردی (مواد 13، 16، 18، 19): در این بخش، نگرش آزمودنی به پیامدهای فردی حجاب مانند امنیت، آرامش، حرمت خود و انتخاب دوستان باحجاب سنجیده می شود.
3. پیامدهای اجتماعی (مواد 14، 15، 17، 20): در این قسمت، نگرش فرد به پیامدهای اجتماعی حجاب مانند مانع فعالیت های اجتماعی بودن، محبوبیت خانوادگی و اجتماعی و انگیزه بدحجابی سنجیده می شود.
4. شناخت احکام شرعی (مواد 21 و 22): در این قسمت، میزان
.Zung W.K.1
.Self reting Anxiety Seaie.2
شناخت آزمودنی به احکام فقهی اسلام ارزیابی می شود. برای این کار دو موضوع بسیار پیش پا افتاده و ساده و در عین حال مهم وکلیدی انتخاب شد؛ یعنی مسأله محارم زن و مسأله وضو، تا میزان شناخت فرد از احکام دینی تا حدودی مشخص شود. پاسخ غلط به این دو سؤال آسان، نشانه بیگانگی فرد از احکام اسلامی تلقی می شود؛ زیرا دانستن این مسائل، حداقل اطلاعاتی است که فرد مسلمان دارا می باشد.
5. پوشش مطلوب (ماده 23):
در این بخش، یک سؤال تشریحی درباره مطلوب ترین پوشش اسلامی برای زن در جامعه امروزی است. پاسخ هایی که به این پرسش داده شده، در چهار بخش دسته بندی می شود: 1. پوشش کامل با چادر، مانتو و مقنعه؛ 2. پوشش کامل با مانتو و مقنعه؛ 3. پوشش معمولی با مانتو و روسری. 4. پوشش غیراسلامی و آزاد (بدحجابی) که توضیحات مربوط به این گزینه و گزینه های 21 و 22، در بخش شیوه نمره گذاری این پرسشنامه بیان خواهد شد.
گزینه های بیست سؤال اول این پرسشنامه عبارت است از: کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم. برای تهیه مواد پرسشنامه، ابتدا به تعداد زیادی ازکتاب ها و مقالات با دیدگاه روانشناختی به حجاب مراجعه شد و سپس آیات قرآنی در این زمینه استخراج گردید و نظر تفسیرهای مختلف

به دست آمد. در مرحله بعد، احادیث مربوط به حجاب، به ویژه احادیثی که به جنبه های روان شناختی حجاب توجه کرده بود، جمع آوری شد و نیز بخشی از شبهه های و انتقادها به حجاب مورد توجه قرار گرفت. در مرحله بعد، با تعدادی از خواهران مصاحبه هایی در موضوع پیامدهای حجاب و بدحجابی انجام شد و در نهایت با جمعی از استادان و صاحب نظران حوزه دین و روان شناسی مشورت به عمل آمد.

4-1-1. أعتبار 1

پیش از انجام هر تحقیق، باید اعتبار مقیاس های اندازه گیری آن بررسی شود. منظور از بررسی اعتبار تحقیق این مطلب است که وسیله اندازه گیری چه چیزی را اندازه می گیرد؟ آیا اطلاعاتی را که این وسیله فراهم می سازد، با ویژگی هایی که محقق جستجو می کند مربوط است؟ کارشناسان، اعتبار پرسشنامه سنجش نگرش به حجاب را از سه زا ویه ارزیابی کر دند: 01 از نظر اعتبار ظاهری، 2 مورد ارزیابی چند نفر از صاحب نظران در روش تحقیق در علوم قرارگرفت. 2. از نظر اعتبار محتوایی 3 و در قالب یک مقیاس بازخورد (نگرش)، استادان روان شناسی، آن را تأیید کردند.3. از نظر فقهی و مطابقت با فتاوای مراجع بزرگوار تقلید نیز دیدگاه های تنی چند از استادان و صاحب نظران در فقه اعمال گردید. در نهایت پس از تعدیل و اصطلاحات و دریافت تأیید نظر متخصصان فقه، روان شناسی و روش تحقیق، در سطح محدود اجرا گردید تا مواردی که احتمالاً درک آن ها برای آزمودنی مبهم بود، دوباره بررسی شود. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، براساس آخرین اصطلاحات اجرا گردید.

.Validity.1
.Formal Validity.2
.Content Validity.3

4-1-2. روایی 1

روایی یا پایایی پرسشنامه سنجش نگرش به حجاب، از راه محاسبه ضریب "آلفا کرونباخ" براساس اطلاعات آماری موجود در همین پژوهش محاسبه شد. این محاسبات که در جدول (2-5) در پایان کتاب آمده است، ضریب آلفا را معادل ./9634 به دست آورده است. قابل ملاحظه بودن این ضریب، نشان می دهد که می توان به نتایج پژوهش اعتماد داشت.

1.Reliability.

4- 2. مقیاس خودسنجی اضطراب زانک (S.A.S)

اشاره

این مقیاس، در بیست سؤال چهار گزینه ای بر مبنای نشانگان بدنی- عاطفی اضطراب تهیه شده است. به منظور ساختن این مقیاس، از ملاک های تشخیص استفاده شده که با شایع ترین ویژگی های اختلال اضطرابی مطابق و هماهنگ هستند؛ یعنی مصاحبه های بالینی مراجعان مضطرب را به صورت مشروح ضبط و بعدا از تک تک موارد مطروح شده در ساخت آزمون استفاده کرده اند. ملاکی های تشخیصی S.A.S پنج نشانه عاطفی و پانزده نشانه بدنی دارد.
نشانگان عاطفی اضطراب زانک عبارت است از: تشویش و عصبانیت، ترس، وحشت و هراس، عدم انسجام روانی و بیم و هراس ناشی از انتظار یک پیشامد نامطلوب.
نشانگان بدنی اضطراب زانک هم عبارت است از: لرزش، ناراحتی و دردهای بدنی، تشنّج، تنگی نفس، احساس بی حسی و مور مور شدن، سوء هاضمه، ضعف و خستگی زودرس، بی قراری و نا آرامی، تپش قلب، سر گیجه، تکرّر ادرار، داغ شدن اعضای بدن و عرق کردن، برافروختگی چهره بی خوابی و بختک زدگی.
امتیاز این مقیاس در مقایسه با مقیاس های مشابه در این است که مراجع، کمتر می تواند شیوه خاصی را در پاسخ هایش دنبال کند؟ زیرا تعدادی از سؤال ها بر نشانه های مثبت و تعدادی بر نشانگان منفی تأکید دارد. برای این که پاسخگو در جواب های علامت زده خود تجدید نظر کند، به جای پاسخ بلی و خیر، از ستون های هیچ گاه یا به ندرت، گهگاه، بیشتر اوقات و دائم یا تقریباً همیشه، استفاده شده است.
امتیاز دیگر این مقیاس این است که مقیاس رتبه ای را به فاصله ای تبدیل کرده است؛ یعنی با استفاده از مقیاس درجه بندی که صفات کیفی را به کمّی تبدیل می کند، آن را به آزمونی پارامتریک تبدیل ساخته است لذا در آزمون آماری برای برآورد جامعه از روی نمونه، می توان از روش های پیشرفته تر و دقیق تری استفاده کرد.

4-2-1. اعتبار

اعتبار هر آزمون و مقیاس به یکی از دو روش زیر تعیین می شود:
1. مقایسه نتایج آزمون با مقیاس دیگری از همین نوع که اعتبار آن به اثبات رسیده است. به عبارت دیگر، بین نتایج به دست آمده از این آزمون و نتایج مقیاس های مشابه که اعتبار آن ها مسلّم فرض شده است، همبستگی وجود داشته باشد.
در مورد این آزمون، مطالعات چندی صورت گرفته که نشان می دهد این مقیاس در سطح معنادار آماری، پیوسته بیماران مبتلأ به اختلال های اضطرابی را از دیگر طبقات متمایز می کند. یکی از این مطالعات که بیانگر همبستگی میان مقیاس اضطراب هامیلتون 1 (H.A.S) و مقیاس اضطراب زانک (S.A.S) بود، نشان می داد براساس اطلاعات به دست آمده از اجرای دو مقیاس روی بیش از پانصد مورد و با استفاده از روش همبستگی پیرسون، همبستگی میان دو آزمون (S.A.S) و 2 (H.A.S) برابر 71% بوده است.
2. روش دوم برای تعیین اعتبار آزمون در صورت فقدان آزمون مشابه، استفاده از نظر چند داور با صلاحیت در مورد مقیاس ساخته شده است. هنگامی از این روش برای برآورد اعتبار مقیاس استفاده می شود که مقیاس براساس ادبیات پژوهشی در دسترس ساخته شده باشد. در این صورت، معیار نمی تواند یک معیار تشخیصی کاملاً فراگیر باشد و البته در برگیر نده همه جزئیات مکتب های روان شناسی، روان پزشکی و کلیه تئوری های راجع به اضطراب نخواهد بود، بلکه فهرست علامت های اساسی درونی، بر مبنای نشانگان را نشان می دهد.
باتوجه به این که مقیاس (S.A.S) بر عناوینی تأکید دارد که علامت اساسی اضطراب را تشکیل می دهند و فرد در زندگی واقعی خود بارها آن ها را نمایان ساخته می تواند به راحتی در مورد آن صفات نظر بدهد، لذا می توان مقیاس (S.A.S) را مقیاس معتبری برای تشخیص اضطراب دانست.

1. Homilton

2. آزمون (H.A.S) مقیاسی است که مانند آزمون (S.A.S) سطح اضطراب افراد را اندازه گیری می کند.

4-2-2. روایی

برای محاسبه روایی آزمون، از روش های زیر استفاده می کنیم:
1. روایی ارزیاب ها که در مورد مقیاس خودسنجی اضطراب زانک کاربردی ندارد.
2. روش همبستگی بین مواد آزمون که به وسیله آزمون، همسانی د رونی آن برآورد می شود.
برای محاسبه روایی مقیاس (S.A.S)، از روش ضریب انسجام که میزان همبستگی درونی یا تجانس پرسش ها را بررسی می کند، استفاده شده است. تحلیل های آماری نتایج (S.A.S) با استفاده از روش ضریب انسجام، نشان دهنده ضریبی برابر 84 بود که بیانگر روایی بسیار بالای این مقیاس می باشد. 1
روایی مقیاس (S.A.S) از راه محاسبه ضریب آلفا کرونباخ براساس اطلاعات آماری موجود در همین پژوهش نیز محاسبه شد. این محاسبات که در جدول (3-5) در پایان کتاب آمده، ضریب آلفا را معادل 87% به دست آورده است. قابل ملاحظه بودن این ضریب، نشان می دهد که می توان به نتایج پژوهش اعتماد داشت.

1 A.D.Richard and M.S. Willik,psychoalysis:The science of mental conflict New York: Analytic,Press,p:177-189.

5. روش گر دآو ری اطلاعات

چنان که اشاره شد، پرسشنامه سنجش نگرش به حجاب و مقیاس خودسنجی اضطراب زانک (S.A.S)، باید بر روی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر قم و تهران اجرا می شد. اجرای هر دو پرسشنامه به طور هم زمان و به صورت گروهی صورت گرفت. پیش از توزیع پرسشنامه، هدف از اجرای آن برای آزمودنی ها توضیح داده و اشاره شد که پاسخ صحیح یا غلط مشخصی برای سؤال ها وجود ندارد، بلکه هدف از است که گزینه ای که بیشتر در مورد هر شخص صدق می کند، انتخاب شود. به منظور جلب هر چه بیشتر همکاری آزمودنی ها و پاسخگویی دقیق به سؤال ها، به دانش آموزان تذکر داده شد که ابتدا توضیحات بالای پرسشنامه را بخوانند و ذکر اسم آنان غیر ضروری اعلام گردید. در ضمن در کلاس اعلام شد که اشخاصی که مایل به پاسخگویی به پرسشنامه ها نیستند، می توانند برگه ها را سفید برگردانند؛ که تعداد کمی چنین کردند. تعدادی از آنان هم به طور ناقص به پرسش ها پاسخ دادند که پاسخنامه آنان نیز حذف شد. در مجموع 415 نفر به طورکامل به پرسشنامه ها پاسخ دادند.

6. روش تجزیه وتحلیل داده ها

در این پژوهش، از روش آمار توصیفی برای دسته بندی، جدول بندی، شاخص های توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد، بهره می گیریم. سپس با استفاده از آمار استنباطی، به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام نموده و پرسش های پژوهش را بررسی می کنیم.
متغیرهایی که در این پژوهش بررسی می شود عبارت است از "نگرش به حجاب "که عواملی چون نگرش به پوشش ظاهری، نگرش به پیامدهای فردی و نگرش به پیامدهای اجتماعی را در برمی گیرد؛ و "سطح اضطراب "که با نشانگان عاطفی و بدنی مشخص شده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر که مربوط به این دو متغیر است، عملاً یک طرح همبستگی را نشان می دهد که در آن، میزان همبستگی، کیفیت و نیز معناداری آن مورد آزمون قرار می گیرد و با روش همبستگی پیرسون ارزیابی، تجربه و تحلیل می شود.
در مرحله بعد، اثر متغیرهای دیگری چون میزان شناخت احکام، انتخاب نوع پوشش، رشته تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، شغل و تحصیلات والدین و شهر محل سکونت، بر دو متغیر اصلی، یعنی نگرش به حجاب و اضطراب بررسی، تجربه و تحلیل می شود که برای محاسبه آن ها، ا ز روش های آما ری چون محاسبه واریا نس، آزمون F، آزموt و آزمون توکی با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS استفاده می شود. 2

.Statistical Pakage For Social Science.1
2. لازم به تذکر است ، برای پرهیز از طولانی شدن مطلب، از آوردن نتایج برخی از متغیرهای به کار رفته در آزمون، خودداری می شود. علاقمندان می توانند برای پیگیری مطلب به پایان نامه مولف واقع در کتابخانه مؤسسه آموزشی و پزوهشی امام خمینی قم مراجحه نمایند.

7. طرح پر وهش 3

طرح پژوهش یعنی برنامه، ساختار و استراتژی پژوهش به منظور به دست آوردن جو اب برای پرسش های پژوهش و کنترل واریانس 4
در این پژوهش که از نوع طرح های پس رویدادی (علّی- مقایسه ای و همبستگی) است، محقق درصدد یافتن ارتباط بین متغیّرهای خصیصه ای، از جمله نگرش به حجاب و میزان اضطراب، می باشد. سؤال اصلی پژوهش حاضر، عملاً یک طرح همبستگی را به نمایش گذاشته که در آن، میزان همبستگی، کیفیت و سطح معناداری آن مورد آزمون قرار می گیر د.

3.Research Design.

4. حیدر علی هومن، پایه های پژوهش در علوم رفتاری، ص 181.

8. تجز یه وتحلیل داده ها

اشاره

یافته های پژوهش به صورت تجزیه و تحلیل داده ها، به عنوان فرایندی از روش علمی، یکی از پایه های اساسی هر مطالعه پژوهش است که از راه آن، کل فرایند پژوهشی، از انتخاب مسأله تا دسترسی به نتیجه هدایت می شود. تجزیه و تحلیل داده ها، دو بخش دارد: توصیف داده ها؛و تجزیه و تحلیل آن ها.

1-8 توصیف داده ها

به منظور توصیف نتایج به دست آمده در این پژوهش، میانگین، انحر اف استاندارد، نمره حداقل و نمره حداکثر پرسشنامه نگرش به حجاب و مقیاس خودسنجی اضطراب و عوامل آن ها در جدول های جداگانه ارائه می شود.
جدول (5- 2): میانگین و انحراف استاندارد نتایج پرسشنامه نگرش به حجاب و مقیاس اضطراب
متغیر شاخصتعدادمیانگینانحراف استانداردنمره حداقلنمره حداکثر
نگرش به حجاب41549/5992/142180
اضطراب41577/3081/72065

نگرش به حجاب

نمودار (5- 1): درصد میانگین نمرات آزمودنی ها در پرسشنامه نگرش به حجاب و اضطراب داده های آماری ارائه شده در جدول و این نمودار نشان می دهد که میانگین نمرات آزمودنی ها در پرسشنامه نگرش به حجاب، بالاتر از میانگین نمرات آن ها در مقیاس خود سنجی اضطراب است.
جدول (5-3): نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای تعیین اثر سطوح نوع پوثمش بر اضطراب در آزمو د نی ها شاخص
منبع تغییرات مجموع مجذوراتدرجه آزادیمیانگین مجذوراتمقدار آزمون Fسطح معنادار
بین گروهی80/7430393/247691/620001/.
درون گروهی20/1386035240/39
مجموع21291355 مجموع د! مقدار سطح مجذورات آزادی مجذورات آزمون 4 !حنادار 7435/85 3 2476/93 62/91 5/5551 13865/25 21291 39/45 352
همان طور که نتایج جدول نشان می دهد، F مشاهده شده (F =/62 /91) در سطح خطای کمتر از 01/ 0 (0p /01 >) معنادار است؛ یعنی میانگین های اضطراب گروه ها براساس نوع پوشش از یکدیگر متفاوت هستند.
جدول(5-4): برآورد فاصله اطمینان توکی برای مقایسه سطح میانگین ها در مقیاس اضطراب براساس سطوح متغیر نوع پوشش (چا در، مانتو، معمولی، بدحجابی)

براساس یافته های موجود در جدول (5-4) در مقایسه میانگین گروه ها،

تفاوت بین تمام گروه ها در سطح 01/ a=0 معنادار است. بدین ترتیب با احتمال خطای کمتر از 01/ 0 بین گروهی که در نوع پوشش، چادر را انتخاب کرد 5 اند با سه گروه مانتو، معمولی و بدحجاب تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین تفاوت بین گروهی که در نوع پوشش، مانتو را انتخاب کردهاند با گروه معمولی و بدحجاب معنادار می باشد. تفاوت بین گروهی که در نوع پوشش، معمولی را انتخاب کرده اند با گروه بدحجاب نیز معنادار است.

نمودار (5-2):.میانگین نمرات نگرش به حجاب و اضطراب به تفکیک نوع بوشش داده های آماری ارائه شده در این نمودار نشان می دهد میانگین نمره نگرش به حجاب آزمودنی هایی که مناسب ترین نوع پوششی را برای دختران چادر می دانند، بالاتر از کسانی است که انواع دیگر.پوشش را برای دختران مناسب دانسته اند همچنین میانگین نمره اضطراب ا ین گروه، کمتر از کسانی است که الگو های دیگر پوشش را برای دختران مناسب می دانند.

جدول (55) میانگین وانحراف استاندارد پرسشنامه نگرش به حجاب به تفکیک شهمر محل سکونت

شاخص ها سطوح متغیرتعدادمیانگینانحراف استانداردخطای معیار

قم21839/6880/967/0

تهران19763/4934/1395/0

مجموع41549/5992/1473/0 جدول (5- 6): میانگین و انحراف استاندارد نمرات مقیاس اضطراب به تفکیک شهر محل سکونت شاخص ها سطوح متغیرتعدادمیانگینانحراف استانداردخطای معیار

قم21848/2835/536/0

تهران19730/3322/966/0

مجموع41577/3081/738/0 شهر محل سکونت

نمودار (5-3): میانگین نمرات نگرش به حجاب و اضطراب به تفکیک شهر محل سکونت

داده های آماری ارائه شده در جدول ها و این نمودارها نشان می دهد دختران دبیرستانی ساکن قم با میانگین 68/39، در مقایسه با دختران دبیرستانی ساکن تهران، از نگرش مثبت تری به حجاب برخوردارند؛ چنان که از اضظراب کمتری نیز برخو ردارند.

2- 8 تحلیل داده ها

همان طورکه در ابتدای این فصل بیان گردید، برای محاسبه رابطه نگرش به حجاب و اضطراب، از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از رابطه همبستگی، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (7-5): نتایج آزمون معناداری ضریب همبستگی دو متغیر نگرش به حجاب و اضطراب

در این جدول، همبستگی بین نگرش به حجاب و اضطراب به نمایش گذاشته شده و حاکی از آن است که همبستگی بین نگرش به حجاب و اضطراب ، منفی و معنادار (در سطح خطای کمتر از 1%) است. پس این رابطه منفی نشان می دهد که هر اندازه نگرش به حجاب در افراد مثبت تر باشد؟ اضطراب آن ها کمتر است و به عکس، هر چه اضطراب افراد بالاتر باشد، نگرش مثبت به حجاب در آن ها کمتر خواهد بود

9، نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین نگرش به حجاب با سلامت روانی زنان بود. برای این کار، ضریب همبستگی بین نگرش به حجاب و
و پولو ما و پن دلتون 1 (1991) اثر مثبت مذهب را بر سلامت روان، کاهش علامت های بیماری و کاهش ناراحتی و آشفتگی گزارش داده و از وجود رابطه ای مثبت بین مذهب و بهداشت روانی حمایت نمودند. 2
همچنین نتایج این تحقیق، با یافته های پژوهشگران در زمینه رابطه مذهب و میزان اضطراب هماهنگی دارد. لیندنتال 3 و همکاران، (1970) اشتارک، 4 (1971) در بررسی بین رابطه مذهبی بودن و اضطراب، به این نتیجه رسیدند که اضطراب و ناراحتی های روانی افرادی که به اعتقادات مذهبی پایبند هستند، خیلی کمتر ازکسانی است که به این اعتقادات پایبند نیستند.5
در مطالعه دیگری، هارولد کوئنیگ " همبستگی بین مذهب و اختلالات اضطرابی را در بین 2969 نفر جوان و میانسال که هفته ای یک بار درکلیسا حاضر می شدند بررسی کرد. از این بررسی به دست آمد این عده به نسبت کسانی که حضور مر تب در کلیسا نداشته اند، اختلالات اضطرابی کمتری نشان داده اند، همچنین کو ئنیگ و جرج 7 (1993) در یک بررسی که از رابطه بین مذهب و اضطراب در بین 1299 نفر از ساکنان یک خانه سالمندان نمودند، نشان دادند بیماری اضطراب با شرکت درکلیسارابطه منفی دارد.8

1.Ploma & Pendelton.

2.جعفر بوالهری، بررسی مقدماتی اثر فشار اجتماعی بر گزارش افراد از نگرش مذهبی، مجموعه مقالات نقش دین در بهداشت و روان، 1376.

3. .Lindenthal

4.Stark.

5ـ محمد امین جلیل وند، مطالعه رابطه نماز و اضطراب در داش آموزان دبیرستانی شهر تهران، همان: 1380، ص 38.

6.Harold Koenig

.7.Koenig & George

8. سید احمد واعظی، بررسی رابطه دعا و اضطراب، همان، ص 158.

اضطراب آزمودنی ها محاسبه گردید. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد بین میزان نگرش به حجاب و اضطراب دانش آموزان، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. ($r = -62/0$). به عبارت دیگر، دخترانی که نگرش مثبت بالایی به حجاب دارند، از اضطراب کمتری برخوردارند. یافته

های این پژوهش، با نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه نقش و رابطه مذهب بر سلامت روان همخوانی دارد. گرچه در خصوص رابطه نگرش به حجاب و اضطراب یا سلامت روان، تحقیق علمی جداگانه ای یافت نشد؟ ولی تحقیقات فراوانی در مورد رابطه نگرش ها و اعتقادات مذهبی که از جمله آن ها نگرش به حجاب است، با اضطراب و سلامت روان انجام شده که با روند کلی تحقیق ما همسویی دارد.
دسته ای از این پژوهش ها که اخیراً در مورد اثر مذهب بر سلامت روان انجام شده، حاکی از وجود ا ثر مثبت مذهب بر سازگاری و بهداشت می باشد. مثلاً نس و وینتروپ 1 (1980)؛ براون، ندیبوس و گری 2 (1990)؛ برگین، ماسترز و ریچاردز 3 (1988)؛ لویس و مارکیدز 4 (1988)؛ ویلیامز، لارسون و هکمان (1991)؛ هانس برگر 6 (1985)؛ ها ندل، بلاکر-لو پز و مورگن 7 (1989)؛ کا مستاک، پا رتر یگ 8 (1972)
.Ness & Wintrob.1
.Brown, Ndubuis &Gray.2
.Bergn,Madters & Richards.3
.Levis & Markides.4
.William,Larson & Heckman.5
.Huvsberger.6
.Handel,Blacker-Lopez & Morgan.7
.Comstock &Partridge .8

نتایج این پژوهش، با یافته های پژوهش های انجام شده در تحقیقات داخلی نیز هماهنگی دارد. در پژوهشی که صولتی و همکاران به منظور بررسی رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت روانی در مقیاس های افسردگی، کارکرد اجتماعی، اضطراب و علایم جسمانی انجام داده، ضریب همبستگی بین نگرش مذهبی و اضطراب را r=0 /70 به دست آورده ا ند. 1
در پژوهش دیگری که ضرغامی و همکاران (1380) به منظور بررسی رابطه شیوه های مقابله مذهبی و اضطراب انجام داده اند، رابطه بین اضطرابآشکار و پنهان با مقابله مذهبی را به ترتیب r = 0 /23 و 0 /24 = rو 1 0/ 0 p > به دست آورده ا ند. همچنین این بررسی نشان می دهد تفاوت بین میانگین مقابله مذهبی و رشته تحصیلی در سطح 001/0 p > معنادار است.2 همچنین در پژوهشی که از سوی وهاب زاده و همکاران در مورد رابطه بین میزان اعتقادات دینی و میزان اضطراب دانش آموزان دبیرستان های شهر تهرن انجام شد، نتایج به دست آمده نشان می داد در گروهی که میانگین نمره اضطراب بالا بود، میانگین نمره اعتقادات مذهبی بسیار پایین بود و گروهی که نمره اعتقادات مذهبی بالاتری داشتند،

میانگین نمره اضطرابشان از گروه دیگر پایین تر بوده است. افزون براین، نتایج این تحقیق با تبیینی که در فصل دوم، تحت عنوان ((حجاب و سلامت روانی)) با نگاهی به آیات و روایات اسلامی و رویکردی ر و ان شناختی آورده شد، همخوانی دارد.
بنابراین. همسو بودن پژوهش های انجام شده در زمینه رابطه بین
1. سید کمال صولتی و همکاران، بررسی رابطه بین نگرش مذهبی و مهارت های مقابله و سلامت روانی، همان، ص 88.
2. مهران ضرغامی، مقابله مذهبی اضطراب، همان.

نگرش های مذهبی وکاهش اضطراب یا سلامت روان با پژوهش حاضر، از یک طرف تأییدی بر اثبات فرضیه اول این تحقیق است که در آن به وجود رابطه مثبت و معنادار بین نگرش به حجاب و سلامت روان اشاره شده، و از طرفی دیگر، پاسخ سؤال اصلی پژوهش را روشن می کند که بین نوع نگرش به حجاب و سطح اضطراب رابطه همبستگی وجود دارد، و از آن جایی که نگرش، به معنای آمادگی و تمایل فرد برای واکنش و عمل است، می توان حدس زدکه نه تنها بین نگرش به حجاب و اضطراب، بلکه بین حجاب به عنوان یک رفتار نیز با اضطراب رابطه معکوس بر قرار است.
در بررسی ارتباط بین نگرش به حجاب و نیز اضطراب با متغیرهایی چون شناخت احکام، انتخاب نوع پوشش، رشته تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، تحضیلات و شغل والدین و شهر محل سکونت، از راه تحلیل واریانس یک طرفه، نتایج تحقیق حاضر تأیید کننده وجود رابطه معنادار بین نگرش به حجاب و همچنین اضطراب با تمام متغیرهای بالا، به جز پیشرفت تحصیلی بوده است.
گرچه در زمینه رابطه این متغیرها با نگرش به حجاب و اضطراب، پیشینه تجربی چندانی وجود ندارد تا بتوان میزان هماهنگی نتایج این پژوهش را با آن مقایسه کرد، اما با توجه به تحقیقات موجود و دلایلی چون تجربه های شخصی
افراد، استدلال های عقلانی و تو جیهات روان شناختی، به بعضی از ادلّه نتایج به دست آمده می توان اشاره کرد. نتایج جدول های (3-5) و (4-5) نشان می دهد، دخترانی که مطلوب ترین نوع پوشش را برای زنان و دختران پوشش کامل با چادر می دانند، نسبت به کسانی که انواع دیگر پوشش را برای زن می پسندند، از اضطراب کمتری برخوردارند. به عبارت دیگر، زنان هر چه بیشتر به پوشش کامل به ویژه چادر گرایش یابند، اضطراب کمتری دارند؛ زیرا زن هر چه پوشیده تر باشد، به آسیب های اجتماعی کمتری دچار می شود و در نتیجه اضطراب کمتری هم دارد. نتایج فرعی تر به دست آمده از جدول های مذکور نیز این مطلب را تأیید می

کند؛ زیرا بین میزان اضطراب کسانی که حجاب کامل با مانتو را علامت زده اند، با کسانی که حجاب معمولی با مانتو را علامت زده اند، و نیز بین این افراد با کسانی که پوشش آزاد و به اصطلاح بدحجابی را علامت زده اند، تفاوتی معنادار دیده می شود.

دیگر نتایج

همچنین در این پژوهش، رابطه بین تحصیلات و مذهبی بودن پدر و نگرش به حجاب بررسی شده که به قرار زیر است:
الف) از جدول هایی که درباره تحلیل رابطه بین تحصیلات پدر و بین نگرش به حجاب و اضطراب آزمودنی ها بود، چند نتیجه کلی به دست آمد: 1. سطح تحصیلات پدر، در نگرش ها و عواطف فرزند نقش دارد؛ 2. هر چه تحصیلات کلاسیک و دانشگاهی پدر بالاتر می رود، نگرش مثبت به حجاب در دختران ضعیف تر می شو د و در مقابل، اضطراب آن ها افزایش می یابدء3. تحصیلات دینی و حوزوی پدر در حد فوق لیسانس و دکترا به عکس تحصیلات دانشگاهی، بیشترین تأثیر را در افزایش نگرش مثبت به حجاب و کاهش اضطراب دختران داشته است.
از نتایج به دست آمده چنین برداشت می شود که تحصیلات کلاسیک و دانشگاهی پدر، تأثیری منفی بر نگرش دختر به حجاب دارد؛ در حالی که به استثنای تحصیلات حوزوی، دخترانی که سطح تحصیلات پدرانشان ابتدایی و سیکل بوده، نگرش مثبت تری به حجاب دارند. نتایج به دست آمده از مقایسه این متغیرها، با نتایجی که از مقایسه سطح تحصیلات مادر و نگرش به حجاب به دست آمده نیز هماهنگ است. نتایج این پژوهش، با یافته های تحقیقات دیگر نیز هماهنگی نشان می دهد. از تحقیقی که استانداری تهران به منظور بررسی علل ناهمسازی برخی از بانوان تهرانی انجام داده، به دست می آید هر چه سطح تحصیلات زنان بالاتر می رود، گرایش آنها به حجاب، کمتر می شود و هر چه سطح تحصیلات آن ها کمتر باشد، گرایش بیشتری به حجاب دارند. 1
علت این مطلب می تواند به دلیل این باشد که فرهنگ حجاب در محیط های دانشگاهی ما به دلایل مختلفی چون مختلط بودن پسر و دختر و عدم حاکمیت نسبتاً کامل فرهنگ دینی در جوّ دانشگاه یا دلایل دیگر، تا حدودی از بین رفته است و در نتیجه دانشگاهیان، نگرش مثبت بالایی به حجاب ندارند تا بتوانند این نگرش را به فرزندان خود منتقل کنند.
نتایج به دست آمده در این جا، با یافته های پژوهشگران در زمینه تأثیر مذهبی بودن والدین بر فرزندان همخوانی دارد. نوابی نژاد در پژوهش خود در یک نمونه 1500 نفری از والدینی که فرزندان دانش آموز سال دوم و سوم دبیرستانی دارند، به این نتیجه رسید که بین
1. دفتر امور اجتماعی استاندار تهران، بررسی علل ناهمسازی برخی بانوان تهران، 1376.

مذهبی بودن والدین و فرزندان و سلامت روان آن ها رابطه ای معنادار وجود دارد. 1
اما علت افزایش سطح اضطراب این آزمودنی ها، ضعیف شدن نگرش مثبت به حجاب و به طورکلی مذهب در این خانواده هاست و تحقیقات فراوانی که به نمونه هایی از آن در صفحات پیشین اشاره شد، این مطلب را تأیید می کند.
ب) از جدول هایی که درباره تحلیل رابطه مذهبی بودن والدین با نگرش به حجاب و اضطراب است، معلوم می شود آزمو دنی هایی که شغل پدرانشان روحانی یا استاد معارف دانشگاه است، از نگرش مثبت تری به حجاب برخوردارند و اضطراب کمتری به نسبت دیگر گروه ها دارند؛ ولی در دیگر شغل ها چنین تأثیری مشاهده نشد. علت این مطلب، توجه و اهمیتی است که روحانیون و استادان معارف دانشگاه به تربیت مذهبی فرزندانشان نشان می دهند که این توجه در دیگر افراد نسبتاً کمتر است.
ج) همچنین داده های آماری جدول ها نشان می دهد دخترانی که مادرانشان خانه دار هستند، به نسبت دخترانی که مادرانشان شاغل هستند، نگرش مثبت تری به حجاب دارند. شاید بتوان دلیل مطلب را در این دانست که مادران خانه دار، فرصت بیشتری برای تربیت فرزندان و آشناکردن آن ها با اعتقادات و اعمال مذهبی چون حجاب دارند؛ اما مادران شاغل، افزون بر این که فرصت کافی برای این کار ندارند، چون مجبورند هر روز از خانه خارج شوند، بر اثر مجاورت با محیط خارج از
1. شکوه نوایی نژاد، رابطه بین بهداشت روان و مذهبی بودن والدین و فرزندان نوجو ان آن ها، مجموعه مقالات نقش دین در بهداشت روان، 1380، ص 153. منزل و سر وکار داشتن بیشتر با مردان نامحرم، طبیعتاً نگرش خود را به حجاب تا حدودی از دست می دهند و عاملی برای انتقال این فرهنگ به د خترانشان می شو ند.
د) و بالاخره از جدول های (5-5) و (5-6) استفاده می شو د دخترانی که ساکن قم هستند، نسبت به دختران تهرانی، از نگرش مثبت تری به حجاب برخوردارند؛ چنان که اضطراب کمتری نیز در آن ها مشاهده می شود. این نتایج، نشان دهنده تأثیر محیط بر نگرش افراد است و چون شهر قم، بافت مذهبی تری در برابر شهر تهران دارد، نگرش زنان و دختران قمی به حجاب، مثبت تر از تهران است و به تبع آن، آنها اضطراب کمتری هم احساس می کنند.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».